



اسلام

چكيده‌ى مختصری دربارۀ اسلام،  
چنانکه در قرآن کریم و سنت ‌نبوی آمده است

اسلام؛ چكيده‌ى مختصری دربارۀ اسلام، چنانکه در قرآن کریم و سنت ‌نبوی آمده است.

کتابی مهم دربردارنده‌ی تعریف مختصری از اسلام است که به بیان مهمترین اصول و آموزه‌ها و محاسن اسلام از منابع اصلی آن یعنی قرآن کریم و سنت نبوی می‌پردازد. مخاطَب این کتاب، همۀ مکلفان مسلمان و غیر مسلمان با هر زبانی و در هر زمان و مکانى با تفاوت شرایط و اوضاع‌شان هستند.[[1]](#footnote-1)

1- اسلام، پیام پروردگار خطاب به همۀ مردم است؛ رسالت و پیام جاودان الهى و خاتم تمام رسالت‌‌های ربانی است.

اسلام رسالت و پیام اللّٰه ‌متعال به همۀ مردم است. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٨﴾ [سبأ: 28]

«(ای پیامبر) ما تو را جز بشارت دهنده و بیم دهنده‌ای برای همۀ مردم نفرستادیم، اما بیشتر مردم (این حقیقت را) نمی‌دانند».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ جَمِيعًا ...﴾ [الأعراف: 158]

«(ای پیامبر) بگو: ای مردم، من فرستادۀ اللّٰه به سوی همۀ شما هستم».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُمُ ٱلرَّسُولُ بِٱلۡحَقِّ مِن رَّبِّكُمۡ فَـَٔامِنُواْ خَيۡرٗا لَّكُمۡۚ وَإِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا﴾ [النساء: 170]

«ای مردم، پیامبر از جانب پروردگارتان (هدایت و دینِ) حق را برایتان آورده است؛ پس ایمان بیاورید که به خیر [و صلاحِ] شماست؛ و اگر (سخنش را نپذیرید و) کفر بورزید، (بدانید که) آنچه در آسمان‏ها و زمین است از آنِ اللّٰه است (و کفر شما به او زیانی نمی‌رساند) و اللّٰه همواره دانای حکیم است».

اسلام، پیام جاودان الهى و پایان‌دهندۀ رسالت‌های ربانی است. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا﴾ [الأحزاب: 40]

«محمد پدر هیچیک از مردان شما نبوده است، (نه پدر زید و نه هیچ كس ديگرى) بلکه فرستادۀ اللّٰه به‏ سوی مردم و خاتم پیامبران است و اللّٰه به هر چیزی آگاه است».

2- دین اسلام مخصوص یک نژاد یا قوم و گروهی نیست، بلکه دین اللّٰه برای همۀ مردم است.

دین اسلام مخصوص یک نژاد یا قوم و گروه نیست، بلکه دین اللّٰه برای همۀ مردم است و نخستین امری که در قرآن وارد شده، این کلام الهی است که می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: 21]

«ای مردم، پروردگار خویش را عبادت کنید، آنكه شما و پیشینیان‌تان را آفریده است، شايد پرهیزگار شوید».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ وَخَلَقَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَبَثَّ مِنۡهُمَا رِجَالٗا كَثِيرٗا وَنِسَآءٗۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِۦ وَٱلۡأَرۡحَامَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَيۡكُمۡ رَقِيبٗا﴾ [النساء: 1]

«ای مردم، از پروردگارتان بترسید، پروردگارى که شما را از یک انسان آفرید، (سپس) همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری (بر روى زمين) پراکنده ساخت».

از ابن عمر ب روایت شده که رسول ‌اللّٰه ج در روز فتح مکه خطاب به مردم فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبِّيَّةَ الجَاهِلِيَّةِ وَتَعَاظُمَهَا بِآبَائِهَا فَالنَّاسُ رَجُلَانِ: بَرٌّ تَقِيٌّ كَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ هَيِّنٌ عَلَى اللَّهِ وَالنَّاسُ بَنُو آدَمَ وَخَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ قال الله:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ﴾ [الحجرات: 13]

«ای مردم، همانا اللّٰه تکبر و غرور جاهلیت و فخرفروشی آنان به پدران‌شان را از میان شما برداشته است، بنابراین مردم دو دسته‌اند: یا نیکوکار متقی که نزد اللّٰه گرامی است، یا فاجر و بدکار که نزد اللّٰه بی‌ارزش است؛ و مردم فرزندان آدم هستند و اللّٰه آدم را از خاک آفرید؛ اللّٰه می‌فرماید: «ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی حاصل کنید. همانا گرامی‌ترین شما نزد اللّٰه باتقواترین شماست. همانا اللّٰه دانای آگاه است».» [به روایت ترمذی (3270)].

در اوامر قرآن بزرگ یا اوامر پیامبر گرامی ج هیچ تشریع و قانونی نمی‌یابید که مخصوص یک قوم یا یک گروه باشد و قومیت یا نژاد آنان را در نظر گرفته باشد.

3- اسلام پیام الهى است که برای تکمیل رسالت پیامبران و فرستادگان پیشینی آمده است که آن‌ها برای امت‌هایشان آورده بودند.

اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ كَمَآ أَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ نُوحٖ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ مِنۢ بَعۡدِهِۦۚ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَٰرُونَ وَسُلَيۡمَٰنَۚ وَءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ زَبُورٗا﴾ [النساء: 163]

«(اى پيامبر) ما به تو وحی کردیم، همانگونه که به نوح و پیامبرانی که پس از او آمدند وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (نوادگان دوازده‌گانه‌ى یعقوب ÷) وحی کردیم و به عيسى و ايوب و يونس و هارون و سليمان وحى كرديم و به داود (كتاب) زبور را داديم».

و این دین که اللّٰه ‌متعال به پیامبرمان محمد ج وحی کرده، همان دینی است که اللّٰه ‌متعال برای پیامبران پیشین تشریع نموده و آنان را به آن سفارش و يادآورى کرده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ شَرَعَ لَكُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِۦ نُوحٗا وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ وَمَا وَصَّيۡنَا بِهِۦٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰٓۖ أَنۡ أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِيهِۚ كَبُرَ عَلَى ٱلۡمُشۡرِكِينَ مَا تَدۡعُوهُمۡ إِلَيۡهِۚ ٱللَّهُ يَجۡتَبِيٓ إِلَيۡهِ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِيٓ إِلَيۡهِ مَن يُنِيبُ﴾ [الشورى: 13]

«اللّٰه براى شما دينى را مقرر كرده كه آن را به نوح توصيه كرده بود و ما آن را نیز به تو وحى كردیم و به ابراهیم و موسى و عیسى توصيه نموديم؛ اینكه: دین را برپا دارید و در آن دچار تفرقه نشوید (و اختلاف نورزید)، (پذیرش) آنچه مشركان را بدان دعوت مى‌كنى، برای آن‌ها سخت گران آمده است، اللّٰه است كه هركس را بخواهد [توفیقِ عبادت می‌دهد و] به سوى خویش برمى‌گزیند؛ و هرکس را [که توبه کند و به درگاهش] بازآید، به سوى خویش هدایت خواهد كرد».

و این چیزی که اللّٰه ‌متعال به پیامبرش محمد ج وحی کرده است، تصدیق کتاب‌های پیشین الهى مانند: تورات و انجیل قبل از تحریف آنان است. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ هُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِعِبَادِهِۦ لَخَبِيرُۢ بَصِيرٞ﴾ [فاطر: 31]

«(ای پیامبر) آنچه از این کتاب به تو وحی کرده‌ایم حق است و آن (کتاب‏‌های آسمانی) را که پیش‌تر بوده‌اند، تصدیق می‌کند. بی‌تردید، اللّٰه به (احوال) بندگانش كاملاً آگاهِ بیناست».

4- پیامبران ﻹ دین‌شان يكسان است و شریعت‌های‌شان متفاوت مى‌باشد.

دین پیامبران يكسان است، اما شریعت‌های‌شان متفاوت مى‌باشد. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ﴾ [المائدة: 48]

«و (ای پیامبر، ما این) کتاب را به حق بر تو نازل کردیم که تصدیق کنندۀ کتاب‌های پیشین و حافظ و گواه بر آن‌هاست. پس بین آنان (اهل كتاب) بر اساس آنچه اللّٰه نازل کرده است، حکم کن و به جای آنچه از حق به تو رسیده است، از هوی و هوس‌های آنان پیروی نکن؛ (ای مردم) ما برای هریک از (ملت‌هاى) شما آیین و راهی روشن قرار دادیم؛ و اگر اللّٰه می‌خواست، همۀ شما را امتی يكسان قرار می‌داد؛ ولی (اللّٰه مى‌خواهد) شما را در آنچه به شما بخشیده است بیازماید؛ پس در نیکی‌ها بر یکدیگر پیشی گیرید، بازگشت همگی شما به سوی اللّٰه است، آنگاه شما را از آنچه در آن اختلاف مى‌کردید، آگاه مى‌سازد».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَنْبِيَاءُ إِخْوَةٌ لِعَلَّاتٍ أُمَّهَاتُهُمْ شَتَّى وَدِينُهُمْ وَاحِدٌ». «من در دنیا و آخرت نزدیک‌ترین مردم به عیسی بن مریم هستم و پیامبران برادرانی از یک پدرند، مادران‌شان مختلف است و دین‌شان یکی است». [صحیح بخاری (3443)].

5- اسلام همچون همه‌ی پیامبران از جمله: نوح و ابراهیم و موسی و سلیمان و داوود و عیسی ﻹ به ایمان آوردن به این مهم دعوت می‌کند که رب و پروردگار همان اللّٰه است که آفریدگار، روزی دهنده، زنده کننده، میراننده، مالک و فرمانروا است؛ و اینکه او تدبیر كننده‌‌ی همه کارهاست و او رئوفِ مهربان است.

اسلام همچون همه‌ی پیامبران از جمله: نوح و ابراهیم و موسی و سلیمان و داوود و عیسی ﻹ به ایمان آوردن به این مهم دعوت می‌کند که رب و پروردگار همان اللّٰه است که آفریدگار، روزی دهنده، زنده کننده، میراننده، مالک و فرمانروا است؛ و اینکه او تدبیر كننده‌‌ی همه کارهاست و او رئوفِ مهربان است. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡۚ هَلۡ مِنۡ خَٰلِقٍ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ﴾ [فاطر: 3]

«ای مردم، نعمتى را كه اللّٰه به شما بخشيده یادآورى كنيد، آیا آفریننده‌ای جز اللّٰه وجود دارد که شما را از آسمان و زمین روزی برساند؟ هیچ معبود بحقى جز او نیست؛ پس با اين حال چگونه (از حق) منحرف می‌شوید؟».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [يونس: 31]

«(ای پیامبر) بگو: كیست كه از آسمان و زمین به شما روزى می‌بخشد؟ یا كیست كه بر گوش‌ها و دیدگان حاكم است؟ و كیست كه [موجودِ] زنده را از (مادۀ) بی‌جان بیرون می‌آورد و (مادۀ) بی‌جان مرده را از (موجود) زنده خارج می‌سازد؟ و كیست كه كار (جهان و جهانیان) را تدبیر می‌كند؟ خواهند گفت: اللّٰه، پس بگو: آیا پروا نمی‌كنید؟».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَمَّن يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ٦٤﴾ [النمل: 64]

«(آیا معبودان باطل شما بهترند) یا كسى که آفرینش را آغاز کرده و سپس آن را (بار ديگر) باز مى‌گرداند و (یا) آن كسى که از آسمان و زمین به شما روزی مى‌رساند؟ آیا معبود دیگری با اللّٰه وجود دارد؟ بگو: اگر راستگویید، دلیل‌تان را بیاورید».

و همۀ پیامبران با دعوت به عبادت اللّٰه به یگانگی فرستاده شده‌اند. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْٱلطَّٰغُوتَۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ هَدَى ٱللَّهُ وَمِنۡهُم مَّنۡ حَقَّتۡ عَلَيۡهِ ٱلضَّلَٰلَةُۚ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ﴾ [النحل: 36]

«یقیناً ما در ميان هر امتی، پیامبری را فرستاده‌ايم که: فقط اللّٰه را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید، پس اللّٰه برخی از آنان را هدایت كرده است و برخی از آنان نیز سزاوار گمراهى شدند؛ پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تكذیب كنندگان چگونه بوده است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ﴾ ]الأنبياء: 25[

«و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که: معبودی (به ‏حق) جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید».

چنانکه اللّٰه ‌متعال از نوح ÷ خبر می‌دهد که فرمود:

﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥٓ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ﴾ [الأعراف: 59]

«ای قوم من، اللّٰه را عبادت کنید که جز او معبودی (به‏ حق) ندارید، (اگر او را عبادت نکنید) من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم».

و چنانکه اللّٰه ‌متعال از ابراهیم خلیل ÷ خبر می‌دهد که فرمود:

﴿وَإِبۡرَٰهِيمَ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُۖ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ﴾ [العنكبوت: 16]

«و (یاد کن از) ابراهیم آنگاه که به قومش گفت: اللّٰه را عبادت کنید و از او پروا کنید (که) اگر بدانید، این کار برای‌تان بهتر است».

و چنانکه اللّٰه ‌متعال از صالح ÷ خبر می‌دهد که فرمود:

﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗۖ فَذَرُوهَا تَأۡكُلۡ فِيٓ أَرۡضِ ٱللَّهِۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾ [الأعراف: 73]

«ای قوم من، اللّٰه را عبادت کنید که جز او معبودی (به حق) ندارید؛ بی‌تردید، دلیل روشنی از (سوی) پروردگارتان (بر صدق نبوت من) براى شما آمده است و (آن) این ماده شتر اللّٰه است که برای‌تان معجزه‌ای است؛ پس او را (به حال خود) واگذارید تا در زمین اللّٰه (بچرد و علف) بخورد و به او آزار (و آسیبی) نرسانید که شما را عذابی درد‏ناک فراخواهد گرفت».

و چنانکه اللّٰه ‌متعال از شعیب ÷ خبر می‌دهد فرمود:

﴿وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ فَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ﴾ [الأعراف: 85]

«ای قوم من، اللّٰه را عبادت کنید که جز او معبودی (به‏ حق) ندارید؛ همانا از (سوی) پروردگارتان دلیل روشنى (بر صحت نبوت من) برای شما آمده است؛ پس پیمانه و ترازو را کامل (و درست) بكشيد و بپردازيد و از (حق و) حقوق مردم نکاهید و در زمین - پس از اصلاحش - فساد و تباهى نکنید؛ اگر ایمان دارید، این برای شما بهتر است».

و هنگامی که اللّٰه ‌متعال با موسی ÷ سخن گفت، نخستین چیزی که به ایشان فرمود، این بود:

﴿وَأَنَا ٱخۡتَرۡتُكَ فَٱسۡتَمِعۡ لِمَا يُوحَىٰٓ١٣ إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ﴾ [طه: 13-14]

«و من تو را (به پیامبری) برگزیدم؛ پس به آنچه وحی مى‌شود گوش فرا ده ‌\* همانا من اللّٰه هستم که معبود برحقی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کن و نماز را برای ذکر و یاد من به پا دار».

و اللّٰه ‌متعال از موسی ÷ خبر داده است که به اللّٰه پناه برد و فرمود:

﴿وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ لَّا يُؤۡمِنُ بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ﴾ [غافر: 27]

«من از (شر) هر متکبری که به روز حساب باور ندارد، به پروردگار خویش و پروردگار شما پناه می‌برم».

و اللّٰه ‌متعال از مسیح ÷ خبر می‌دهد که فرمود:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُوهُۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ﴾ [آل عمران: 51]

«به راستی که اللّٰه، پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را عبادت کنید (که) اين راه راست است».

و همچنین اللّٰه ﻷ از مسیح ÷ خبر می‌دهد كه فرمود:

﴿لَقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۖ وَقَالَ ٱلۡمَسِيحُ يَٰبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۖ إِنَّهُۥ مَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدۡ حَرَّمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ ٱلۡجَنَّةَ وَمَأۡوَىٰهُ ٱلنَّارُۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ﴾ [المائدة: 72]

«ای بنی‌اسرائیل پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید، بي‌گمان هرکس شريكى براى اللّٰه قرار دهد، اللّٰه بهشت را بر او حرام كرده و جایگاهش آتش (دوزخ) است و ستمکاران يار و یاورى ندارند».

بلکه حتی در تورات و انجیل نیز بر عبادت اللّٰه يگانه تأكيد شده است، در سفر تثنیه این سخن موسی ÷ آمده است که: (بشنو ای اسرائیل، پروردگار که معبود ماست، پروردگاری یگانه است). در انجیل مرقص نیز بر توحید تأکید شده است، آنجا که مسیح ÷ می‌فرماید: (نخستین توصیه‌ها این است: بشنو ای اسرائیل، پروردگار که معبود ماست، پروردگاری یگانه است).

و اللّٰه ﻷ بیان کرده که همۀ پیامبران با این وظیفۀ بزرگ كه دعوت به توحید است، مبعوث شده‌اند، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ هَدَى ٱللَّهُ وَمِنۡهُم مَّنۡ حَقَّتۡ عَلَيۡهِ ٱلضَّلَٰلَةُۚ فَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُكَذِّبِينَ﴾ [النحل: 36]

«یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را (با این پیام) برانگیختیم که: اللّٰه یکتا را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید، پس اللّٰه برخی از آنان را هدایت كرده و برخی از آنان نیز سزاوار گمراهى شدند».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِۖ ٱئۡتُونِي بِكِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ هَٰذَآ أَوۡ أَثَٰرَةٖ مِّنۡ عِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾ [الأحقاف: 4]

«(ای پیامبر، به مشرکان) بگو: آیا به چیزهایی که به جاى اللّٰه (به نیایش) مى‏‌خوانید توجه كرده‌اید؟ به من نشان دهید چه چیز از (اجزاى) زمین را آفریده‌‏اند، آیا در (آفرینش) آسمان‌ها شركت داشته‏اند؟ اگر راست مى‏‌گویید، از کتاب‌های آسمانى پیشین یا اثر علمی از دانش (گذشتگان) براى من بیاورید».

شیخ عبدالرحمان سعدی / می‌گوید: "بنابراین روشن شد که جدال مشرکان دربارۀ شرک‌شان مستند به دلیل و برهان نبوده است، بلکه بر گمان‌هایی نادرست و آرایی بی‌ارزش و اندیشه‌هایی فاسد بنا شده است؛ این تباهی را می‌توان با بررسی شامل و جامع دانش و کارهای‌شان درک كرد؛ و با بررسى حال و روز کسانی که عمرشان را در عبادت این معبودان تباه کرده‌اند، آیا (این معبودان جز اللّٰه) برای‌شان فایده‌ای در دنیا یا آخرت داشته‌اند؟". [تیسیر الکریم المنان، (ص: 779)].

6- اللّٰه سبحانه و تعالی آفریدگار است و تنها اوست که شایستۀ عبادت و یگانه‌پرستى است که هیچکس نباید همراهِ او عبادت شود.

اللّٰه تنها كسى است که مستحق عبادت مى‌باشد و شایستۀ این است که هیچکس دیگری به همراه او عبادت نشود. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ وَٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ٢١ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجَ بِهِۦ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ رِزۡقٗا لَّكُمۡۖ فَلَا تَجۡعَلُواْ لِلَّهِ أَندَادٗا وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٢٢﴾ [البقرة: 21-22]

«ای مردم، پروردگار خویش را عبادت کنید، همان كسى که شما و انسان‌هاى پیش از شما را آفرید، شايد که پرهیزگار شوید \* آن كسى که زمین را برای شما گستراند و آسمان را (همچون سقفی) بالای سرتان بنا نمود و از آسمان، آبی فرو فرستاد و به وسیلۀ آن، انواع میوه‌ها را به وجود آورد تا روزیِ شما باشد؛ پس همتایانی برای اللّٰه قرار ندهید، درحالی‌که (شما حقیقت را) می‌دانید».

آنکه ما و نسل‌های پیش از ما را آفرید و زمین را برای ما گسترانده و از آسمان بر ما آبی فرو فرستاده و با آن از زمین انواع محصولات بیرون آورده تا روزی ما باشد؛ فقط او شایستۀ عبادت است، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡۚ هَلۡ مِنۡ خَٰلِقٍ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ﴾ [فاطر: 3]

«ای مردم، نعمتى را كه اللّٰه به شما بخشيده به یاد آورید، آیا آفریننده‌ای جز اللّٰه هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی (بحق) جز او نیست؛ پس چگونه (از حق) منحرف می‌شوید؟».

آنکه می‌آفریند و روزی می‌دهد، تنها اوست که شایستۀ عبادت كردن مى‌باشد، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ فَٱعۡبُدُوهُۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ﴾ [الأنعام: 102]

«این است اللّٰه، پروردگار شما؛ هیچ معبودی (بحق) جز او نیست، آفرینندۀ همه چیز است؛ پس او را عبادت کنید و (بدانید که) او بر همه چیز حافظ و نگهبان است».

و هر آنچه جز اللّٰه عبادت شده، شایستۀ عبادت نیست؛ زیرا در آسمان‌ها و زمین حتی صاحب ذره‌ای نیست و در هیچ چیز شریک و یاور و پشتیبان اللّٰه نیست، پس چگونه می‌توان همراه با اللّٰه کسی یا چیزی را به فریاد خواند یا کسی را با او شریک گرداند؟ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا لَهُمۡ فِيهِمَا مِن شِرۡكٖ وَمَا لَهُۥ مِنۡهُم مِّن ظَهِيرٖ ﴾ [سبأ: 22]

«(اى پيامبر به مشركان) بگو: کسانی را که به جای اللّٰه (یاور و شفاعتگرِ خود) می‌پندارید و (به فریاد) مى‌خوانید، آنان به اندازه‌ى ذره‌اى در آسمان‏ها و زمین مالک چیزی نیستند و در (آفرینش و تدبیر) آن دو (زمین و آسمان) سهمی ندارند و اللّٰه در ميان‌شان هیچ پشتیبانی ندارد».

و اللّٰه سبحانه و تعالی است که این مخلوقات را آفریده و از عدم به وجود آورده و وجود این آفریدگان دال بر وجود او و پروردگاری و الوهیت اوست، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٞ تَنتَشِرُونَ٢٠ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ٢١ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ٢٢ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ٢٣ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَيُحۡيِۦ بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٢٤ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ بِأَمۡرِهِۦۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمۡ دَعۡوَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ إِذَآ أَنتُمۡ تَخۡرُجُونَ٢٥ وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ٢٦ وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ٢٧﴾[الروم: 20-27]

«و یکی از نشانه‌های (عظمت و قدرت) اللّٰه این است که شما را از خاک آفرید، سپس شما انسان‌ها تدريجاً (افزايش يافتيد و در زمین) پراکنده گشتید (20) و از نشانه‌های (ديگر عظمت و قدرت) اللّٰه اين است که از جنس خودتان همسرانی برای‌تان آفرید تا در کنارشان آرام گیرید؛ و در بين شما و آنان محبت و مهربانی قرار داد، بی گمان در این (نعمت‌ها) نشانه‌هایی (از قدرت و عظمت پروردگار) برای افرادى است که تفکر می‌کنند (21) و از نشانه‌هاى (دیگر عظمت و قدرت) اللّٰه، آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‏‌های شماست، بی‌تردید در این (امور) نشانه‌هایی (از قدرت و عظمت پروردگار) برای فرزانگان و دانشوران است (22) و از نشانه‌های (ديگر عظمت و قدرت) اللّٰه، خواب شما در شب و روز و تلاش‌تان برای بهره گیری از بخشش پروردگار (و تأمین معاش) است؛ بی‌گمان در این موارد، برای افرادى که گوش شنوا دارند، نشانه‌هایی (از عظمت و قدرت پروردگار) است (23) و از نشانه‌های (ديگر عظمت و قدرت) اللّٰه این است که صاعقه را برای بیم و امید، به شما نشان می‌دهد و آبی از آسمان می‌فرستد و زمین را ـ پس از (خشكى و) مرگش با آن آب زنده می‌سازد؛ بی‌گمان در این امور، برای افرادى که می‌اندیشند، نشانه‌هایی (از عظمت و قدرت پروردگار) است (24) و از نشانه‌های (ديگر عظمت و قدرت) اللّٰه این است که آسمان‏ها و زمین به فرمانش برپا هستند و (روز قیامت) هنگامی که‏ با ندایی شما را از زمین فرامی‌خوانَد، ناگهان (همگی از گورها) بیرون می‌آیید (25) هرکس و هرچه در آسمان‌‏ها و زمین است از آنِ‏ اللّٰه است و همگی (تسلیم و) فرمانبردارِ او هستند (26) و او كسى است که آفرینش (هستى) را (بدون نمونۀ قبلی) آغاز كرده، سپس آن را (پس از نابود کردنش) باز می‌گرداند و (اين بازگرداندن) براى او آسان‌تر است (27)».

و نمرود وجود پروردگارش را انکار کرد، پس چنانکه اللّٰه ‌متعال خبر داده، ابراهیم ÷ به او گفت:

﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِـۧمَ فِي رَبِّهِۦٓ أَنۡ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ ٱلۡمُلۡكَ إِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّيَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا۠ أُحۡيِۦ وَأُمِيتُۖ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأۡتِي بِٱلشَّمۡسِ مِنَ ٱلۡمَشۡرِقِ فَأۡتِ بِهَا مِنَ ٱلۡمَغۡرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِي كَفَرَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ٢٥٨﴾ [البقرة: 258]

«همانا اللّٰه خورشید را از سمت مشرق بیرون می‌آورد، پس تو آن را از جهت مغرب بيرون بياور، آنگاه آن (طاغوت) که کفر ورزیده بود متحیر و مبهوت شد و اللّٰه ستمکاران را هدایت نمی‌كند».

همچنين ابراهیم ÷ در برابر قوم خود استدلال کرد که اللّٰه او را هدایت کرده و اوست كه وى را آب و غذا می‌دهد و هرگاه بیمار شود او را شفا می‌دهد؛ و اوست که وی را می‌میراند و زنده می‌کند، و چنانکه اللّٰه ‌متعال از وی خبر داده، فرمود:

﴿ٱلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهۡدِينِ٧٨ وَٱلَّذِي هُوَ يُطۡعِمُنِي وَيَسۡقِينِ٧٩ وَإِذَا مَرِضۡتُ فَهُوَ يَشۡفِينِ٨٠ وَٱلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحۡيِينِ٨١﴾ [الشعراء: 78-81]

«آن (معبودی) که مرا آفریده و هدایتم می‌کند (78) و همان ذاتی که به من غذا می‌دهد و سیرابم می‌سازد (79) و هنگامی که بیمار می‌شوم، اوست که شفایم می‌دهد (80) و كسى که مرا می‌میرانَد و (دوباره) زنده‌ام می‌کند (81)».

و اللّٰه ‌متعال دربارۀ موسی ÷ خبر داده که وى در مناظره با فرعون به او گفت که پروردگار او:

﴿قَالَ رَبُّنَا ٱلَّذِيٓ أَعۡطَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ خَلۡقَهُۥ ثُمَّ هَدَىٰ٥٠﴾ [طه: 50]

«همان كسى است که هر چیز را خلقتی (متناسب با آن) بخشيده و سپس (همگى اين مخلوقات را) رهنمود كرده است».

و اللّٰه ‌متعال هر آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است در تسخیر انسان قرار داده و او را در میان اين نعمت‌ها قرار داده است؛ تا آن که تنها اللّٰه ‌متعال را عبادت کند و به او کفر نورزد، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ٢٠﴾ [لقمان: 20]

«آیا ندیده‌اید که اللّٰه آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، به خدمت‌تان گماشته و نعمت‏‌های آشکار و پنهان خویش را بر شما تمام کرده است؟ (با این حال) برخى از مردم هستند، بدون هیچ دانش و هدایت و کتابِ روشنگری، در مورد اللّٰه ستيزه‌جويى می‌کند».

و چنانکه اللّٰه ‌متعال همۀ چیزهایی که در آسمان‌ها و زمین است در اختیار انسان قرار داده، او را آفریده و از همۀ حواسی که به آن نیار دارد، از جمله شنوایی و بینایی و قدرت عقلی برخوردار ساخته تا آنچه را به سود اوست و به سوى پروردگارش رهنمود مى‌گرداند، فراگیرد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ٧٨﴾ [النحل: 78]

«و اللّٰه شما را از شکم مادران‌تان بیرون آورد، درحالی‌که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها پدید آورد، شاید سپاس‌گزار باشيد».

اللّٰه سبحانه و تعالی همۀ این عالم‌ها را آفرید و انسان را خلق کرد و همۀ اعضا و نیروهای مورد نیازش را برای او فراهم ساخت و او را به همۀ توانایی‌هایی مجهز ساخت که وی را برای انجام عبادت اللّٰه ‌متعال و آبادانى زمین یاری می‌دهد؛ سپس هر آن چه را که در آسمان‌ها و زمین است در تسخیر او قرار داد.

و اللّٰه ‌متعال به خلقت این آفریده‌های بزرگ بر ربوبیت خود استدلال نموده است، ربوبیتی که مستلزم الوهیت [و شایستگی او برای عبادت] مى‌باشد؛ اللّٰه ‌سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ٣١﴾ [يونس: 31]

«بگو: كیست كه از آسمان و زمین به شما روزى می‌رساند؟ یا كیست كه بر گوش‏‌ها و دیدگان حاكم است؟ و كیست كه (موجود) زنده را از مرده و مرده را از (موجود) زنده بیرون می‌آورد؟ و كیست كه كار (جهان و جهانیان) را تدبیر می‌كند؟ خواهند گفت: اللّٰه، پس بگو: آیا پروا نمی‌كنید؟».

و اللّٰه سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِۖ ٱئۡتُونِي بِكِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ هَٰذَآ أَوۡ أَثَٰرَةٖ مِّنۡ عِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ٤﴾ [الأحقاف: 4]

«بگو: آیا به چیزهایی که به جاى اللّٰه به فریاد می‌خوانید توجه كرده‌اید؟ به من نشان دهید چه چیز از [اجزاى] زمین را آفریده‏‌اند، آیا در (آفرینش و نگهدارى) آسمان‏ها مشاركتى داشته‌‏اند؟ اگر راست می‌گویید (كه مشاركتى داشته‌اند)، از کتاب‏های آسمانى پیشین یا يک اثر علمى (از دانش گذشتگان) بیاورید».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيۡرِ عَمَدٖ تَرَوۡنَهَاۖ وَأَلۡقَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمۡ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖۚ وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجٖ كَرِيمٍ١٠ هَٰذَا خَلۡقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦۚ بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ١١﴾ [لقمان: 10-11]

«اللّٰه آسمان‌ها را بدونه هیچ ستونی که آن را ببینید آفریده است؛ و در زمین کوه‌های استوار بیفکند تا (مبادا زمین) شما را بجنباند و در آن از هرگونه جنبنده‌ای پراکنده گردانید؛ و از آسمان آبی فرو فرستادیم و از هر نوع (گیاه) نیکو در آن رویانیدیم (10) این است آفرینش اللّٰه، (اکنون) به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده‌اند؟ بلکه ستمگران در گمراهی آشکارى هستند».

و اللّٰه سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿أَمۡ خُلِقُواْ مِنۡ غَيۡرِ شَيۡءٍ أَمۡ هُمُ ٱلۡخَٰلِقُونَ ٣٥ أَمۡ خَلَقُواْ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ٣٦ أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَبِّكَ أَمۡ هُمُ ٱلۡمُصَۜيۡطِرُونَ٣٧﴾ [الطور: 35-37]

«آیا آنان بدون هیچگونه خالقى آفریده شده‏اند؟ یا اينكه خودشان آفرینندگانند؟ (35) آيا آنان آسمان‏ها و زمین را آفریده‌اند؟ بلکه آنان یقین ندارند (که اللّٰه آفرینندۀ مطلق است) (36) آیا گنجینه‌های (نعمت و هدایت) پروردگارت نزد آنان است؟ یا اينكه آنان (بر همه چیز جهان) تسلط دارند؟».

شیخ عبدالرحمان سعدی می‌گوید: (و این استدلالی علیه آنان است، به دليلى که در برابر آن راهی جز تسلیم شدن در برابر حق ندارند یا آنکه باید از دایرۀ عقل و دین خارج شوند). [تفسیر سعدی (816)].

7- اللّٰه ‌متعال، آفرینندۀ تمام موجودات هستی است، هم چیزهایی که در دایره دید ما هستند و هم چیزهایی که از دایره دید ما خارج‌اند؛ و هر چه جز اللّٰه ‌متعال، از آفریده‌های اوست و اللّٰه ‌متعال آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفریده است.

اللّٰه ‌متعال، آفرینندۀ تمام موجودات هستی است، هم چیزهایی که در دایره‌ی دید ما هستند و هم چیزهایی که از دایره‌ی دید ما خارج‌اند؛ و هر چه جز اللّٰه ‌متعال، از آفریده‌های اوست؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ قُلِ ٱللَّهُۚ قُلۡ أَفَٱتَّخَذۡتُم مِّن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ لَا يَمۡلِكُونَ لِأَنفُسِهِمۡ نَفۡعٗا وَلَا ضَرّٗاۚ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ أَمۡ هَلۡ تَسۡتَوِي ٱلظُّلُمَٰتُ وَٱلنُّورُۗ أَمۡ جَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ خَلَقُواْ كَخَلۡقِهِۦ فَتَشَٰبَهَ ٱلۡخَلۡقُ عَلَيۡهِمۡۚ قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّٰرُ١٦﴾ [الرعد: 16]

«(اى پيامبر به مشركان) بگو: پروردگار آسمان‏ها و زمین کیست؟ (به آنان) بگو: اللّٰه، (سپس) بگو: آیا به جای اللّٰه اولياء (ومعبودهايى) برگزیده‏‌اید که (حتی) مالک سود و زیان خود نیستند؟ بگو: آیا نابینا(ى حقيقت كه شمايد) و بینا(ى حقيقت كه مؤمناند، با همديگر) برابرند؟ یا اينكه تاریکی‏ها و نور یکسانند؟ یا آنان شریکانی برای اللّٰه قرار داده‌اند که (گمان مى‌برند) همچون آفرینش اللّٰه، آفریده‌اند و (در نتيجه تشخيص) آفرینش (آنان از آفرينش اللّٰه) بر آنان مُشتبه شده است؟ بگو: اللّٰه آفرینندۀ همه چیز است و او یگانه‌ی پیروزمند است».

و اللّٰه ‌متعال می‎‌فرماید:

﴿… وَيَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُونَ٨﴾ [النحل: 8]

«و (اللّٰه) چيزهايى را می‌آفریند كه (شما هم‌اكنون آن‌ها را) نمى‌دانيد».

و اللّٰه ‌متعال آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ يَعۡلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۖ وَهُوَ مَعَكُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ٤﴾[الحديد: 4]

«اوست كه آسمان‌ها و زمین را در شش مرحله آفرید، آنگاه (آن گونه كه شايستۀ عظمت و مقام اوست) بر عرش قرار گرفت؛ هر چه در زمین نفوذ می‌كند یا از آن بيرون می‌آید و هر چه از آسمان فرود می‌آید یا به سوى آن بالا می‌رود، (همه آن‌ها را) می‌‏داند و هر جا كه باشید، همراه شماست؛ و اللّٰه به آنچه انجام مى‎دهيد، بیناست».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٖ٣٨﴾ [ق: 38]

«ما آسمان‏ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست، در شش روز آفریدیم و (هرگز) رنج و خستگى به ما نرسید».

8- اللّٰه سبحانه و تعالی در مُلک یا آفرینش یا تدبیر یا عبادتش شریکی ندارد.

و اللّٰه سبحانه و تعالی مالک و فرمانرواى هستى است و در آفرینش یا فرمانروايى یا تدبیرش، هيچ شریکی ندارد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُم مَّا تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِۖ ٱئۡتُونِي بِكِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ هَٰذَآ أَوۡ أَثَٰرَةٖ مِّنۡ عِلۡمٍ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ٤﴾ [الأحقاف: 4]

«بگو: آیا به چیزهایی که به جاى اللّٰه (به نیایش) می‌خوانید توجه كرده‌اید؟ به من نشان دهید چه چیز از (اجزاى) زمین را آفریده‏‌اند، آیا در (آفرینش) آسمان‏‌ها شركت داشته‌اند؟ اگر راست می‌‏گویید، از کتاب‏‌های آسمانى پیشین یا يک اثر علمى (از گذشتگان) براى من بیاورید».

شیخ عبدالرحمان سعدی / می‌گوید: برای بیان ناتوانی بت‌های‌شان و اینکه نشان دهی شایستۀ هيچگونه عبادتی نیستند، به این‌هایی که بت‌ها و شریکانی را برای اللّٰه شریک ساخته‌اند که مالک نفع و زیان و مرگ و زندگی و رستاخیز خود نیستند «بگو به من نشان دهید چه چیز از (اجزاى) زمین را آفریده‏‌اند، آیا در (آفرینش) آسمان‏ها شركت داشته‌اند؟»، آیا از اجرام آسمان‌ها و زمین چیزی را آفریده‌اند؟ آیا کوه‌هايى آفریده‌اند؟ آیا رودی به جریان انداخته‌اند؟ آیا حیوانی را برانگیخته‌اند؟ آیا درختانی را رویانده‌اند؟ آیا هیچیک از آنان در خلقت چیزی از این آفریده‌ها همکاری داشته‌اند؟ خود اقرار دارند که در هیچیک از این امور دست نداشته‌اند، چه برسد به دیگران؛ و این دلیل عقلی و قاطعی است مبنی بر اینکه هر چه جز اللّٰه باشد، عبادتش باطل است.

سپس به بیان عدم دلیل نقلی پرداخته و می‌فرماید: «از کتاب‏های آسمانى پیشین برای من دلیل بیاورید» که به شرک فراخوانده باشد «یا اثر علمى براى من بیاورید» اثری که از پیامبران به ارث رسیده باشد و چنین فرمان داده باشد؛ مشخص است که آنان از آوردن دلیلی از سوی پیامبران در این زمینه ناتوانند، بلکه قاطعانه می‌گوییم و مطمئنیم که همۀ پیامبران به سوی توحید پروردگارشان فراخوانده‌اند و از شرک ورزیدن به او نهی کرده‌اند و این بزرگ‌ترین چیزی است که از علمِ آنان به ما رسیده است). [تفسیر سعدی (779)].

و اللّٰه سبحانه و تعالی مالک مُلک و فرمانروایی مطلق است که در فرمانروایی خود شریکی ندارد، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلۡمُلۡكِ تُؤۡتِي ٱلۡمُلۡكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلۡمُلۡكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُۖ بِيَدِكَ ٱلۡخَيۡرُۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ٢٦﴾ [آل عمران: 26]

«بگو: بارالها، ای فرمانروایِ هستی، هرکس را بخواهی حاكميت (و دارايى) می‌بخشی و از هرکس بخواهی حاكميت را بازپس می‌گیری و به هرکس بخواهی عزت (و قدرت) می‌دهی و هرکس را بخواهی خوار و ذليل می‌كنى، (پروردگارا) خوبی به دست توست و بی‌گمان تو بر هر چیزی توانایی».

و اللّٰه ‌متعال در بیان اینکه در روز قیامت فرمانروایی مطلق از آن اوست، می‌فرماید:

﴿يَوۡمَ هُم بَٰرِزُونَۖ لَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِنۡهُمۡ شَيۡءٞۚ لِّمَنِ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَۖ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ ١٦﴾ [غافر: 16]

«روزی كه مردمان حاضر و نمایان می‌شوند و چیزی از آنان بر اللّٰه پوشیده نخواهد ماند، (اللّٰه می‌فرماید: ‌) امروز فرمانروایی از آنِ کیست؟ (آنگاه خود در جواب می‌فرماید: ‌) از آنِ اللّٰه یگانه‌ی پیروزمند است».

و اللّٰه سبحانه و تعالی در فرمانروایی یا آفرینش یا تدبیرش یا عبادتش هیچ شریکی ندارد، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ وَلِيّٞ مِّنَ ٱلذُّلِّۖ وَكَبِّرۡهُ تَكۡبِيرَۢا١١١﴾ [الإسراء: 111]

«و بگو: ستایش مخصوص اللّٰه است که فرزندی (برای خویش) برنگزیده است و در فرمانروایی و مالكيّت (هستى)، هیچ شریکی ندارد و هرگز خوار و ناتوان نمی‌گردد که (نیاز به دوست و) کارساز داشته باشد و او را بزرگ بدار، بزرگداشتی (كه) شایسته(ى بزرگوارى او باشد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ٢﴾ [الفرقان: 2]

«همان كسى که فرمانروایی آسمان‏ها و زمین از آنِ اوست و فرزندی (برای خویش) برنگزیده است و در فرمانروایی، هیچ شریکی ندارد و همه چیز را آفریده است و اندازۀ هر چیز را چنان که مناسبش می‌باشدـ تدبیر نموده است».

بنابراین، او مالک است و هر چه بغير او مملوکِ او سبحانه و تعالی است و او آفریدگار است و هر چه جز او مخلوقِ اوست؛ و اوست که کار هستی را تدبیر و اداره می‌کند و کسی که منزلتش چنین است، عبادتش واجب است و عبادت غیر او نشانگر نقص در عقل و شرکی است که دنیا و آخرت را تباه می‌سازد. اللّٰه ‌متعال می‌‌فرماید:

﴿وَقَالُواْ كُونُواْ هُودًا أَوۡ نَصَٰرَىٰ تَهۡتَدُواْۗ قُلۡ بَلۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِـۧمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٣٥﴾ [البقرة: 135]

«و (اهل کتاب) گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا هدایت یابید، (ای پیامبر، به آنان) بگو: بلکه از آیین ابراهیم (پیروی می‌کنیم) که حق‌گرا بود و هرگز در زمرۀ مشرکان نبود».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۗ وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ إِبۡرَٰهِيمَ خَلِيلٗا١٢٥﴾ [النساء: 125]

«و آیین چه کسی بهتر از کسی است که خود را تسلیم اللّٰه كرده و نیكوكار است؛ و از آیین ابراهیمِ حق‏گرا پیروى نموده است؟ و اللّٰه ابراهیم را به دوستی خود برگزید».

و اللّٰه سبحانه و تعالی بیان نموده که هرکس تابع دینی جز دین ابراهیم خلیل ÷ باشد، خودش را به سبک‌سری و نادانی انداخته است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَن يَرۡغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبۡرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَقَدِ ٱصۡطَفَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ١٣٠﴾ [البقرة: 130]

«و چه کسی از آیین ابراهیم روی گردانى مى‌كند مگر آن (نادانى) كه خود را خوار و ناچيز كرده است؟ و به راستی که ما او را در دنیا برگزیدیم و بی‌تردید، در آخرت (نیز) از زمره‌ى شایستگان خواهد بود».

9- اللّٰه سبحانه و تعالی نه (فرزندی) زاده و نه از كسى زاده شده است و همتا و مثل و مانندی ندارد.

و اللّٰه سبحانه و تعالی نه (فرزندی) زاده و نه از كسى زاده شده است و همتا و مثل و مانندی ندارد، اللّٰه سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ٤﴾ [الإخلاص: 1-4]

«بگو: او اللّٰه یکتایِ یگانه است (1) اللّٰه بی‌نیاز است (و همه نیازمند او هستند) (2) نه (فرزندی) زاده و نه زاده شده است (3) و هیچکس همانند و همتای او نبوده و نیست (4)».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا فَٱعۡبُدۡهُ وَٱصۡطَبِرۡ لِعِبَٰدَتِهِۦۚ هَلۡ تَعۡلَمُ لَهُۥ سَمِيّٗا٦٥﴾ [مريم: 65]

«پروردگار آسمان‏‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست؛ پس تنها او را عبادت کن و بر عبادتش شکیبا (و پایدار) باش، آیا شبيه و همانندی براى اللّٰه می‌شناسی؟».

اللّٰه جل شأنه می‌فرماید:

﴿فَاطِرُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِۚ لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞۖ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ١١﴾ [الشورى: 11]

«او آفرینندۀ آسمان‏ها و زمین است، همسرانى از (جنسِ) خود شما برای‌تان قرار داد و از چهارپایان نیز جفت آفرید، به این صورت، تعداد شما را افزایش می‌دهد؛ هیچ چیز همانند او نیست و همو شنوایِ بیناست».

10- اللّٰه سبحانه و تعالی در هیچیک از مخلوقاتش حُلول نمی‌کند و در قالب هیچیک از آفریدگانش تجسم نمی‌یابد.

اللّٰه سبحانه و تعالی در هیچ چیزی حلول نمی‌کند و در قالب چیزی از آفریده‌هایش تجسم نمی‌یابد؛ و با چیزی متحد نمی‌گردد؛ زیرا اللّٰه خالق است و هر چه جز او مخلوق است؛ او باقی است و هر چه جز او فرجامش فناست؛ و هر چیزی مِلک اوست و او مالک آن است، بنابراین در هیچیک از آفریده‌هایش حلول نمی‌یابد و هیچیک از آفریده‌هایش در ذات او سبحانه و تعالى حلول نمی‌یابند؛ و اللّٰه سبحانه و تعالی بزرگ‌تر از هر چیزی است؛ اللّٰه ‌متعال در انکار سخن کسانی که مدعی شدند، اللّٰه ‌متعال در مسیح ÷ حلول یافته می‌فرماید:

﴿لَّقَدۡ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡمَسِيحُ ٱبۡنُ مَرۡيَمَۚ قُلۡ فَمَن يَمۡلِكُ مِنَ ٱللَّهِ شَيۡـًٔا إِنۡ أَرَادَ أَن يُهۡلِكَ ٱلۡمَسِيحَ ٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَأُمَّهُۥ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗاۗ وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ١٧﴾[المائدة: 17]

«کسانی که گفتند: اللّٰه همان مسیح‏ پسر مریم است، یقیناً کافر شدند، (ای پیامبر، به آنان) بگو: اگر اللّٰه بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش و همۀ کسانی را که روی زمین هستند، نابود کند، چه كسى در برابر اللّٰه اختیارى دارد (كه مانع شود)؟ فرمانرواییِ آسمان‏ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد از آنِ اللّٰه است، هر چه بخواهد می‌آفریند و اللّٰه بر همه چیز تواناست».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡمَشۡرِقُ وَٱلۡمَغۡرِبُۚ فَأَيۡنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ١١٥ وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱللَّهُ وَلَدٗاۗ سُبۡحَٰنَهُۥۖ بَل لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ١١٦ بَدِيعُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ وَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ١١٧﴾[البقرة: 115-117]

«مشرق و مغرب (و ساير جهات)، از آنِ اللّٰه است؛ پس به هر سو رو کنید، آنجا روى اللّٰه است، همانا اللّٰه گشایشگرِ داناست (115) (اهل کتاب و مشرکان) گفتند: اللّٰه (برای خود) فرزندی برگزیده است، او (از چنین نسبت‌هایی) منزّه است، (اللّٰه نه تنها نیازی به فرزند ندارد) بلکه آنچه در آسمان‏ها و زمین است متعلق به اوست (و) همه فرمانبردارِ او هستند (116) پديد آورنده آسمان‌ها و زمین است و چون به کاری اراده فرماید، تنها به آن می‌گوید: باش، پس می‌شود (117)».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَقَالُواْ ٱتَّخَذَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَلَدٗا٨٨ لَّقَدۡ جِئۡتُمۡ شَيۡـًٔا إِدّٗا٨٩ تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرۡنَ مِنۡهُ وَتَنشَقُّ ٱلۡأَرۡضُ وَتَخِرُّ ٱلۡجِبَالُ هَدًّا٩٠ أَن دَعَوۡاْ لِلرَّحۡمَٰنِ وَلَدٗا ٩١ وَمَا يَنۢبَغِي لِلرَّحۡمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا٩٢ إِن كُلُّ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّآ ءَاتِي ٱلرَّحۡمَٰنِ عَبۡدٗا٩٣ لَّقَدۡ أَحۡصَىٰهُمۡ وَعَدَّهُمۡ عَدّٗا٩٤ وَكُلُّهُمۡ ءَاتِيهِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَرۡدًا ٩٥﴾[مريم: 88-95]

«و (یهود، نصاری و برخی از مشرکان) گفتند: (اللّٰه) رحمان فرزندی (براى خود) برگزيده است (88) به راستی چیزی بسیار زشت (و زننده‌اى) مى‌گوييد (89) نزدیک است آسمان‏‌ها از اين (سخن) متلاشى شوند و زمین بشکافد و کوه‌‏ها (بشدت) در هم بشکنند و فروریزند (90) (از اين رو) که برای (اللّٰه) رحمان فرزندى نسبت دادند (91) و هرگز براى (اللّٰه) رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزیند (92) هيچ چیزى در آسمان‌ها و زمین نیست، مگر اینکه خاکسار و بنده‌وار نزد اللّٰه رحمان می‌آید (93) یقیناً (اللّٰه همۀ) آنان را سرشمارى كرده و به دقت شمرده است (94) و همگی آنان در روز قیامت تک و تنها نزد او حاضر می‌شوند (95)».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ٢٥٥﴾ [البقرة: 255]

«اللّٰه (معبودى بر حق است) هیچ معبود بحقى جز او نیست، زنده‌ی پايدار (و جهان هستی را) نگهدار است، نه چرت و نه خواب او را فرا نمى‌گیرد، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست، کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند و(آنان) به چیزی از علم او احاطه (و آگاهی) نمی‌یابند، مگر آنچه خود بخواهد، کرسیِ او آسمان‏ها و زمین را در بر گرفته است و نگهداشتنِ آن‌ها براى او (سنگین و) دشوار نیست و او بلند مرتبه‌یِ بزرگ است».

کسی که شأن و منزلتش چنین است و آفرینشش این گونه مى‌باشد، چگونه ممکن است در یکی از آفریده‌هایش حلول یابد یا او را به عنوان فرزند خود برگزیند یا به همراه خود او را مقام خدایی ببخشد؟

11- اللّٰه سبحانه و تعالی نسبت به بندگانش مهربان است، از همین روی به ‌سوی آنان پیامبران را فرستاده و کتاب‌هایی نازل کرده است.

اللّٰه ‌متعال نسبت به بندگانش رئوف و مهربان است؛ و از باب رحمتش نسبت به بندگان، پیامبران را به سوی آنان فرستاد و کتاب‌های آسمانی را برای آنان نازل کرده است؛ تا از آنان را از تاریکی‌های کفر و شرک به سوی نور توحید و هدایت خارج کند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ ٱلَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبۡدِهِۦٓ ءَايَٰتِۭ بَيِّنَٰتٖ لِّيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ بِكُمۡ لَرَءُوفٞ رَّحِيمٞ٩﴾[الحديد: 9]

«اوست که آیاتی روشنگر و واضح بر بنده‌اش نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌های (کفر و شرک) به سوی نور (ایمان) خارج گرداند؛ (زیرا) اللّٰه نسبت به شما بسيار با محبت و مهربان است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ١٠٧﴾ [الأنبياء: 107]

«و (ای پيامبر) تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

و اللّٰه به پیامبرش امر نموده تا به بندگانش خبر دهد که او آمرزنده‌یِ مهربان است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ٤٩﴾ [الحجر: 49]

«(اى پيامبر) به بندگانم خبر بده که من بسيار آمرزندۀ مهربان هستم».

و از رأفت و رحمت الهى این است که زیان را از بندگانش دور ساخته و خیر را بر آنان نازل می‌گرداند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِن يَمۡسَسۡكَ ٱللَّهُ بِضُرّٖ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَۖ وَإِن يُرِدۡكَ بِخَيۡرٖ فَلَا رَآدَّ لِفَضۡلِهِۦۚ يُصِيبُ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۚ وَهُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ١٠٧﴾[يونس: 107]

«و اگر اللّٰه (بخواهد) زیانی به تو برساند، هيچكس جز او نمى‌تواند آن را برطرف سازد؛ و اگربخواهد خیری به تو رساند، هيچكس نمى‌تواند مانع رسيدن فضل (و بخششِ) او به تو شود، [او بخشش خویش را] به هركس از بندگانش که بخواهد، می‌رساند و او آمرزندۀ مهربان است».

12- اللّٰه ‌متعال همان پروردگار مهربان است و تنها اوست که در روز قیامت بندگانش را مورد محاسبه قرار می‌دهد، هنگامى که همۀ آنان را از قبرهای‌شان برانگیخت؛ پس هرکس را برای کارهایش - چه خیر و چه شر - جزا می‌دهد؛ پس هر آن که اهل ایمان بوده و کارهای نیک انجام داده، در نعمت‌های ماندگار است و آنکه کفر ورزیده و مرتکب کارهای بد شده، برای او در آخرت، عذاب بزرگ خواهد بود.

اللّٰه ‌متعال همان پروردگار مهربانی است که به تنهایی در روز قيامت همه‌ی خلایق را به هنگام برانگیخته نمودن از قبورشان، حسابرسی خواهد کرد و هرکس را بنابر کارهای خوب یا بدش پاداش می‌دهد، پس هر که اهل ایمان بوده و کارهای نیک انجام داده است، در روز قیامت در نعمت‌های ماندگار و ابدى خواهد بود و هركس كفر ورزيده و كارهاى زشت انجام داده است، در روز قيامت، عذاب بزرگ و ابدى برای او خواهد بود، زیرا این از کمال عدل اللّٰه سبحانه و تعالی و حکمت و رحمتش در حق بندگانش است که این دنیا را خانه‌ی تلاش قرار داده و آخرت را خانۀ دوم او قرار داده است که جزا و حساب و پاداش آنجا خواهد بود؛ تا آنکه نیکوکار، پاداش نیکی خود را ببیند و بدکار و ستمگر و تجاوزگر، تاوانِ تجاوزگری و ظلم خود را ببیند؛ و از آن جایی که ممکن است برخی از انسان‌ها این مسئله (یعنی دنیای دیگر) را بعید بدانند، اللّٰه ‌متعال ادلۀ بسیاری را در این زمینه مطرح می‌سازد که رستاخیز حق است و شکی در آن نیست؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنَّكَ تَرَى ٱلۡأَرۡضَ خَٰشِعَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡۚ إِنَّ ٱلَّذِيٓ أَحۡيَاهَا لَمُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰٓۚ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ٣٩﴾[فصلت: 39]

«از جمله نشانه‌هاى (قدرت) الهى این است كه تو زمین خشک و فرسوده را می‌بینى، هنگامى كه آب (باران) را بر آن فرو می‌ریزیم، به جنبش در می‌آید و (گیاهانش) رشد می‌كند، آن (پروردگار توانمندی) كه زمین را زنده می‌كند، مردگان را نیز (در روز رستاخيز) زنده خواهد كرد، به راستی كه اللّٰه بر انجام هر كارى تواناست».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّنَ ٱلۡبَعۡثِ فَإِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ ثُمَّ مِن مُّضۡغَةٖ مُّخَلَّقَةٖ وَغَيۡرِ مُخَلَّقَةٖ لِّنُبَيِّنَ لَكُمۡۚ وَنُقِرُّ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ نُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡۖ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡلَا يَعۡلَمَ مِنۢ بَعۡدِ عِلۡمٖ شَيۡـٔٗاۚ وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ هَامِدَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡ وَأَنۢبَتَتۡ مِن كُلِّ زَوۡجِۭ بَهِيجٖ ٥﴾[الحج: 5]

«ای مردم، اگر دربارۀ برانگیخته شدن (در روز قیامت) تردید دارید، (بدانید که) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و آنگاه از خون بسته شده، سپس از پاره گوشتی شکل یافته و شکل نایافته؛ (چنین کردیم) تا (قدرت خویش را) برای‌تان آشکار سازیم؛ و هر چه را که بخواهیم، تا مدتی معیّن در رَحِم (مادران) نگه می‌داریم، آن گاه شما را به صورت نوزادی (در شكم مادران) بیرون می‌آوریم، سپس (پرورش می‌یابید) تا به حد رشد (و بلوغ) خود برسید؛ و از شما کسی هست که (در دوران جوانی) می‌میرد و کسی نیز هست (که آن قدر عمر می‌کند تا) به نهایت فرتوتی (و کهنسالی) می‌رسد، چنان که پس از (آن همه) دانش، (همه را فراموش می‌کند و) چیزی نمی‌داند؛ و (اما مثالی دیگر،) زمین را خشکیده می‌بینی، اما چون آب [باران] بر آن فرو می‌فرستیم، به جنبش درمی‌آید و رشد می‌کند و از هر نوع (گیاه) زیبایی می‌رویاند». اللّٰه ‌متعال در این آیه سه دلیل عقلی را ذکر کرده که بر حق بودن رستاخیز دلالت دارد:

1- اینکه اللّٰه ‌متعال اولین بار انسان را از خاک آفرید و قادر است کسی را که از خاک آفریده، پس آن که (با مرگ تبدیل به) خاک می‌شود، دوباره به زندگی باز گرداند.

2- کسی که انسان را از نطفه آفریده، می‌تواند پس از مرگ، او را به زندگی بازگرداند.

3- کسی که زمین را پس از مرگش، با باران به زندگی باز می‌گرداند، قادر است که مردم را پس از مرگ‌شان به زندگی برگرداند و این آیه دلیل بزرگی است بر اعجاز قرآن كريم، اینکه چگونه این آیه- که آیه‌ای طولانی نیست - سه برهان عقلی شگفت‌انگیز را دربارۀ یک مسئله مهم در خود جای داده است.

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِۚ كَمَا بَدَأۡنَآ أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ١٠٤﴾[الأنبياء: 104]

«روزی که آسمان را چون طوماری نوشته شده در هم می‌پیچیم (و) همان گونه که نخستین (بار) آفرینش را آغاز کردیم، (بار دیگر) آن را بازمی‌گردانیم، (این) وعده‌ای است بر عهدۀ ما که قطعاً انجامش خواهیم داد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلٗا وَنَسِيَ خَلۡقَهُۥۖ قَالَ مَن يُحۡيِ ٱلۡعِظَٰمَ وَهِيَ رَمِيمٞ ٧٨ قُلۡ يُحۡيِيهَا ٱلَّذِيٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٖۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلۡقٍ عَلِيمٌ ٧٩﴾[يس: 78-79]

«و برای ما مثالی زد و آفرینش خویش را فراموش کرد و گفت: چه کسی این استخوان‏‌ها را (دوباره) زنده می‌کند درحالی‌که پوسیده است؟ (78) بگو: همان ذاتی زنده‌اش می‌کند که نخستین بار آن را پدید آورد و او به هر آفرینشی داناست».

و اللّٰه ‌تعالی می‌فرماید:

﴿ءَأَنتُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَمِ ٱلسَّمَآءُۚ بَنَىٰهَا٢٧ رَفَعَ سَمۡكَهَا فَسَوَّىٰهَا٢٨ وَأَغۡطَشَ لَيۡلَهَا وَأَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا٢٩ وَٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ ذَٰلِكَ دَحَىٰهَآ٣٠ أَخۡرَجَ مِنۡهَا مَآءَهَا وَمَرۡعَىٰهَا٣١ وَٱلۡجِبَالَ أَرۡسَىٰهَا٣٢﴾[النازعات: 27-32]

«(اى منكران معاد) آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) سخت‌تر است یا آسمانی که (اللّٰه) آن را بنا کرده است؟ (27) سقف آن را بر افراشت و گسترش داد و به آن نظم و ترتيب بخشيد و آراسته كرد (28) و شب آن را تاریک كرد و روزش را روشن گردانید (29) و زمین را پس از آن (آفرید و) گستراند (30) و از آن، آب (چشمه‌ها و چاه‌ها و) چراگاه‌هايش را بیرون آورد (31) و کوه‏‌ها را محکم و استوار (بر روی زمین) قرار داد(32)».

در اینجا اللّٰه سبحانه وتعالی تببین نموده که خلقت انسان از آفرینش آسمان و زمین و آنچه در آن‌هاست، دشوارتر نیست و آن که توانسته آسمان‌ها و زمین را بیافریند، از اینکه انسان را دوباره زنده کند، ناتوان نیست.

13- اللّٰه سبحانه و تعالی آدم را از خاک آفرید و نسل او را چنین قرار داد که پس از او فرزند بیاورند و افزون شوند، بنابراین همۀ انسا‌ن‌ها در اصل برابرند و هیچ نژادی بر نژاد دیگر برتری ندارد و هیچ گروهی بر گروه دیگر فضیلتی ندارد مگر بر مبنای تقوا.

اللّٰه سبحانه وتعالی آدم را از خاک آفرید و نسل او را چنین قرار داد که پس از او فرزند بیاورند و افزون شوند، بنابراین همۀ انسان‌ها در اصل برابرند و هیچ نژادی بر نژاد دیگر برتری ندارد و هیچ گروهی بر دیگری فضیلتی ندارد مگر بر مبنای تقوا؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ١٣﴾ [الحجرات: 13]

«ای مردم، ما شما را از مرد و زنى آفریدیم و شما را تیره‌ها وقبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسيد؛ بی‌تردید، بزرگوارترین شما نزد اللّٰه پرهیزگار‏ترینِ شماست، بی‌گمان اللّٰه دانای آگاه است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَٱللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ جَعَلَكُمۡ أَزۡوَٰجٗاۚ وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٖ وَلَا يُنقَصُ مِنۡ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ١١﴾ [فاطر: 11]

«و اللّٰه (پدر) شما (آدم) را از خاک آفرید، سپس (ذريت آدم را) از نطفه آفريد، سپس شما را جفت‌ها(ی یکدیگر) قرار داد، هیچ (جاندار) ماده‌ای باردار نمی‌شود و زایمان نمی‌کند، مگر با دانش (و آگاهی) اللّٰه ‌متعال؛ و هیچ (جاندار) کهنسالی عمر طولانی نمی‌کند و از عمرش کاسته نمی‌گردد، مگر آنکه در کتاب (لوح محفوظ] ثبت شده است، این کار برای اللّٰه آسان است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ ثُمَّ يُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ ثُمَّ لِتَكُونُواْ شُيُوخٗاۚ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبۡلُۖ وَلِتَبۡلُغُوٓاْ أَجَلٗا مُّسَمّٗى وَلَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ٦٧﴾[غافر: 67]

«او كسى است كه شما را از خاک آفريد، سپس (طى مراحل مختلف) از نطفه و آنگاه خون بسته آفرید، سپس شما را (به صورت) نوزادى (از شكم مادر به دنیا) مى‌آورد، سپس رشد مى‌كنيد تا به کمال نیرو و قوت خود می‌رسید، سپس [بعد از سال‌ها زندگی كردن به مرحله‌ى) سالخوردگى مى‌رسيد؛ و از (میان) شما کسی است که پیش از این (مرحله) می‌میرد و (به بعضی ديگر از شما مهلت داده مى‌شود) تا به وقت معينى برسید و اميد است شما (از اين نشانه‌هاى الهى درس عبرت بگيريد تا) بیندیشید».

و اللّٰه ‌متعال در تبیین اینکه مسیح را با امر كونى آفریده، همانگونه که آدم را با امر كونى از خاک آفرید، می‌‎فرماید:

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ ٱللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَۖ خَلَقَهُۥ مِن تُرَابٖ ثُمَّ قَالَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ٥٩﴾ [آل عمران: 59]

«همانا مثال (آفرينش) عیسی نزد اللّٰه، همچون مثال (آفرينش) آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: پديدار بشو، پس (بی‌درنگ) پديدار شد».

پیش‌تر در عبارت شماره (2) بیان کردیم که پیامبر ج بیان کرده‌اند که مردم با هم برابرند و کسی بر دیگری برتری ندارد، مگر بر مبنای تقوا.

14- و هر نوزادی بر اصل فطرت به دنیا می‌آید.

هر نوزادی بر اصل فطرت دیده به جهان می‌گشاید، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ٣٠﴾ [الروم: 30]

«روى خود را حنیف و خالصانه به سوى دین (پاک و بى‌آلايش) اسلام برپا دار که اللّٰه فطرت مردم را بر اساس آن سرشته است، هیچ تغییری در آفريده‌هاى اللّٰه نیست، این است (راه راست و) دین استوار، ولی بیشتر مردم (اين حقیقت را) نمی‌دانند».

منظور از حنیفیت، دین ابراهیم خلیل ÷ است، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ أَنِ ٱتَّبِعۡ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۖ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٢٣﴾[النحل: 123]

«سپس (ای پیامبر) به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم پیروی کن که حنیف (= حق‌گرا) بود و (هرگز) از زمرۀ مشرکان نبود».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا يُولَدُ عَلَى الفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ كَمَا تُنْتَجُ البَهِيمَةُ بَهِيمَةً جَمْعَاءَ هَلْ تُحِسُّونَ فِيهَا مِنْ جَدْعَاءَ». «هیچ نوزادی نیست مگر آن که بر اساس فطرت به دنیا می‌آید، آنگاه پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می‌گردانند، همانگونه كه نوزاد حيوان هنگام ولادت، صحيح و سالم است؛ آيا هيچ ديده‌ايد كه حيوانی، گوش بريده بدنيا بيايد». سپس ابوهریره س گفت:

﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ٣٠﴾[الروم: 30]

«روى خود را خالصانه به سوى دین (پاک و بى‌آلايش) اسلام برپا دار که اللّٰه فطرت مردم را بر اساس آن سرشته است، هیچ تغییری در آفريده‌هاى اللّٰه نیست، این است (راه راست و) دین استوار، ولی بیشتر مردم (اين حقیقت را) نمی‌دانند». [صحیح بخاری (4775)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أُعَلِّمَكُمْ مَا جَهِلْتُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي يَوْمِي هَذَا كُلُّ مَالٍ نَحَلْتُهُ عَبْدًا حَلَالٌ وَإِنِّي خَلَقْتُ عِبَادِي حُنَفَاءَ كُلَّهُمْ وَإِنَّهُمْ أَتَتْهُمُ الشَّيَاطِينُ فَاجْتَالَتْهُمْ عَنْ دِينِهِمْ وَحَرَّمَتْ عَلَيْهِمْ مَا أَحْلَلْتُ لَهُمْ وَأَمَرَتْهُمْ أَنْ يُشْرِكُوا بِي مَا لَمْ أُنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا». «بدانید که پروردگارم مرا امر نموده تا آنچه را كه امروز به من یاد داده و آن را نمی‌دانید، به شما بیاموزم، (اللّٰه ‌متعال فرمود: ‌) هر آنچه را كه (حلال كرده‌ام و) به بنده‌ای داده‌ام برایش حلال است و من بندگانم را موحد آفریدم و همانا شیاطین به نزد آنان آمده و آن‌ها را از دین‌شان برگرداندند و بر آنان چیزهایی را حرام کردند که برای آنان حلال کرده بودم و به آنان امر کردند تا به من شرک ورزند، شركى که برایش دلیلی نازل نکرده‌ام». [به روایت مسلم (2865)].

15- و هیچ انسانی، گناهکار یا وارث گناه دیگری به دنیا نمی‌آید.

هیچیک از انسان‌ها گناهکار یا وارث گناه دیگری به دنیا نمی‌آید و اللّٰه ‌تعالی ما را آگاه نموده که وقتی آدم ÷ بر خلاف امر الهی عمل نمود و او و همسرش حوا از آن درخت خوردند، پشیمان شد و توبه کرد و از اللّٰه آمرزش خواست و اللّٰه نیز به او الهام نمود تا سخنانی پاک به زبان آورد، پس اللّٰه توبۀ آن‌ها را پذیرفت؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَقُلۡنَا يَٰٓـَٔادَمُ ٱسۡكُنۡ أَنتَ وَزَوۡجُكَ ٱلۡجَنَّةَ وَكُلَا مِنۡهَا رَغَدًا حَيۡثُ شِئۡتُمَا وَلَا تَقۡرَبَا هَٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ٣٥ فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ عَنۡهَا فَأَخۡرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِۖ وَقُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ بَعۡضُكُمۡ لِبَعۡضٍ عَدُوّٞۖ وَلَكُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُسۡتَقَرّٞ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٖ٣٦ فَتَلَقَّىٰٓ ءَادَمُ مِن رَّبِّهِۦ كَلِمَٰتٖ فَتَابَ عَلَيۡهِۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ٣٧ قُلۡنَا ٱهۡبِطُواْ مِنۡهَا جَمِيعٗاۖ فَإِمَّا يَأۡتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدٗى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ٣٨﴾[البقرة: 35-38]

«و گفتیم: ای آدم، تو و همسرت در بهشت سکونت کنید و از (نعمت‏‌های) آن از هر جا که می‌خواهید، خوش و گوارا بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید (و از ثمره‌ى آن نخوريد) که از ستمکاران خواهید شد (35) اما شیطان موجب لغزش (و نافرمانى) هر دوى آنان شد، پس اللّٰه آنان را از آنچه در آن بودند (كه بهشت بود) بیرون کرد و (به همه‌ى آنان) گفتیم: همگی (به روى زمین) فرود آیید، درحالی‌که برخى دشمن برخى ديگر خواهید بود و برای‌تان در زمین، تا مدتی معیّن قرارگاه و وسیلۀ بهره‌‏برداری خواهد بود (36) آنگاه آدم از پروردگارش کلماتی فرا گرفت (و با آن‌ها درخواست بخشایش نمود) و اللّٰه توبۀ او را پذیرفت؛ چرا که اللّٰه، بسيار توبه پذیر مهربان است (37) گفتیم: همگی از آنجا فرود آیید و هرگاه از جانب من رهنمودی برای‌تان آمد، کسانی که از آن (هدایت) پیروی کنند، نه ترسی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می‌شوند (38)».

وقتی اللّٰه ‌متعال توبۀ آدم را پذیرفته، دیگر بر دوش او گناهى نیست؛ بنابراین نسل و فرزندان او نیز گناه او را که با توبه از بین رفته، به ارث نمی‌برند؛ و اصل بر این است که انسان گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِي رَبّٗا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيۡءٖۚ وَلَا تَكۡسِبُ كُلُّ نَفۡسٍ إِلَّا عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرۡجِعُكُمۡ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ١٦٤﴾[الأنعام: 164]

«و هیچکس (کار ناشایستی) انجام نمی‌دهد، مگر آنکه (بار گناهش) بر دوش خود اوست و هیچ گناهکاری بار (گناه) دیگری را به دوش نمى‌کشد، سپس بازگشت (همۀ) شما به سوی پروردگارتان است، سرانجام (همه) شما را (در روز قیامت، از حقیقت) آنچه در آن اختلاف داشتید، آگاه مى‌سازد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مَّنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبۡعَثَ رَسُولٗا١٥﴾[الإسراء: 15]

«کسی که هدایت یابد (تنها) به نفع خود هدایت یافته است و کسی که گمراه گردد، فقط به زیان خود گمراه شده است و هیچ گناهکاری، بارِ گناه دیگری را بر دوش نمى‌كشد؛ و ما هرگز (كسى يا قومى را) عذاب نخواهیم داد، مگر اينكه پیامبری (در ميان آنان) مبعوث کرده باشيم».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ وَإِن تَدۡعُ مُثۡقَلَةٌ إِلَىٰ حِمۡلِهَا لَا يُحۡمَلۡ مِنۡهُ شَيۡءٞ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰٓۗ إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخۡشَوۡنَ رَبَّهُم بِٱلۡغَيۡبِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَۚ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفۡسِهِۦۚ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٨﴾[فاطر: 18]

«و هیچ كسى بارِ گناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد و اگر (شخص) گرانباری، (دیگری را) برای حمل بار (گناهان) خویش فرابخواند، (چیزی از بار گناهانش) برداشته نمی‌شود، هرچند که او خویشاوند (نزدیکش) باشد؛ (ای پیامبر) تو كسانى را (با اين قرآن) هشدار می‌دهی که در نهان از پروردگارشان می‌ترسند و نماز برپا می‌دارند، هر کس (با تقوا نفس خود را از گناهان) پاک كند، یقیناً تنها به سود خود (نفس خويش را) پاک كرده است و بازگشت (همه) به سوی اللّٰه است».

16- و هدف از آفرینش مردم، عبادت كردن اللّٰه به يگانگی است.

و مقصود از خلقت انسان‌ها، عبادت موحدانۀ اللّٰه ‌متعال است، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ٥٦﴾[الذاريات: 56]

«و من جن و انسان را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند».

17- اسلام، انسان را - چه مرد باشد و چه زن - گرامی داشته و همۀ حقوقش را برای او تضمين نموده و او را در برابر انتخاب‌ها و اعمال و تصرفاتش مسئول دانسته و مسئولیت هر کاری را که به او و دیگری زیان برساند، بر عهدۀ خودش قرار داده است.

اسلام، انسان را - چه مرد باشد و چه زن - گرامی داشته است؛ چرا که اللّٰه انسان را برای این آفریده تا جانشينان هم بر روی زمین باشند، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٞ فِي ٱلۡأَرۡضِ خَلِيفَةٗۖ …٣٠﴾ [البقرة: 30]

«و (بیاد بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد».

این تکریم و بزرگداشت، همۀ فرزندان ‌آدم را شامل می‌شود، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ وَلَقَدۡ كَرَّمۡنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ وَرَزَقۡنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلۡنَٰهُمۡ عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّمَّنۡ خَلَقۡنَا تَفۡضِيلٗا٧٠﴾ [الإسراء: 70]

«و براستى، ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (با وسایل نقليه) حمل کردیم و از انواع (نعمت‏های) پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از موجوداتی که آفریده‌ایم، بطور كامل برتری بخشیدیم». و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ٤﴾ [التين: 4]

«یقیناً ما انسان را در بهترین صورت و زيباترين سيما آفریده‌ایم».

اللّٰه، انسان را از این نهی کرده که خود را تابع و ذلیل یک معبود یا یک متبوع (آنکه از او پیروی می‌شود) یا مطاع (آنکه از او اطاعت می‌شود) جز اللّٰه قرار دهد، پروردگار متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ وَلَوۡ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِذۡ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ أَنَّ ٱلۡقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعَذَابِ ١٦٥ إِذۡ تَبَرَّأَ ٱلَّذِينَ ٱتُّبِعُواْ مِنَ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُواْ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ وَتَقَطَّعَتۡ بِهِمُ ٱلۡأَسۡبَابُ١٦٦﴾ [البقرة: 165-166]

«برخی از مردم، همتایانی غیر از اللّٰه را (برای عبادت) بر مى‌گزینند و آن‌ها را همچون اللّٰه دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند بیشترین محبت را با اللّٰه دارند؛ و کسانی که (بر خود) ستم کرده‌اند، اگر مى‌شد (در دنيا) عذابى را مشاهده كنند كه هنگام (قیامت) آن را مى‌بينند، (خواهند دانست) که تمام قدرت و عظمت از آن اللّٰه است و اینکه اللّٰه سخت‌کیفر است (165) آنگاه که رهبران (گمراه كننده) از پیروان خود بیزاری مى‌جویند و عذاب را مى‌بینند و (تمامى) اسبابى (که موجب نجات‌شان در دنيا مى‌شد، همگی) گسيخته مى‌گردد».

و اللّٰه ‌متعال در بیان حال و روز پیروان و رهبران باطل در روز قیامت می‌فرماید:

﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ صَدَدۡنَٰكُمۡ عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُمۖ بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ٣٢ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَغۡلَٰلَ فِيٓ أَعۡنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ٣٣﴾ [سبأ: 32-33]

«کسانی که سرکشی (و تكبر) می‌کردند (در پاسخ به) کسانی که مستصعف شده بودند، می‌گویند: آیا ما (بودیم که) شما را از هدایت - پس از آنکه به سوی‌تان آمد - بازداشتیم؟ (هرگز) بلکه شما خود گناهکار (و اهل فساد) بودید (32) کسانی که مستضعف شده بودند (در پاسخ) به کسانی که سرکشی می‌کردند، می‌گویند: (چنین نیست) بلکه نیرنگ شبانه‌روزى (شما سبب شد که از هدایت بازمانیم) آنگاه که به ما دستور می‌دادید به اللّٰه کافر شویم و (در قدرت و عبادت) همتایانی برایش قرار دهیم، آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می‌بینند، پشیمانی خود را پنهان می‌کنند و ما غل و زنجیرها را در گردن کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌اندازیم، آیا جز (به کیفر) آنچه انجام مى‎دادند، مجازات می‌شوند؟(33)».

از کمال عدل اللّٰه سبحانه و تعالی در روز قیامت آن است که دعوتگران و امامان گمراه‌گر را وا می‌دارد تا گناهان خود و گناهان کسانی را که بدون علم گمراه‌شان كرده‌اند، بر دوش بکشند، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿لِيَحۡمِلُوٓاْ أَوۡزَارَهُمۡ كَامِلَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَمِنۡ أَوۡزَارِ ٱلَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٍۗ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ٢٥﴾ [النحل: 25]

«تا در روز قیامت، بار گناهان خود را به تمامی بر دوش کشند و (همچنين) برخى از بار گناهان کسانی را که از روی نادانی گمراه‌شان کرده‌اند؛ آگاه باشید، چه بد است آنچه بر دوش می‌کشند».

اسلام، همۀ حقوق انسان را در دنیا و آخرت تضمین کرده است و بزرگ‌ترین حقوقی که اسلام بر عهده گرفته و تضمین نموده و برای مردم بیان کرده، حق اللّٰه بر مردم و حق مردم بر اللّٰه است.

از معاذ بن جبل س روایت است که می‌گوید: أَنَا رَدِيفُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «يَا مُعَاذُ» قُلْتُ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ ثُمَّ قَالَ مِثْلَهُ ثَلاَثًا: «هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى العِبَادِ» قُلْتُ: لاَ قَالَ: «حَقُّ اللَّهِ عَلَى العِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلاَ يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» ثُمَّ سَارَ سَاعَةً فَقَالَ: «يَا مُعَاذُ» قُلْتُ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ قَالَ: "هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ العِبَادِ عَلَى اللَّهِ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ: أَنْ لاَ يُعَذِّبَهُمْ». من همراه با پیامبر ج (سوار بر شتر) بودم که فرمود: «ای معاذ». گفتم: گوش به فرمان شما هستم؛ سپس سه بار همانند آن فرمود: «آیا می‌دانی که حق اللّٰه بر بندگان چیست؟» گفتم: نه؛ فرمود: «حق اللّٰه بر بندگان این است که او را عبادت کنند و چیزی را با او شریک نگردانند». سپس مدتی به حرکت ادامه داد، آنگاه فرمود: «ای معاذ». گفتم: گوش به فرمان شما هستم؛ فرمود: «آیا می‌دانی که حق بندگان بر اللّٰه چیست اگر چنین کنند؟ این است که آنان را عذاب ندهد». [صحیح بخاری (6840)].

اسلام، دین حق، نسل، مال، ناموس و آبروى انسان را براى او تضمين كرده است. رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا». «همانا اللّٰه، خون، اموال و ناموس و آبروی‌تان را بر شما حرام کرده است؛ همانند حُرمَت این روز شما، در این ماه شما، در این سرزمین شما». [صحیح بخاری (6501)].

پیامبر ج این پیمان بزرگ را در (مراسم) حجة الوداع اعلام کرد، مناسبتی که بیش از صد هزار تن از صحابه در آن حضور یافتند؛ و این معنا را تكرار كرد و در روز عید قربان در (مراسم) حجة الوداع بر آن تأكيد نمود.

و اسلام، انسان را مسئول ساير انتخاب‌ها و اعمال و تصرفاتش قرار داده است، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلۡزَمۡنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِي عُنُقِهِۦۖ وَنُخۡرِجُ لَهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ كِتَٰبٗا يَلۡقَىٰهُ مَنشُورًا١٣ ٱقۡرَأۡ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفۡسِكَ ٱلۡيَوۡمَ عَلَيۡكَ حَسِيبٗا ١٤﴾ [الإسراء: 13-14]

«و هر انسانی اعمال (خیر و شرش) را در گردنش آویخته‌ایم و در روز قیامت كتابى را برایش بيرون می‌آوریم که (تمام اعمال خیر و شری را که انجام داده است) گشوده و مبسوط در برابر خویش می‌بیند (13) (به او مى‌گویيم: ‌) كتابت را بخوان، امروز همین کافی است که خود حسابرس خود باشی».

یعنی هر عملی - چه خیر باشد و چه شر - همراه انسان خواهد بود و به دیگری سپرده نمی‌شود، پس كسى با عمل دیگری محاسبه نمی‌شود و دیگری نیز با عمل غير خود حسابرسی نخواهد شد، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدۡحٗا فَمُلَٰقِيهِ٦﴾[الانشقاق: 6]

«ای انسان، بی‌گمان تو در راه (رسیدن به) پروردگارت سخت تلاش و کوشش می‌کنی؛ و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مَّنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٤٦﴾[فصلت: 46]

«هرکس به شایستگى عمل كند، به سود خود اوست؛ و هرکس بدى كند، به زیان خویش بدى كرده است؛ و پروردگار تو هرگز به بندگان ستم نمی‌کند».

و اسلام مسئولیت هر عملی را که باعث زیان رسیدن به خود انسان و زیان زدن به دیگران باشد، بر عهدۀ خود او گذاشته است، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَن يَكۡسِبۡ إِثۡمٗا فَإِنَّمَا يَكۡسِبُهُۥ عَلَىٰ نَفۡسِهِۦۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمٗا١١١﴾[النساء: 111]

«و هرکس گناهی مرتکب شود، تنها به زیان خویش مرتكب شده است و همواره اللّٰه دانای حکیم است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مِنۡ أَجۡلِ ذَٰلِكَ كَتَبۡنَا عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَنَّهُۥ مَن قَتَلَ نَفۡسَۢا بِغَيۡرِ نَفۡسٍ أَوۡ فَسَادٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ ٱلنَّاسَ جَمِيعٗا وَمَنۡ أَحۡيَاهَا فَكَأَنَّمَآ أَحۡيَا ٱلنَّاسَ جَمِيعٗاۚ وَلَقَدۡ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُم بَعۡدَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡأَرۡضِ لَمُسۡرِفُونَ٣٢﴾[المائدة: 32]

«به همین سبب بر بنی‌اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس انسانی را بدون اینکه مرتکب قتل نفس یا فسادی در زمین شده باشد، بکشد، چنان است که گویی همه‌ی انسان‌ها را کشته باشد و هرکس انسانی را از مرگ نجات دهد، چنان است که گویی همه‌ی انسان‌ها را زنده کرده است».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «لَا تُقْتَلُ نَفْسٌ ظُلْمًا إِلَّا كَانَ عَلَى ابْنِ آدَمَ الْأَوَّلِ كِفْلٌ مِنْ دَمِهَا لِأَنَّهُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ سَنَّ الْقَتْلَ». «کسی مظلومانه به قتل نمى‌رسد مگر آن که بخشی از خون او بر گردن فرزند نخست آدم است؛ زیرا او نخستین کسی بود که رسم قتل (انسان) را بر جای نهاد». [صحیح مسلم (5150)].

18- اسلام مرد و زن را از نظر عمل، مسئولیت و جزا و پاداش برابر دانسته است.

اسلام مرد و زن را از جهت عمل، مسئولیت و جزا و پاداش برابر دانسته است، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ وَلَا يُظۡلَمُونَ نَقِيرٗا١٢٤﴾[النساء: 124]

«و کسی که چیزی از کارهای شایسته را انجام دهد، چه مرد باشد یا زن، درحالی‌که مؤمن باشد، اینان به بهشت داخل می‌شوند و کمترین ستمی (به اندازه‌ی گودی پشت هسته‌ی خرما) به آن‌ها نخواهد رسيد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٧﴾[النحل: 97]

«هر کسی که کار شایسته‌ای انجام دهد، (خواه) مرد باشد یا زن، درحالی‌که او مؤمن است، او را به حیاتی پاک و پسنديده زنده می‌داریم و مسلماً پاداش‌شان را به (حسب) بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، به آن‌ها می‌دهیم».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مَنۡ عَمِلَ سَيِّئَةٗ فَلَا يُجۡزَىٰٓ إِلَّا مِثۡلَهَاۖ وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ يُرۡزَقُونَ فِيهَا بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٤٠﴾[غافر: 40]

«هرکس کار بدی مرتکب شود، جز به همسان آن، کیفر داده نمى‌شود؛ و هركسى خواه مرد باشد یا زن و او مؤمن باشد، کار شایسته‌ای انجام دهد، پس آنان وارد بهشت می‌شوند و در آن روزیِ بی‌شمار به آن‌ها داده خواهد شد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلۡمُسۡلِمِينَ وَٱلۡمُسۡلِمَٰتِ وَٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ وَٱلۡقَٰنِتِينَ وَٱلۡقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلۡخَٰشِعِينَ وَٱلۡخَٰشِعَٰتِ وَٱلۡمُتَصَدِّقِينَ وَٱلۡمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ وَٱلۡحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمۡ وَٱلۡحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمٗا ٣٥﴾[الأحزاب: 35]

«همانا مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان فرمانبردار و زنان فرمانبردار و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان انفاق‌گر و زنان انفاق‌گر و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که اللّٰه را بسیار یاد می‌کنند، اللّٰه برای (همگی) آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم نموده است».

19- اسلام، زن را گرامی داشته و زنان را همسان مردان دانسته و مرد را ملزم نموده که در صورت توانایی، نفقۀ زن را بپردازد، بنابراین نفقۀ دختر بر عهدۀ پدر است و نفقۀ مادر بر عهدۀ فرزند او واجب است در صورتی که بالغ و توانا باشند و نفقۀ زن بر عهدۀ همسر اوست.

اسلام، زنان را همسان مردان دانسته است. رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ». «همانا زنان، همسان مردانند». [به روایت ترمذی (113)].

از جلوه‌های بزرگداشت زنان در اسلام این است که اسلام نفقۀ مادر را بر عهدۀ فرزندش گذاشته است، مشروط به اینکه فرزند توانایی مالی داشته باشد. رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «يَدُ الْمُعْطِي الْعُلْيَا أُمَّكَ وَأَبَاكَ وَأُخْتَكَ وَأَخَاكَ ثُمَّ أَدْنَاكَ أَدْنَاكَ». «منزلت دست بخشنده بالاتر است، (پس در بخشيدن اول از) مادرت و پدرت و خواهرت و برادرت، سپس نزدیک‌تر و نزدیک‌تر (آغاز کن)». امام احمد آن را در مسند خود روايت كرده است. در موضوع شمارۀ (29) به یاری اللّٰه ‌متعال به بیان جایگاه پدر و مادر خواهیم پرداخت.

از دیگر جلوه‌های بزرگداشت زنان در اسلام این است که شوهر را ملزم كرده تا در صورت توانایی مالی، نفقه‌ی‌ همسرش را تأمين کند. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿لِيُنفِقۡ ذُو سَعَةٖ مِّن سَعَتِهِۦۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيۡهِ رِزۡقُهُۥ فَلۡيُنفِقۡ مِمَّآ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُۚ لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ سَيَجۡعَلُ ٱللَّهُ بَعۡدَ عُسۡرٖ يُسۡرٗا٧﴾[الطلاق: 7]

«کسانی که دارا (و ثروتمند) هستند، باید از دارایی (و ثروت) خود (بر زن مطلقه و فرزندش) خرج کنند و کسی که تنگدست است، باید از آنچه اللّٰه به او داده (و در توانش هست) خرج کند، اللّٰه هیچ كسى را جز به اندازه‌ای که به او (توان) داده است، مکلّف نمی‌کند، اللّٰه به زودی بعد از سختی (و تنگدستی) آسانی (و گشایش) را فراهم مى‌آورد».

مردی از پیامبر ج پرسید: حق زن بر شوهرش چیست؟ فرمود: «تُطْعِمُهَا إِذَا طَعِمْتَ وَتَكْسُوهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ وَلَا تَضْرِبِ الْوَجْهَ وَلَا تُقَبِّحْ». «هنگامى كه غذا مى‌خوری به او نیز غذا بده و هنگامى كه براى خود لباس تهيه كردى، براى او نيز تهيه كن؛ و هيچوقت به چهره ضربه نزن و او را زشت نخوان». [امام احمد آن را روايت كرده است].

و رسول ‌اللّٰه ج در تبیین پاره‌ای از حقوق زنان بر شوهران می‌فرماید: «وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ». «و روزی و لباس آنان بر اساس عرف (و عادت) بر شما واجب است». [صحیح مسلم].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَقُوتُ». «برای گنه‌کار بودن انسان همین کافی‌ست که (تأمین هزینه‌های زندگی) کسانی را که قوت آنان بر عهدۀ اوست، ضایع سازد». [امام احمد آن را روايت كرده است].

امام خطابی می‌گوید: مقصود از عبارت: «من یقوت» کسانی است که قوت و مایحتاج آنان بر عهدۀ اوست، گویا به صدقه دهنده می‌گوید: «براى طلب پاداش صدقه نده مگر از مقدار افزون بر هزینه‌های خانواده‌ات؛ در غیر این صورت صدقه تبدیل به گناه می‌شود، وقتی حق آنان را ضایع كنى».

از دیگر جلوه‌های بزرگداشت زنان در اسلام این است که نفقۀ دختر را بر عهدۀ پدر گذاشته است، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ وَٱلۡوَٰلِدَٰتُ يُرۡضِعۡنَ أَوۡلَٰدَهُنَّ حَوۡلَيۡنِ كَامِلَيۡنِۖ لِمَنۡ أَرَادَ أَن يُتِمَّ ٱلرَّضَاعَةَۚ وَعَلَى ٱلۡمَوۡلُودِ لَهُۥ رِزۡقُهُنَّ وَكِسۡوَتُهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ لَا تُكَلَّفُ نَفۡسٌ إِلَّا وُسۡعَهَاۚ ...٢٣٣﴾[البقرة: 233]

«و مادران (بايد) دو سال کامل به فرزندان‌شان شیر دهند، (اين) برای کسی است که قصد دارد دوران شیرخوارگی را تكميل کند و خوراک و لباس آنان بر اساس عرف بر عهدۀ پدر است».

پس اللّٰه ‌متعال بیان فرموده‌ است که هزينه‌ى غذا و لباس کودک بر اساس عرف بر عهدۀ پدر اوست؛ و می‌فرماید:

﴿... فَإِنۡ أَرۡضَعۡنَ لَكُمۡ فَـَٔاتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ...٦﴾[الطلاق: 6]

«پس اگر فرزندان‌تان را شیر دادند، اجرت شیردادن‌شان را به آن‌ها بپردازید».

اللّٰه ‌متعال هزینۀ شیر دادن به کودک را بر عهدۀ پدر گذاشته است و این دال بر آن است که نفقۀ فرزند بر عهدۀ پدر است و فرزند شامل پسر و دختر می‌شود؛ و حدیث بعدی دال بر وجوب نفقۀ همسر و فرزندان بر پدر می‌باشد.

عائشه ل روایت كرده است که هِند به پیامبر ج گفت: ابوسفیان مردی بخیل است و نیاز دارم که از مال او بردارم، ایشان فرمودند: «خُذِي مَا يَكْفِيكِ وَوَلَدَكِ بِالْمَعْرُوفِ». «بر اساس عُرف، به اندازه‌ای که برای خود و فرزندانت کافی است، (از مال او) بردار". [صحیح بخاری].

پیامبر بزرگوار، فضیلت هزینه کردن برای دختران یا خواهران را بیان کرده و می‎فرماید: «مَنْ عَالَ ابْنَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ أُخْتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ حَتَّى يَبِنَّ أَوْ يَمُوتَ عَنْهُنَّ كُنْتُ أَنَا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ». وَأَشَارَ بِأُصْبُعَيْهِ السَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى. «هرکس سرپرستی دو دختر یا سه دختر یا دو خواهر یا سه خواهر را بر عهده گیرد تا آنکه بالغ شوند یا آن که (در حال سرپرستی) آنان از دنیا برود، من و چنین شخصی مانند این دو خواهیم بود». و به انگشت سبابه و میانی خود اشاره کرد. [السلسلة الصحیحة (296)].

20- و مرگ به معنای فنای ابدی نیست، بلکه انتقال از سرای عمل به سرای پاداش است؛ و مرگ هم بدن و هم روح را در بر می‌گیرد و مرگ روح جدا شدنش از بدن است که بعد از رستاخیز در روز قیامت، به بدن باز می‌گردد و روح پس از مرگ به بدنی دیگر منتقل نمی‌شود و در بدنی دیگر تناسخ نمی‌پذیرد.

مرگ به معنای فنای ابدی نیست، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ ٱلَّذِي وُكِّلَ بِكُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ ١١﴾[السجدة: 11]

«(ای پیامبر) بگو: فرشتۀ مرگ که بر شما گماشته شده است، جان‌تان را می‌گیرد، آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید».

مرگ، بدن و روح را در بر می‌گیرد و مرگ روح همان جدا شدنش از بدن است که بعد از رستاخیز در روز قیامت به بدن باز می‌گردد، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي لَمۡ تَمُتۡ فِي مَنَامِهَاۖ فَيُمۡسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ عَلَيۡهَا ٱلۡمَوۡتَ وَيُرۡسِلُ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ٤٢﴾ [الزمر: 42]

«اللّٰه جان‌ها را به هنگام مرگ‌شان قبض می‌کند و (نیز) جان کسی را كه نمرده است، به هنگام خوابش (می‌گیرد)، آنگاه جان‏هاى كسانى که فرمان مرگ‌شان را صادر کرده، نگه می‌دارد و جان دیگران را تا هنگام معین (مرگ‌شان) بازپس می‌فرستد، بى‌گمان در این (امر) نشانه‌هايی‌ست براى قومى که مى‌انديشند».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ». «هرگاه روح قبض شود، چشم آن را دنبال می‌کند». [صحیح مسلم (920)].

پس از مرگ، انسان از سرای عمل به سرای پاداش منتقل می‌شود، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِلَيۡهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقًّاۚ إِنَّهُۥ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ بِٱلۡقِسۡطِۚ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ شَرَابٞ مِّنۡ حَمِيمٖ وَعَذَابٌ أَلِيمُۢ بِمَا كَانُواْ يَكۡفُرُونَ ٤﴾[يونس: 4]

«بازگشت همۀ شما به سوی اوست، وعدۀ اللّٰه حق است، بی‌گمان او آفرینش را آغاز می‌کند، آنگاه (پس از مرگ) آن را باز می‌گرداند تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به عدالت پاداش دهد و کسانی که كافر شده‌اند، بسبب كفرشان براى آنان نوشیدنی از آب جوشان، و عذابی دردناک است».

و روح پس از مرگ به بدنی دیگر منتقل نمی‌شود و تناسخ نمی‌پذیرد؛ و ادعای تناسخ نه دلیلی از عقل دارد و نه حس و هیچ سخنی از پیامبران دال بر این عقیده وارد نشده است.

21- اسلام به اصول بزرگ ایمان و باور داشتن به آن‌ها فرا می‌خواند، و این اصول عبارتند از: ایمان به اللّٰه و ملائکۀ او، ایمان به کتاب‌های الهی مانند تورات و انجیل و زبور ـ پیش از تحریف آن‌ها ـ و قرآن؛ و ایمان به همۀ پیامبران و فرستادگان ﻹ و ایمان به آخرین پیامبران یعنی محمد رسول ‌اللّٰه، خاتم ‌انبیا و مرسلین؛ و ایمان به آخرت؛ و اینکه بدانیم اگر زندگی دنیا پایان کار بود، زندگی و وجود، بیهودگی محض بود؛ و همچنین ایمان به قضا و قدر.

اسلام به سوی ایمان و باور به اساسیات بزرگ ایمان فرا می‌خواند، اصولی که همۀ پیامبران و رسولان ﻹ به آن فراخواندند، یعنی:

اول: ایمان به اللّٰه به عنوان پروردگار و آفریدگار و روزی‌دهنده و تدبیرگر این جهان است و اینکه تنها او شایسته‌ی عبادت است و عبادت هر چیزی جز او باطل است؛ و هر معبودی جز او باطل است و عبادت تنها لایق و شایسته‌ی اوست و عبادت تنها برای او درست است و بس. ادلۀ این مساله در بند شماره‌ی (8) بيان شده است.

اللّٰه سبحانه و تعالی این اصول بزرگ را در آیات زيادى آورده است که در سوره‌های قرآن پراکنده هستند، از جمله اینکه اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ٢٨٥﴾[البقرة: 285]

«پیامبر به آنچه كه از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان؛ همگی به اللّٰه و فرشتگانش و کتاب‌‏هایش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند (و سخن‌شان این است که): میان هیچیک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم) و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم؛ پروردگارا، آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت (تمام امور) به سوی توست».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ لَّيۡسَ ٱلۡبِرَّ أَن تُوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ قِبَلَ ٱلۡمَشۡرِقِ وَٱلۡمَغۡرِبِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡبِرَّ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلۡكِتَٰبِ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ وَءَاتَى ٱلۡمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ ذَوِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُوفُونَ بِعَهۡدِهِمۡ إِذَا عَٰهَدُواْۖ وَٱلصَّٰبِرِينَ فِي ٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلۡبَأۡسِۗ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ١٧٧﴾[البقرة: 177]

«نیکی (فقط) این نیست که (برای نماز) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب بگردانید، بلکه نيكى آن است كه كسى به اللّٰه و روز قیامت و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورد و مال (خود) را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ‏ماندگان و درخواست کنندگان (گدایان) و در (راه آزادی) بردگان ببخشد و نماز برپا ‏دارد و زکات ‏بپردازد؛ و (نیز) کسانی که چون عهد می‌بندند به پیمان‌شان وفا می‌کنند و (کسانی که) در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام (شدت گرفتنِ) نبرد، (پایداری و) شکیبایی می‌کنند، آنان (که به این ویژگی‌‏ها آراسته‌اند) کسانی هستند که راست گفتند و همانان پرهیزگارانند».

اللّٰه ‌متعال به ایمان آوردن به این اصول فرا خوانده و تبیین نموده که هر کس به آن کفر ورزد، دچار گمراهی دور و درازی شده است، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِن قَبۡلُۚ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا١٣٦﴾ [النساء: 136]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به اللّٰه و پیامبرش و کتابی که بر فرستاده‌اش نازل کرده است و (به هر) کتابی که پیش از این فرستاده است، ایمان بیاورید (و بر آن پایدار باشید) و هرکس به اللّٰه و فرشتگانِ او و کتاب‏ها و پیامبرانش و روز قیامت کفر بورزد، بی‌تردید در گمراهی دور و درازی افتاده است».

و در حدیث، از عمر بن خطاب س روایت است که فرمود: (بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعَرِ لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخِذَيْهِ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنِ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» قَالَ: صَدَقْتَ قَالَ: فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ قَالَ: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» قَالَ: صَدَقْتَ قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ قَالَ: «أَنْ تَعْبُدَ اللهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»).

(روزی نزد پیامبر ج بودیم که ناگهان مردی با لباسی به شدت سفید و موی به شدت سیاه وارد شد که نه اثر سفر بر او دیده می‌شد و نه کسی از ما او را می‌شناخت، تا آن که نزد پیامبر ج (در روبرویش) نشست و زانوانش را به زانوان پیامبر چسباند و دستانش را بر روى ران‌هایش گذاشت و گفت: ای محمد، دربارۀ اسلام به من بگو؟ پس رسول ‌اللّٰه ج فرمود: «اسلام این است که شهادت دهی معبودی (به حق) جز اللّٰه نیست و اینکه محمد ج فرستادۀ اللّٰه است، و نماز را برپا بداری و زکات پرداخت کنی و رمضان را روزه بگیری و در صورت توانایی به حج خانه (کعبه) بروی». سپس گفت: راست گفتی، (عمر س می‌گوید: ‌) از کار او تعجب کردیم که سوال می‌پرسد و سپس می‌گوید راست گفتی! آنگاه گفت: پس دربارۀ ایمان به من بگو؟ فرمود: «اینکه به اللّٰه و ملائکۀ او و کتاب‌هایش و پیامبرانش و روز آخرت ایمان بیاوری و به تقدیر - خیر و شرش - ایمان بیاوری». آنگاه گفت: راست گفتی؛ سپس گفت: پس دربارۀ احسان به من بگو؟ فرمود: «این است که اللّٰه را طوری عبادت کنی که گویا او را می‌بینی، پس اگر او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند»). [صحیح مسلم (8)].

در این حدیث، جبرئیل نزد پیامبر ج آمد و دربارۀ مراتب دین یعنی اسلام و ایمان و احسان پرسید؛ و پیامبر ج به او پاسخ داد، سپس محمد ج به اصحابش ي خبر داد که این شخص جبرئیل ÷ بود و آمده بود تا (از طریق پرسیدن پرسش‌های مهم) دین‌شان را به آنان آموزش دهد. این اسلام است، پیامی الهی که جبرئیل ÷ (از آسمان به زمین) منتقل کرده و پیامبر ج به مردم ابلاغ کرده است؛ و اصحاب ایشان ي حفظش کرده و پس از ایشان به (سایر) مردم ابلاغ نمودند.

دوم: ایمان به ملائکه؛ عالم ملائکه عالمی غیبی است؛ اللّٰه آنان را آفریده و به شکلی معین قرار داده و کارهای بزرگی را بر عهدۀ آنان گذاشته است که از بزرگ‌ترین کارهای آنان، ابلاغ پیام‌های الهی به رسولان و پیامبران ﻹ است و گرامی‌ترین ملائکه، جبرئیل ÷ است؛ و از جمله آیاتی که بر نزول جبرئیل ÷ با وحی بر پیامبران علیهم الصلاة والسلام دلالت دارد، این آیات است که اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يُنَزِّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ بِٱلرُّوحِ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ أَنۡ أَنذِرُوٓاْ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱتَّقُونِ٢﴾ [النحل: 2]

«به فرمان خویش فرشتگان را با وحی بر هریک از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند (با این پیام) که: (ای پیامبران، مردم را از شرک ورزيدن به اللّٰه) بیم دهید (و به آنان بگویید که) معبودی (به‏ حق) جز من نیست، پس (ای مردم) از من پروا کنید».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٩٢ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ١٩٣ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ١٩٤ بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ١٩٥ وَإِنَّهُۥ لَفِي زُبُرِ ٱلۡأَوَّلِينَ١٩٦﴾ [الشعراء: 192-196]

«و همانا (این) قرآن نازل شده (از سوى) پروردگار جهانیان است (192) روح الامین (جبرئیل) آن را (از سوى پروردگار) فرود آورده است (193) بر قلب تو (نازل کرده) تا بیم‌دهنده باشی (194) (آن را) به زبان عربی روشن (نازل نمود) (195) و همانا، (بشارت نزول) آن، در کتاب‏های پيشين (آمده) است(196)».

سوم: ایمان به کتاب‌های الهی مانند تورات و انجیل و زبور - پیش از تحریف آن‌ها - و همچنین قرآن؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِن قَبۡلُۚ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا١٣٦﴾ [النساء: 136]

«ای ‌کسانی که ایمان آورده‌اید، به اللّٰه و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده است و (به هر) کتابی که پیش از این فرستاده است ایمان بیاورید (و بر آن پایدار باشید) و هرکس به اللّٰه و فرشتگانِ او و کتاب‏ها و پیامبرانش و روز قیامت کفر بورزد، بی‌تردید، در گمراهی دور و درازی افتاده است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿نَزَّلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ٣ مِن قَبۡلُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَۗ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ٤﴾ [آل عمران: 3-4]

«کتاب (قرآن) را که تصديق کننده‌ی کتاب‏های (آسمانی) پیشین است، به درستی بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را... (3) پیش از آن برای هدایت مردم نازل کرد و (همچنين) فرقان را (که جداکننده حق از باطل است) نازل نمود؛ همانا کسانی که به آیات اللّٰه کافر شدند، برای آنان عذاب سختی (در پیش) است و اللّٰه شکست‌ناپذیرِ انتقام‌گیرنده است(4)».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ٢٨٥﴾[البقرة: 285]

«رسول (اللّٰه) به آنچه كه از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و (همچنين) مؤمنان؛ همگی به اللّٰه و فرشتگان و کتاب‏ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند (و سخن‌شان این است که): میان هیچیک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم) و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم؛ پروردگارا، آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت (تمام امور) به سوی توست».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ٨٤﴾[آل عمران: 84]

«(ای پیامبر) بگو: به اللّٰه و به آنچه بر ما نازل شده است ایمان آوردیم و (همچنین به) آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبرانی که از نوادگان یعقوب) نازل گردیده است و آنچه كه بر موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده ايمان آورديم، میان هیچیک از آنان فرقی نمی‌گذاریم و تسلیم او هستیم».

چهارم: ایمان به همۀ انبیا و رسولان **ﻹ**؛ ایمان به همۀ انبیا و مرسلین ﻹ و اعتقاد به اینکه همۀ آنان فرستادگانی از سوی اللّٰه هستند و پیام‌های اللّٰه و شریعت او را به امت‌های‌شان می‌رسانند، واجب است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِيَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ١٣٦﴾[البقرة: 136]

«بگویید: ما به اللّٰه ایمان آورده‏‌ایم و به آنچه كه بر ما نازل شده است و به آنچه که بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان (یعقوب) نازل گردید و (همچنین) به آنچه که به موسی و عیسی داده شده است و به آنچه که به (دیگر) پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده است و میان هیچیک از ایشان تفاوت نمی‌گذاریم و ما (همگی) تسلیم اللّٰه هستیم».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ٢٨٥﴾ [البقرة: 285]

«رسول (اللّٰه) به آنچه كه از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان (نیز)؛ همگی به اللّٰه و فرشتگان و کتاب‌هايش و پیامبرانش ایمان آورده‌اند (و گفتند): میان هیچیک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم) و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم؛ پروردگارا، آمرزش تو را (مى‌طلبيم) و بازگشت (همه‌ى امور) به سوی توست».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ عَلَيۡنَا وَمَآ أُنزِلَ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ وَٱلۡأَسۡبَاطِ وَمَآ أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمۡ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّنۡهُمۡ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ٨٤﴾[آل عمران: 84]

«(اى پيامبر) بگو: به اللّٰه و آنچه بر ما نازل شده است ایمان آوردیم و (همچنین به) آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و (پیامبرانی که از) نوادگان (یعقوب بودند) نازل گردیده است و آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران از جانب پروردگارشان داده شده است، (ايمان آورده‌ايم و) میان هیچیک از آنان فرقی نمی‌گذاریم و تسلیم (اوامر) او هستیم».

و اینکه به خاتم پیامبران و رسولان یعنی محمد رسول ‌اللّٰه ج ایمان بیاورد، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ٨١﴾[آل عمران: 81]

«و (به ياد بياوريد) هنگامى كه اللّٰه از پیامبران عهد و پیمان گرفت (و فرمود: ‌) هرگاه به شما كتاب و حكمتى دادم سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، باید به او ایمان آورید و به او یاری رسانيد، (آنگاه) فرمود: آیا اقرار کردید و پیمان محکم مرا در این باره پذیرفتید؟ (آنان) گفتند: اقرار کردیم، (اللّٰه) فرمود: پس (بر خود و امت‏‌های‌تان) گواه باشید و من (نیز) با شما از گواهى‌دهندگانم».

بنابراین اسلام، ایمان آوردن به همۀ انبیا و رسولان را به طور کلی واجب می‌داند؛ و ایمان به خاتم آنان یعنی پیامبر خدا – محمد  ج - را نیز واجب می‌داند، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَسۡتُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ وَٱلۡإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡۗ …٦٨﴾[المائدة: 68]

«بگو: ای اهل کتاب تا (هنگامی که) به تورات و انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده‌اید، بر هیچ (آیین درستی) نیستید».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ ٱشۡهَدُواْ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ٦٤﴾[آل عمران: 64]

«بگو: ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است اینکه جز اللّٰه را عبادت نکنیم و چیزی را شریک او نسازیم؛ و بعضی از ما برخی دیگر را به جای اللّٰه به معبودى نگیرد، پس اگر (از این دعوت) روی گرداندند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم».

و هركسى كه به یک پیامبر کافر شود در حقیقت به همۀ انبیا و رسولان ﻹ کفر ورزیده است، از همین‌رو اللّٰه ‌متعال در حکم خود بر قوم نوح می‌فرماید:

﴿كَذَّبَتۡ قَوۡمُ نُوحٍ ٱلۡمُرۡسَلِينَ١٠٥﴾[الشعراء: 105]

«قوم نوح، پیامبران را دروغگو انگاشتند». مشخص است که پیش از نوح ÷ رسولی نبوده، با این همه همین که قومش او را تکذیب نمودند، این تکذیب، تکذیب همۀ انبیا و رسولان تلقی شد؛ زیرا دعوت و غایت همۀ پیامبران یکی است.

پنجم: ایمان به روز آخرت یعنی روز قیامت؛ در پایان زندگی دنیا، اللّٰه ‌متعال به اسرافیل که يكى از ملائکه است، امر می‌کند تا يكبار در صور بدمد، پس اولين نفخ دهشت‌آور را می‌دمد که باعث مدهوش شدن و مرگ هرکسی می‌شود که اللّٰه بخواهد، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ ٦٨﴾[الزمر: 68]

«و در صور دمیده می‌شود؛ آنگاه هر كسى که در آسمان‏ها و در زمین است، مدهوش شده (و مى‌ميرد)، مگر كسى كه اللّٰه بخواهد؛ آنگاه بار دیگر در آن دمیده می‌شود و ناگهان همگى (زنده مى‌شوند و) بر می‌خیزند و مى‌نگرند».

و وقتی همۀ کسانی که در آسمان و زمین هستند، جز آنكه اللّٰه بخواهد، مردند، اللّٰه آسمان‌ها و زمین را در هم می‌پیچد، چنانکه می‌فرماید:

﴿يَوۡمَ نَطۡوِي ٱلسَّمَآءَ كَطَيِّ ٱلسِّجِلِّ لِلۡكُتُبِۚ كَمَا بَدَأۡنَآ أَوَّلَ خَلۡقٖ نُّعِيدُهُۥۚ وَعۡدًا عَلَيۡنَآۚ إِنَّا كُنَّا فَٰعِلِينَ١٠٤﴾[الأنبياء: 104]

«روزی که آسمان را چون طوماری نوشته شده در هم می‌پیچیم (و) همانطور که نخستین (بار) آفرینش را آغاز کردیم، (بار دیگر) آن را باز می‌گردانیم، (این) وعده‌ای است بر عهدۀ ما که قطعاً انجامش خواهیم داد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٧﴾[الزمر: 67]

«و آنان اللّٰه را چنانكه سزاوار اوست، ارج ننهادند، حال آنکه در روز قیامت، زمین یک‌سره در قبضۀ اوست و آسمان‌ها در دست راست او درهم پیچیده خواهند شد، اللّٰه منزه و برتر است از آنچه شریک او می‌پندارند».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «يَطْوِي اللهُ عَزَّ وَجَلَّ السَّمَاوَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ الْجَبَّارُونَ؟ أَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ؟ ثُمَّ يَطْوِي الْأَرَضِينَ بِشِمَالِهِ ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ الْجَبَّارُونَ؟ أَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ؟» «اللّٰه ﻷ در روز قیامت آسمان‌ها را در هم می‌پیچد، سپس آن‌ها را در دست راست خود می‌گیرد، آنگاه می‌فرماید: من پادشاهم، کجایند ستمگران؟ کجایند متکبران؟ سپس زمین را به دست چپ خود گرفته، آنگاه می‌فرماید: من پادشاهم، کجایند ستمگران؟ کجایند متکبران؟». [به روایت مسلم].

سپس اللّٰه ‌متعال فرشته را امر می‌کند و بار دیگر در صور می‌دمد که ناگهان همگى (زنده مى‌شوند و) بر می‌خیزند و مى‌نگرند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿… ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ ٦٨﴾[الزمر: 68]

«آنگاه بار دیگر در آن دمیده می‌شود و ناگهان همگى (زنده مى‌شوند و) بر می‌خیزند و مى‌نگرند».

و هنگامی که اللّٰه ‌متعال مردم را برانگیخت، آنان را برای حسابرسی محشور می‌نماید، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَوۡمَ تَشَقَّقُ ٱلۡأَرۡضُ عَنۡهُمۡ سِرَاعٗاۚ ذَٰلِكَ حَشۡرٌ عَلَيۡنَا يَسِيرٞ٤٤﴾[ق: 44]

«روزی که زمین از (روی) آن‌ها شکافته شود (و آنان) شتابان (در ميان خاک‌ها بيرون مى‌آيند)، این (روز) گردآوری برای ما آسان است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَوۡمَ هُم بَٰرِزُونَۖ لَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِنۡهُمۡ شَيۡءٞۚ لِّمَنِ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَۖ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ ١٦﴾[غافر: 16]

«روزی كه مردم حاضر و نمایان می‌شوند و چیزی از آنان بر اللّٰه پوشیده نخواهد ماند، (اللّٰه می‌فرماید: ‌) امروز فرمانروایی از آن کیست؟ (آنگاه خود می‌فرماید: ‌) از آن اللّٰه یگانه‌ى پیروزمند است».

در این روز همۀ مردم مورد حسابرسی قرار می‌گیرند و برای هر مظلومى از ظالم قصاص گرفته می‌شود و هر كسى بر اساس آنچه انجام داده است، پاداش داده می‌شود؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡۚ لَا ظُلۡمَ ٱلۡيَوۡمَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ١٧﴾[غافر: 17]

«امروز هرکس در برابر آنچه انجام داده است، جزا و پاداش داده می‌شود؛ امروز هیچ ستمی نیست؛ بی‌گمان اللّٰه حسابرس سريعى است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖۖ وَإِن تَكُ حَسَنَةٗ يُضَٰعِفۡهَا وَيُؤۡتِ مِن لَّدُنۡهُ أَجۡرًا عَظِيمٗا٤٠﴾ [النساء: 40]

«بی‌گمان، اللّٰه به اندازۀ ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می‌کند و از پیشگاه خود (به آنان) پاداش بزرگی مى‌بخشد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرٗا يَرَهُۥ٧ وَمَن يَعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ شَرّٗا يَرَهُۥ٨﴾[الزلزلة: 7-8]

«پس هرکس به اندازۀ ذره‌ای کار نیک انجام داده باشد (پاداش) آن را خواهد ديد. و هرکس به اندازۀ ذره‌ای کار بدى کرده باشد، (کیفر) آن را خواهد ديد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَنَضَعُ ٱلۡمَوَٰزِينَ ٱلۡقِسۡطَ لِيَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ فَلَا تُظۡلَمُ نَفۡسٞ شَيۡـٔٗاۖ وَإِن كَانَ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٍ أَتَيۡنَا بِهَاۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ٤٧﴾[الأنبياء: 47]

«وما ترازوهای عدل را در روز قيامت خواهيم نهاد، پس به هیچکس کمترین ستمی نمی‌شود و اگر (کردارشان) همسنگ دانۀ خَردَلی باشد، آن را (به حساب) می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم».

پس از رستاخیز و حسابرسی، پاداش و جزاست، بنابراین هرکس عمل خیری انجام داده است، در نعمت‌های ماندگار و دائمی است که فناپذير نيستند؛ و هرکس مرتکب کار بد و کفر شده باشد، برای او عذاب (جنهم) خواهد بود. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٖ لِّلَّهِ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ٥٦ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ٥٧﴾[الحج: 56-57]

«فرمانروایی در آن روز، از آن اللّٰه است (و) میان آنان داوری می‌کند، کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در باغ‌های پرنعمت (بهشت) بسر خواهند برد. (56) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب خوارکننده‌ای خواهند داشت(57)».

و می‌دانیم که اگر زندگی دنیا پایان راه بود، زندگی و وجود (اين دنيا)، بیهودگی محض بود؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥﴾[المؤمنون: 115]

«آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و همانا شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!».

ششم: ایمان به قضا و قدر که عبارتست از: واجب بودن ایمان به اينكه اللّٰه ‌متعال هر آنچه را كه در این هستی بوده و هر آنچه كه خواهد بود، می‌داند؛ و همۀ آن‌ها را پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین نوشته است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَۚ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِۚ وَمَا تَسۡقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعۡلَمُهَا وَلَا حَبَّةٖ فِي ظُلُمَٰتِ ٱلۡأَرۡضِ وَلَا رَطۡبٖ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٥٩﴾[الأنعام: 59]

«و کلیدهای غيب نزد اوست و جز او هیچكس آن را نمی‌داند؛ و آنچه را كه در خشکی و دریاست می‌داند و هیچ برگى (از درختى) نمی‌افتد، مگر اينكه آن را می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‏‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست، مگر اينكه در كتابى واضح و آشكار (در لوح محفوظ به ثبت) رسيده است».

و اينكه علم اللّٰه ‌متعال همه چیز را در بر گرفته است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖ وَمِنَ ٱلۡأَرۡضِ مِثۡلَهُنَّۖ يَتَنَزَّلُ ٱلۡأَمۡرُ بَيۡنَهُنَّ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ وَأَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عِلۡمَۢا١٢﴾[الطلاق: 12]

«اللّٰه (همان) كسى است که هفت آسمان و همانند آن زمین را (نیز) آفريده است و فرمان (اللّٰه) پیوسته در میان آن‌ها نازل می‌شود، تا بدانید که اللّٰه بر همه چیز تواناست و اينكه علم اللّٰه همه چیز را فراگرفته است».

و در این هستی هیچ چیز رخ نمی‌دهد مگر اينكه اللّٰه آن را اراده کرده و خواسته و خلق نموده و اسباب آن را میسر ساخته است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِي لَهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَمۡ يَتَّخِذۡ وَلَدٗا وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ شَرِيكٞ فِي ٱلۡمُلۡكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيۡءٖ فَقَدَّرَهُۥ تَقۡدِيرٗا ٢﴾[الفرقان: 2]

«همان كسى که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و فرزندی (برای خویش) برنگزیده است و در فرمانروایی هیچ شریکی ندارد و همه چیز را آفریده و اندازۀ و تناسب هر چیز را دقيقاً اندازه‌گيرى نموده است».

و او در همۀ این كارها حکمتی بس رسا دارد که مردم نمی‌توانند به درک آن احاطه یابند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿حِكۡمَةُۢ بَٰلِغَةٞۖ فَمَا تُغۡنِ ٱلنُّذُرُ٥﴾[القمر: 5]

«این (نشانه‌ها) حکمتی بس رسا هستند، ولى (برای افراد بى‌باک و لجوج) هشدارها و بيم دادن‌ها سودی ندارند».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ٢٧﴾[الروم: 27]

«و او كسى است که آفرینش را آغاز كرده است، سپس آن را باز می‌گرداند و این (باز گرداندن) بر او آسان‌تر است و برترین و بالاترين وصف در آسمان‏ها و زمین متعلق به اوست و او شکست‌ناپذیر حکیم است».

اللّٰه ‌متعال خودش را به حکمت متصف کرده و خود را حکیم نامیده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ١٨﴾[آل عمران: 18]

«اللّٰه گواهی داده است که معبودی (بحق) جز او نیست و فرشتگان و علما (نیز بر اين مطلب گواهی می‌دهند) كه معبودی (بحق) جز او نیست و او شکست‌ناپذیرِ حکیم است».

و اللّٰه ‌متعال خبر داده که عیسی ÷ در روز قیامت خطاب به اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِن تُعَذِّبۡهُمۡ فَإِنَّهُمۡ عِبَادُكَۖ وَإِن تَغۡفِرۡ لَهُمۡ فَإِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ١١٨﴾[المائدة: 118]

«اگر آنان را (با عدالت خویش) عذاب دهى، بندگان تو هستند و اگر آنان را (با رحمت خويش) ببخشایی، تویی که شکست‌ناپذیر حکیم هستى». و اللّٰه ‌متعال هنكامى كه موسی ÷ در کنار کوه طور قرار داشت و او را ندا داد و به وی فرمود:

﴿يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٩﴾ [النمل: 9]

«ای موسی! همانا من اللّٰه، پیروزمندِ حکیم هستم».

و همچنین قرآن بزرگ را به حکمت توصيف نموده و فرموده است:

﴿الٓرۚ كِتَٰبٌ أُحۡكِمَتۡ ءَايَٰتُهُۥ ثُمَّ فُصِّلَتۡ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ١﴾[هود: 1]

«الر (الف. لام. را)، این (قرآن) كتابى است كه آیات آن استحكام یافته است، سپس از جانب حكیمى آگاه، به روشنى بیان شده است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ذَٰلِكَ مِمَّآ أَوۡحَىٰٓ إِلَيۡكَ رَبُّكَ مِنَ ٱلۡحِكۡمَةِۗ وَلَا تَجۡعَلۡ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتُلۡقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومٗا مَّدۡحُورًا٣٩﴾[الإسراء: 39]

«این (احكام) از جمله حکمت‌هایی است که از جانب پروردگارت به تو وحی شده است و هرگز معبود دیگری را با اللّٰه قرار نده که نکوهیده و رانده شده به دوزخ افكنده مى‌شوى».

22- پیامبران در آنچه از سوی اللّٰه ابلاغ می‌کنند معصومند؛ و از هر آنچه مخالف با عقل یا اخلاق سلیم است معصومند؛ و مکلفند تا اوامر اللّٰه را به بندگانش برسانند؛ و پیامبران از هيچ ویژگی ربوبیت و الوهیت برخوردار نیستند؛ بلکه همانند دیگر انسان‌ها هستند با این تفاوت که خداوند پیامش را به آنان وحی كرده است.

و پیامبران دربارۀ آنچه از سوی اللّٰه ابلاغ می‌کنند معصومند؛ زیرا اللّٰه ‌متعال بهترین بندگانش را برای تبلیغ پيامش بر می‌گزیند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ يَصۡطَفِي مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلٗا وَمِنَ ٱلنَّاسِۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ٧٥﴾[الحج: 75

«اللّٰه از فرشتگان رسولانی را بر می‌گزیند و (نیز) از (ميان) مردم؛ بی‌گمان اللّٰه شنوای بیناست».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَنُوحٗا وَءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ وَءَالَ عِمۡرَٰنَ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ٣٣﴾[آل عمران: 33]

«به راستی که اللّٰه آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّي ٱصۡطَفَيۡتُكَ عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِي وَبِكَلَٰمِي فَخُذۡ مَآ ءَاتَيۡتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ١٤٤﴾[الأعراف: 144]

«(اللّٰه) فرمود: ای موسی! من تو را با پیام‌هايم و کلام خویش بر مردمان (برترى دادم و) برگزیدم، پس آنچه را به تو داده‌ام بگیر و از سپاسگزاران باش».

و پیامبران ﻹ می‌دانستند آنچه بر آنان نازل می‌شود وحی الهی است؛ و فرشته‌ای را که با وحی نازل می‌شد، می‌ديدند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ فَلَا يُظۡهِرُ عَلَىٰ غَيۡبِهِۦٓ أَحَدًا٢٦ إِلَّا مَنِ ٱرۡتَضَىٰ مِن رَّسُولٖ فَإِنَّهُۥ يَسۡلُكُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ رَصَدٗا٢٧ لِّيَعۡلَمَ أَن قَدۡ أَبۡلَغُواْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّهِمۡ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيۡهِمۡ وَأَحۡصَىٰ كُلَّ شَيۡءٍ عَدَدَۢا٢٨﴾[الجن: 26-28]

«(اللّٰه) آگاه بر غیب است و هيچكس را بر غیب خويش آگاه نمی‌سازد (26) مگر پيامبرى که اللّٰه وى را برگزیده باشد که بی‌گمان از پیش و روی او نگهبانی (از فرشتگان) می‌گمارد (27) تا معلوم کند که (پیامبران) پيام‌‏های پروردگارشان را ابلاغ کرده‌اند و (اللّٰه) به آنچه نزد آن‌هاست احاطه دارد و تعداد هر چیزی را برشمرده است».

و اللّٰه پیامبران را به تبلیغ پيام‌هايش امر کرده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغۡ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ وَإِن لَّمۡ تَفۡعَلۡ فَمَا بَلَّغۡتَ رِسَالَتَهُۥۚ وَٱللَّهُ يَعۡصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ٦٧﴾[المائدة: 67]

«ای پیامبر! آنچه را كه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است (به مردم) ابلاغ کن؛ و اگر چنین نکنی، رسالت او را نرسانده‌ای؛ و اللّٰه تو را از (گزند) مردم حفظ می‌کند، همانا اللّٰه گروه کافران را هدایت نمی‌کند».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿رُّسُلٗا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى ٱللَّهِ حُجَّةُۢ بَعۡدَ ٱلرُّسُلِۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمٗا ١٦٥﴾ [النساء: 165]

«پیامبرانى (را فرستادیم) كه بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند تا براى مردم پس از (بعثت اين) پیامبران، در مقابل اللّٰه (هيچگونه) حجتى نباشد و اللّٰه همواره پیروزمند حكیم است».

پیامبران ﻹ به شدت از اللّٰه بيم دارند و از او می‌ترسند، درنتیجه چیزی به پيام‌هاى الهى نمی‌افزایند و چیزی از آن‌ها نمی‌کاهند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوۡ تَقَوَّلَ عَلَيۡنَا بَعۡضَ ٱلۡأَقَاوِيلِ ٤٤ لَأَخَذۡنَا مِنۡهُ بِٱلۡيَمِينِ٤٥ ثُمَّ لَقَطَعۡنَا مِنۡهُ ٱلۡوَتِينَ٤٦ فَمَا مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ عَنۡهُ حَٰجِزِينَ٤٧﴾[الحاقة: 44-47]

«و اگر (پیامبر) سخنانی (به دروغ) بر ما می‌بست (44) مسلّماً ما دست راست او را می‌گرفتیم (45) سپس (شاه) رگ قلبش را قطع می‌کردیم (46) و كسى از شما نمی‌توانست مانع او گردد (47)».

ابن ‌کثیر / می‌گوید: «اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَوۡ تَقَوَّلَ عَلَيۡنَا بَعۡضَ ٱلۡأَقَاوِيلِ ٤٤ ﴾[الحاقة: 44]

«اگر سخنانی (به دروغ) بر ما می‌بست» یعنی: محمد ج چنانكه اينها به دروغ ادعا می‌کنند، به دروغ چیزی را به ما نسبت می‌داد و بر رسالت چیزی می‌افزود یا چیزی از آن می‌کاست و یا چیزی از خود می‌گفت و به ما نسبت می‌داد -درحالی‌که چنین نیست- فوری او را مجازات می‌کردیم، چنین است كه می‌فرماید:

﴿ لَأَخَذۡنَا مِنۡهُ بِٱلۡيَمِينِ٤٥ ﴾[الحاقة: 45]

گفته شده: یعنی: با دست راست از او انتقام می‌گرفتیم؛ زیرا در گرفتن شدیدتر است؛ و گفته شده: دست راست او را می‌گرفتیم.

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَى ٱبۡنَ مَرۡيَمَ ءَأَنتَ قُلۡتَ لِلنَّاسِ ٱتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيۡنِ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالَ سُبۡحَٰنَكَ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنۡ أَقُولَ مَا لَيۡسَ لِي بِحَقٍّۚ إِن كُنتُ قُلۡتُهُۥ فَقَدۡ عَلِمۡتَهُۥۚ تَعۡلَمُ مَا فِي نَفۡسِي وَلَآ أَعۡلَمُ مَا فِي نَفۡسِكَۚ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّٰمُ ٱلۡغُيُوبِ١١٦ مَا قُلۡتُ لَهُمۡ إِلَّا مَآ أَمَرۡتَنِي بِهِۦٓ أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمۡۚ وَكُنتُ عَلَيۡهِمۡ شَهِيدٗا مَّا دُمۡتُ فِيهِمۡۖ فَلَمَّا تَوَفَّيۡتَنِي كُنتَ أَنتَ ٱلرَّقِيبَ عَلَيۡهِمۡۚ وَأَنتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ١١٧﴾[المائدة: 116-117]

«و (به یاد آور) آنگاه که اللّٰه (در روز قیامت) خطاب به عیسی پسر مریم می‌فرمايد: آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را به عنوان دو معبود به جای اللّٰه قرار دهید؟ (آنگاه عیسی ÷ می‌گوید: ‌) تو پاک و منزهی! سزاوار من نیست که جز حق به آن‌ها بگویم، اگر چنين گفته باشم، به طور قطع آن را می‌دانستی، تو از آنچه كه در نفس من است اطلاع دارى و من از آنچه در نفس توست اطلاع ندارم، به راستی که تو از هر نهان آگاه هستی (116) به مردم چیزی نگفتم جز آنچه مرا به گفتن آن فرمان دادی؛ که اللّٰه پروردگار من و پروردگارتان را عبادت کنید و تا مدتی که در میان آنان بودم شاهد و گواه‌شان بودم، پس هنگامی که مرا گرفتی (و به آسمان بالا بردی) خود نگهبان اعمال‌شان بودی و تو بر هر چیزى گواهی».

و از فضل و بخشش اللّٰه ‌متعال بر انبیا و رسولانش ﻹ است که آنان را در ابلاغ رسالت‌شان پایدار می‌گرداند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعۡتَرَىٰكَ بَعۡضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٖۗ قَالَ إِنِّيٓ أُشۡهِدُ ٱللَّهَ وَٱشۡهَدُوٓاْ أَنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ٥٤ مِن دُونِهِۦۖ فَكِيدُونِي جَمِيعٗا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ٥٥ إِنِّي تَوَكَّلۡتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمۚ مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَآۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٥٦﴾[هود: 54-56]

«(هود) گفت: همانا من اللّٰه را گواه می‌گیرم و شما هم گواه باشید که من از آنچه شریک (اللّٰه) قرار مى‌دهيد، بیزارم (54) غیر از اللّٰه؛ پس همگی علیه من نیرنگ کنید، سپس مهلتم ندهید (55) من بر اللّٰه که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام؛ هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر اينكه تحت فرمان اوست، بی‌گمان پروردگارم بر راه راست است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِن كَادُواْ لَيَفۡتِنُونَكَ عَنِ ٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ لِتَفۡتَرِيَ عَلَيۡنَا غَيۡرَهُۥۖ وَإِذٗا لَّٱتَّخَذُوكَ خَلِيلٗا٧٣ وَلَوۡلَآ أَن ثَبَّتۡنَٰكَ لَقَدۡ كِدتَّ تَرۡكَنُ إِلَيۡهِمۡ شَيۡـٔٗا قَلِيلًا٧٤ إِذٗا لَّأَذَقۡنَٰكَ ضِعۡفَ ٱلۡحَيَوٰةِ وَضِعۡفَ ٱلۡمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيۡنَا نَصِيرٗا ٧٥﴾[الإسراء: 73-75]

«و (ای پیامبر) نزدیک بود (مشرکان با وسوسه‌های خود) تو را از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم، منصرف کنند تا غیر قرآن را به ما نسبت دهی و آنگاه تو را دوست خود بگیرند (73) و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌کردیم، به راستی نزدیک بود اندکی به آنان تمایل نشان دهى (74) (اگر چنین می‌کردی) آنگاه دو چندان عذاب در زندگی دنیا و دو چندان عذاب (بعد از) مرگ را به تو می‌چشاندیم، سپس در برابر ما برای خود یاوری نمی‌یافتی».

این آیات و آیات پیشین گواه و دلیلی است بر اینکه قرآن از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است؛ زیرا اگر این قرآن از سوی محمد ج بود، هرگز دربردارنده‌ی چنین سخنانی متوجه او نبود.

اللّٰه سبحانه و تعالی پیامبرانش را از گزند مردم حفظ می‌کند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغۡ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ وَإِن لَّمۡ تَفۡعَلۡ فَمَا بَلَّغۡتَ رِسَالَتَهُۥۚ وَٱللَّهُ يَعۡصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ٦٧﴾[المائدة: 67]

«ای ‌پیامبر، آنچه را كه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن؛ و اگر اين كار را نکنی، رسالت او را نرسانده‌ای و اللّٰه تو را از (گزند) مردم حفظ می‌کند؛ بی‌تردید اللّٰه گروه کافران را هدایت نمی‌کند».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ وَٱتۡلُ عَلَيۡهِمۡ نَبَأَ نُوحٍ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦ يَٰقَوۡمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيۡكُم مَّقَامِي وَتَذۡكِيرِي بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَعَلَى ٱللَّهِ تَوَكَّلۡتُ فَأَجۡمِعُوٓاْ أَمۡرَكُمۡ وَشُرَكَآءَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُنۡ أَمۡرُكُمۡ عَلَيۡكُمۡ غُمَّةٗ ثُمَّ ٱقۡضُوٓاْ إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ٧١﴾[يونس: 71]

«(ای پیامبر) سرگذشت نوح را براى آنان بخوان، آنگاه كه به قومش گفت: اى قوم من، اگر ماندن من (در میان‌تان) و اندرز دادن من (به شما) با آیات اللّٰه، بر شما گران آمده است، (بدانید كه من) بر اللّٰه توكل كرده‌ام، شما تدبیر (و اندیشه‌ی) خود و معبودهای‌تان را جمع کنید، سپس هیچ چیز از کارهای‌تان بر شما پوشیده نماند، آنگاه به سوی من هجوم آورید و (لحظه‌ای) مرا مهلت ندهید».

اللّٰه ‌متعال سخن موسی ÷ را اينگونه نقل می‌کند:

﴿قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفۡرُطَ عَلَيۡنَآ أَوۡ أَن يَطۡغَىٰ٤٥ قَالَ لَا تَخَافَآۖ إِنَّنِي مَعَكُمَآ أَسۡمَعُ وَأَرَىٰ ٤٦﴾ [طه: 45-46]

«(موسى و هارون) گفتند: پروردگارا ما می‌ترسيم که بر ما پیش‌دستی كند یا طغیان کند (و به ما آسيبى برساند) (45) (اللّٰه) فرمود: نترسید یقیناً من همراه‌تان هستم (و همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم».

بنابراین اللّٰه ‌متعال بیان نموده که پیامبرانش را از گزند دشمنان‌شان حفظ نموده و زیانی به آنان نخواهند رساند؛ همچنين اللّٰه ‌متعال بیان نموده که وحی خود را حفظ خواهد کرد و چیزی به آن افزوده یا از آن کم نمی‌شود؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩﴾[الحجر: 9]

«همانا ما قرآن را نازل کردیم، و قطعاً ما نگهبان آن مى‌باشيم».

و پیامبران ﻹ از هر آنچه مخالف عقل یا اخلاق باشد، معصوم و به دورند، اللّٰه ‌متعال در تزکیۀ پیامبرش محمد ج می‌فرماید

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ٤﴾[القلم: 4]

«و یقیناً تو (اى محمد) داراى اخلاق بسیار نیکو و والایی هستى». و همچنین دربارۀ ایشان می‌فرماید:

﴿وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجۡنُونٖ٢٢﴾[التكوير: 22]

«(و اى ‌مردم) همنشین شما (محمد) دیوانه نیست».

و این برای آن است که به بهترین نحو، به ادای رسالت بپردازند؛ و پیامبران ﻹ مکلف به ابلاغ دستورات اللّٰه ‌متعال به بندگانش هستند و هیچیک از ویژگی‌های ربوبیت یا الوهیت را ندارند؛ بلکه همانند دیگر انسان‌ها هستند، (با این تفاوت که) اللّٰه پیام‌های خود را به آنان وحی می‌کند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قَالَتۡ لَهُمۡ رُسُلُهُمۡ إِن نَّحۡنُ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦۖ وَمَا كَانَ لَنَآ أَن نَّأۡتِيَكُم بِسُلۡطَٰنٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ١١﴾[إبراهيم: 11]

«پیامبران‌شان به آنان گفتند: ما جز انسان‏‌هایی مانند شما نیستیم، ولی اللّٰه بر هركس از بندگانش که بخواهد منت (نبوت را) می‌نهد؛ و سزاوار نیست که ما جز به اجازۀ اللّٰه دلیلی برای شما بیاوریم؛ و مؤمنان باید بر اللّٰه توکل کنند».

اللّٰه ‌متعال نیز پیامبرش محمد ج را امر نموده که به قوم خود بگوید:

﴿قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۖ فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا١١٠﴾[الكهف: 110]

«(ای پیامبر) بگو: من فقط انسانى همچون شما هستم (با اين تفاوت كه) بر من وحی می‌شود که تنها معبودتان، اللّٰه یکتاست؛ پس هرکس كه به دیدار پروردگارش (در آخرت) امیدوار است، باید کار شایسته انجام دهد و هیچکس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد».

23- اسلام مردم را به عبادت موحدانه‌ی اللّٰه، از طریق عبادت‌های اصلی فرا می‌خواند که عبارتند از: نماز که شامل قیام، رکوع، سجود، یاد اللّٰه، ثنا و دعای اوست و انسان روزانه پنج بار آن را ادا مى‌كند و در هنگام اداى آن در صف نماز همۀ تفاوت‌ها میان ثروتمند و فقیر و رئیس و زیردست از بین می‌رود؛ و زکات که مقدار کمی از مال است - و بر اساس شروط و مقادیری که اللّٰه آن‌ها را قرار داده - در اموال ثروتمندان واجب است که از آنان گرفته شده به فقيران و دیگر مستحقان داده می‌شود؛ و تنها سالى يک بار پرداخت می‌شود؛ و روزه که به معنای خودداری از باطل کننده‌های روزه در روزهاى ماه رمضان (از طلوع فجر تا غروب خورشید) است؛ و باعث پرورش اراده و صبر در نفس بشری می‌شود؛ و حج که به معنای قصد بیت اللّٰه در مکۀ مکرمه برای یک بار در طول عُمر انسان برای شخصی واجب است که توانایی اداى آن را دارد؛ و در حج، همۀ مردم در روی آوردن به سوی خالق متعال برابرند و همۀ تفاوت‌ها و وابستگى‌ها از بین می‌رود.

اسلام از طریق عبادت‌های بزرگ و دیگر عبادات، (انسان) را به عبادت اللّٰه فرا می‌خواند؛ و اللّٰه ‌متعال این عبادت‌های بزرگ را بر همۀ انبیا و رسولان ﻹ واجب نموده است؛ و بزرگ‌ترین عبادات عبارتند از:

اول: نماز که اللّٰه ‌متعال بر مسلمانان فرض نموده است چنانكه بر دیگر انبیا و رسولان ﻹ فرض نموده بود؛ و اللّٰه پیامبرش ابراهیم خلیل ÷ را امر نمود تا خانۀ او را برای طواف کنندگان و نمازگزاران که برای اللّٰه رکوع و سجده می‌کنند، پاک سازد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ وَأَمۡنٗا وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِـۧمَ مُصَلّٗىۖ وَعَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ١٢٥﴾ [البقرة: 125]

«و (به یاد آوريد) هنگامی که خانۀ (کعبه) را محل بازگشت و (مکان) امنى برای مردم قرار دادیم و مقام ابراهیم را نمازگاهی براى خود برگزينيد؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل وحی کردیم که: خانۀ مرا برای طواف‏ کنندگان و مُعتکفان و رکوع و سجده‌کنندگان پاک و پاکیزه کنید».

همچنین اللّٰه ‌متعال در نخستین ندایش خطاب به موسی ÷ نماز را بر او واجب گرداند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنِّيٓ أَنَا۠ رَبُّكَ فَٱخۡلَعۡ نَعۡلَيۡكَ إِنَّكَ بِٱلۡوَادِ ٱلۡمُقَدَّسِ طُوٗى ١٢ وَأَنَا ٱخۡتَرۡتُكَ فَٱسۡتَمِعۡ لِمَا يُوحَىٰٓ١٣ إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ١٤﴾[طه: 12-14]

«به راستی، من پروردگارت هستم؛ پس كفش‌هايت را درآور (که) تو در سرزمین مقدس «طُوی» هستی (12) و من تو را (به پیامبری) برگزیدم؛ پس به آنچه (بر تو) وحی می‌شود گوش فرا ده (13) همانا من اللّٰه هستم که معبود (بحقى) جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کن و نماز را براى ياد من برپا بدار».

و عيسى مسیح ÷ نیز خبر داده که اللّٰه او را به نماز و زکات امر نموده است؛ چنانكه اللّٰه ‌متعال خبر می‌دهد:

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيۡنَ مَا كُنتُ وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيّٗا٣١﴾[مريم: 31]

«و مرا هر جا که باشم پر برکت و فرخنده قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات توصيه نموده است».

و نماز در اسلام شامل قیام و رکوع و سجود و یاد اللّٰه و ثنای او و دعاست که انسان روزی پنج بار آن را به جاى می‌آورد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿حَٰفِظُواْ عَلَى ٱلصَّلَوَٰتِ وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ وَقُومُواْ لِلَّهِ قَٰنِتِينَ٢٣٨﴾[البقرة: 238]

«بر (اداى) همۀ نمازها و (بويژه) نماز میانه (عصر) کوشا باشید و با فروتنی و فرمانبرداری برای اللّٰه به پا خیزید».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ إِلَىٰ غَسَقِ ٱلَّيۡلِ وَقُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِۖ إِنَّ قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ كَانَ مَشۡهُودٗا٧٨﴾ [الإسراء: 78]

«نماز را از زوال خورشید (در هنگام ظهر) تا تاریکی (اول) شب (نماز مغرب، سپس نماز عشاء را) برپا دار و (به ویژه) قرآن فجر (نماز صبح) را، همانا که قرآن فجر (و نماز صبح) مورد مشاهده (و حضور فرشتگان روز و شب) است».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظِّمُوا فِيهِ الرَّبَّ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِنٌ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ». «در رکوع پروردگار ﻷ را تعظیم گویید و در سجود، بسیار دعا گویید؛ زیرا شایسته است که (در اين حالت) دعاهای‌تان مستجاب گردند». [صحیح مسلم].

دوم: زکات از جمله فرايضى است که اللّٰه ‌متعال آن را بر مسلمانان فرض کرده است، چنانکه آن را بر انبیا و رسولان پیشین ﻹ فرض کرده است؛ و آن مقدار اندكى از مال - بر اساس شروط و مقادیری که اللّٰه ‌متعال قرار داده است - و در اموال ثروتمندان واجب شده که به فقيران و دیگر مستحقان، سالى يک بار داده می‌شود؛ اللّٰه ‌متعال مى‌فرمايد:

﴿خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ لَّهُمۡۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ١٠٣﴾[التوبة: 103]

«از اموال آنان زكات (و صدقه) بگیر تا به وسیلۀ آن، آنان را پاک گردانی و آنان را تزكيه كنى؛ و برای‌شان دعا و طلب آمرزش کن (چرا که) یقیناً دعا و طلب آمرزش تو به آنان آرامش مى‌دهد و اللّٰه شنوای داناست».

و هنگامی که پیامبر ج معاذ س را به یمن فرستاد، خطاب به ایشان فرمود: «تو نزد مردمانى از اهل کتاب می‌روی پس آنان را به این دعوت کن که گواهی دهند معبودی (به حق) جز اللّٰه نیست و اینکه من فرستادۀ اللّٰه هستم؛ پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند، آنان را آگاه کن که اللّٰه ﻷ پنج نماز در هر شبانه‌روز بر آنان فرض كرده است، پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند، آنان را آگاه کن که اللّٰه ﻷ زكاتى را در اموال آنان فرض نموده که از ثروتمندان آنان گرفته می‌شود و به فقرای‌شان باز گردانده می‌شود، پس اگر در این باره از تو اطاعت کردند، زنهار که به اموال نفیس آنان نزدیک شوی و از دعای مظلوم بترس که میان آن و اللّٰه ﻷ پرده و حجابی نیست». [ترمذی آن را روايت كرده است، (625)].

سوم: اللّٰه ‌متعال روزه را بر مسلمانان فرض نموده است؛ چنانكه بر انبیا و رسولان پیشین فرض کرده بود؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ١٨٣﴾ [البقرة: 183]

«ای ‌کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شده است، همانگونه که بر مردمان پیش از شما، واجب شده بود؛ شايد پرهیزگار شوید».

و روزه [رمضان] عبارتست از: دوری از باطل‌کننده‌های آن در روز رمضان؛ و روزه اراده و صبر را در نفس انسان پرورش می‌دهد.

رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ يَدَعُ شَهْوَتَهُ وَأَكْلَهُ وَشُرْبَهُ مِنْ أَجْلِي وَالصَّوْمُ جُنَّةٌ وَلِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ حِينَ يُفْطِرُ وَفَرْحَةٌ حِينَ يَلْقَى رَبَّهُ». «اللّٰه ﻷ می‌فرماید: روزه برای من است و من پاداش آن را می‌دهم؛ (زيرا) روزه‌دار شهوت، غذا و نوشیدنی‌اش را بخاطر من ترک می‌كند؛ و روزه سپر است و روزه‌دار دو شادی دارد: شادمانی در هنگام افطارى و بار دیگر در هنگام ملاقات پروردگارش شاد مى‌شود». [صحيح بخاری (7492)].

چهارم: حج را اللّٰه ‌متعال بر مسلمانان فرض نموده، چنانکه بر انبیا و رسولان ‌پیشین ﻹ فرض کرده بود؛ و اللّٰه پیامبرش ابراهیم خلیل ÷ را امر نمود تا مردم را به ادای حج فراخواند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَجِّ يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٖ٢٧﴾ [الحج: 27]

«(اى ‌پيامبر) در ميان مردم نداى حج فرا بده؛ تا (مردمان مسلمان) پیاده و سواره بر شتران باريک اندام (مخصوص پيمودن راه‌هاى دور يا هر وسيله‌ى نقليه‌ى ديگرى)، از هر راه دوری به سوى شما بشتابند».

و اللّٰه ‌متعال ابراهيم ÷ را امر نمود تا خانۀ عتیق (کعبه) را برای حاجیان پاک و مطهر سازد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡـٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ٢٦﴾ [الحج: 26]

«(اى پيامبر یاد کن) آنگاه که مكان خانۀ (کعبه) را برای ابراهیم تعیین کردیم (و به وى گفتیم): چیزی را شریک من قرار نده و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک گردان».

حج به معنای قصد نمودن خانۀ اللّٰه ‌متعال در مکۀ مکرمه برای انجام اعمالی مشخص برای يكبار در عمر توسط شخص توانای مستطیع است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗاۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٩٧﴾[آل عمران: 97]

«و حج اين خانه، واجب الهى بر مردمانى است كه توانايى (مالى و بدنى براى اداى آن) را دارند؛ و هركسى که (توانايى داشته باشد و حج را بجاى نياورد و) کفر ورزى كند، بى‌گمان اللّٰه از همه‌ى جهانیان بی‌نیاز است».

در مراسم حج، حاجيان مسلمانان در یک مکان معين جمع می‌شوند؛ درحالی‌که عبادت‌شان را خالصانه برای اللّٰه انجام می‌دهند؛ و همۀ حاجيان حج را با یک روش انجام می‌دهند، بطوريكه همۀ تفاوت‌های محیطی، فرهنگی و طبقاتى در میان آنان از بین می‌رود.

24- از بزرگ‌ترین ویژگی‌های عبادت در اسلام این است که کیفیت و وقت و شروط آن را اللّٰه سبحانه و تعالی مشروع نموده و پیامبر او ج آن را ابلاغ کرده و تا به امروز هیچ بشری چیزی به آن نیفزوده و از آن نکاسته است؛ و همۀ پیامبران ﻹ (ملت‌هاى خود را) به این عبادت‌های بزرگ فراخوانده‌اند.

از بزرگ‌ترین ویژگی‌های عبادات در اسلام این است که کیفیت و وقت و شروط آن را اللّٰه سبحانه و تعالی تشریع نموده و پیامبر او ج آن را ابلاغ نموده و تا امروز هیچ بشری چیزی به آن نیفزوده و از آن نکاسته است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿… ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ …٣﴾ [المائدة: 3]

«امروز دین‌تان را برای‌تان کامل ساختم و نعمتم را بر شما به اتمام رساندم و برای شما دين اسلام را برگزيدم».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿فَٱسۡتَمۡسِكۡ بِٱلَّذِيٓ أُوحِيَ إِلَيۡكَۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ٤٣﴾ [الزخرف: 43]

«پس به آنچه بر تو وحی شده است، تمسّک بجوی که بی‌گمان تو بر راه راست قرار داری».

و اللّٰه ‌متعال دربارۀ نماز می‌فرماید:

﴿فَإِذَا قَضَيۡتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ قِيَٰمٗا وَقُعُودٗا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمۡۚ فَإِذَا ٱطۡمَأۡنَنتُمۡ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَۚ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا١٠٣﴾[النساء: 103]

«پس چون نماز را به پایان رساندید، اللّٰه را (در همه حال) ایستاده و نشسته و (خوابيده) بر پهلوی خويش یاد کنید؛ و هرگاه اطمينان خاطر حاصل كرديد (و ترستان از بین رفت)، نماز را (بطور کامل) برپا دارید (چرا که) بی‌گمان، نماز (فریضه‌ای است که) در اوقات معیّنی بر مؤمنان واجب شده است».

اللّٰه ‌متعال دربارۀ مستحقان زکات می‌فرماید:

﴿۞ إِنَّمَا ٱلصَّدَقَٰتُ لِلۡفُقَرَآءِ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡعَٰمِلِينَ عَلَيۡهَا وَٱلۡمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمۡ وَفِي ٱلرِّقَابِ وَٱلۡغَٰرِمِينَ وَفِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِۖ فَرِيضَةٗ مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ٦٠﴾[التوبة: 60]

«همانا زکات به فقیران و مستمندان و کارگزاران (جمع آوران و توزیعِ كنندگان) آن و دلجویی شدگان (براى پذيرش اسلام) و برای (آزاد کردن) بردگان و (پرداخت بدهى) بدهکاران و (جهادگران) در راه اللّٰه (و نشر دين اسلام) و (کمک به مسافران) در راه مانده است، (این) فریضه‌ای (مقرر شده) از جانب اللّٰه مى‌باشد و اللّٰه دانای حکیم است».

و اللّٰه ‌متعال دربارۀ روزه می‌فرماید:

﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ وَلِتُكۡمِلُواْ ٱلۡعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمۡ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ١٨٥﴾[البقرة: 185]

«ماه رمضان، (ماهی) است که قرآن در آن نازل شده است، (قرآنى) که هدايتگر مردم است و دلایل آشکاری از هدایت (در درون خود دارد) و جداکننده (حق از باطل) است، پس هر كسى از شما (که مُقیم و سالم باشد و) این ماه را دریابد، باید در آن روزه‌دار باشد و هر كسى که بیمار یا در سفر باشد، (باید به تعداد روزهایی که بيمار بوده يا در سفر بوده و روزه نگرفته است) روزهای دیگری (را روزه بگیرد)، اللّٰه (با قرار دادن این احکام) برای‌تان آسانی می‌خواهد و برای‌تان دشواری نمی‌خواهد؛ تا تعداد (روزهاى رمضان) را کامل کنید؛ و اللّٰه را برای آنكه هدایت‌تان نموده، به بزرگی یاد کنید، شايد شکر گزار باشيد».

و اللّٰه ‌متعال دربارۀ حج می‌فرماید:

﴿ٱلۡحَجُّ أَشۡهُرٞ مَّعۡلُومَٰتٞۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلۡحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّۗ وَمَا تَفۡعَلُواْ مِنۡ خَيۡرٖ يَعۡلَمۡهُ ٱللَّهُۗ وَتَزَوَّدُواْ فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ١٩٧﴾[البقرة: 197]

[البقرة: 197] «حج در ماه‏‌های معلوم و مشخصى است؛ پس کسی که در این ماه‌ها حج را (بر خود) واجب گرداند، (باید) در حج نه آمیزش جنسی و نه (ارتکاب) گناه‌ و نه جدال انجام دهد؛ و آنچه از کارهای نیک انجام دهید، اللّٰه آن‌ها را می‌داند؛ و توشه برگیرید كه بهترین توشه پرهیزگاری است و ای خردمندان از من بپرهیزید».

و همۀ پیامبران به سوى اين عبادت‌هاى بزرگ فراخوانده‌اند.

25- پیامبر اسلام، محمد بن عبداللّٰه ج از نسل اسماعیل بن ابراهیم -علیهما السلام- است؛ ایشان در سال ۵۷۱ میلادی در مکه دیده به جهان گشود و در همین شهر به پیامبری مبعوث شده و سپس به مدینه مهاجرت کرد؛ و در بت‌پرستى با قوم خود همراه نشد، اما در کارهای ارزشمند با آنان همکاری می‌کرد و پیش از بعثت نیز دارای اخلاقی والا بود و قومش او را «امین» می‌نامیدند؛ با رسیدن وی به چهل سالگی، اللّٰه ‌متعال ایشان را به پیامبری مبعوث نمود و با (معجزات) و نشانه‌هاى بزرگى وى را تأیید کرد که بزرگ‌ترین این معجزات، قرآن کریم است؛ قرآن كريم، بزرگ‌ترین معجزۀ تمام پیامبران و تنها معجزه‌ی باقیمانده از پیامبران (پيشين) تا امروز است؛ پس از آنکه اللّٰه ‌متعال به واسطۀ ایشان دین را کامل نمود و رسول ‌اللّٰه ج دین را به بهترین شکل ابلاغ نمود، در سن شصت و سه سالگی وفات نمود و در مدینه به خاک سپرده شد؛ محمد ج خاتم انبیا و مرسلین است که اللّٰه او را با هدایت و دین حق فرستاد تا مردم را از تاریکی‌های بت‌پرستی و کفر و جهالت به سوى نور توحید و ایمان هدايت کند؛ و اللّٰه گواهی داده که ایشان را با فرمان خود براى دعوت به سوی او فرستاده است.

پیامبر اسلام، محمد بن عبداللّٰه ج از نسل اسماعیل بن ابراهیم -علیهما السلام- است؛ ایشان در سال ۵۷۱ میلادی در مکه دیده به جهان گشود و در همین شهر به پیامبری مبعوث شد و سپس به مدینه مهاجرت کرد؛ در بت‌پرستى با قوم خود همراه نشد، اما در کارهای ارزشمند و گرانقدر با آنان همکاری می‌کرد؛ و پیش از بعثت نیز دارای اخلاقی والا بود؛ پروردگارش او را به اخلاق بسیار بزرگ و والا ستوده و فرموده است:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٖ٤﴾ [القلم: 4]

«و یقیناً تو داراى اخلاق بسیار نیکو و والایی هستى».

وقتی پیامبر ج به سن چهل سالگی رسید، اللّٰه ‌متعال او را به پیامبری مبعوث نمود و با (معجزات) و نشانه‌های بسیار بزرگى تایید نمود که بزرگترینِ آن‌ها قرآن کریم است. رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «مَا مِنَ الأَنْبِيَاءِ نَبِيٌّ إِلَّا أُعْطِيَ مَا مِثْلهُ آمَنَ عَلَيْهِ البَشَرُ وَإِنَّمَا كَانَ الَّذِي أُوتِيتُ وَحْيًا أَوْحَاهُ اللَّهُ إِلَيَّ فَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ القِيَامَةِ». «هيچیک از پيامبران نيست مگر اينكه معجزه‌ای به او عطا شده که با وجود (امری خارق عادت) مانند آن، بشر به او ایمان می‌آورد و همانا آنچه به من عنايت شده، وحی است كه اللّٰه ‌متعال به من وحى كرده است، پس اميدوارم كه در روز قيامت بیشترین پیروان را از میان پیامبران داشته باشم». [صحیح بخاری (4981)].

قرآن عظیم وحی الهی به پیامبرش ج می‌باشد؛ اللّٰه ‌متعال دربارۀ آن می‌فرماید:

﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ هُدٗى لِّلۡمُتَّقِينَ٢﴾ [البقرة: 2]

«این کتابی است که هيچگونه شكى در آن وجود ندارد و مایۀ هدایت پرهیزگاران است».

و اللّٰه ‌متعال دربارۀ آن می‌فرماید:

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا٨٢﴾ [النساء: 82]

«آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ كه اگر از جانب غیر از اللّٰه بود، قطعاً اختلاف (و تناقض) بسیاری در آن می‌یافتند».

اللّٰه ‌متعال جنیان و انسان‌ها را به مبارزه طلبیده تا همانند آن را بیاورند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا ٨٨﴾ [الإسراء: 88]

«(اى پيامبر) بگو: اگر (همه‌ى) انس و جن جمع شوند تا همانند این قرآن را بیاورند، (هرگز) همانند آن را نخواهند آورد؛ هرچند برخی از آنان یارى‌دهنده برخی (دیگر) باشند».

و اللّٰه ‌متعال آنان را به چالش طلبید که ده سوره همانند آن را بیاورند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِعَشۡرِ سُوَرٖ مِّثۡلِهِۦ مُفۡتَرَيَٰتٖ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٣﴾ [هود: 13]

«يا مى‌گویند: (محمد اين قرآن را از جانب خودش نوشته و) به دروغ آن را به اللّٰه نسبت مى‌دهد، بگو: اگر (در اين ادعاى خود) راست مى‌گویید، شما ده سورۀ دروغين همانند آن را بیاورید و غير از اللّٰه هر كسى را كه می‌توانید به یاری خود بطلبيد». بلکه آنان را به چالش طلبید که یک سوره همانند آن را بیاورند؛ اللّٰه ‌متعال فرمودند:

﴿وَإِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّمَّا نَزَّلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ٢٣﴾ [البقرة: 23]

«و اگر دربارۀ آنچه كه بر بندۀ خود (محمد) نازل کرده‌ایم در شک و تردید هستید، سوره‌ای همانند آن را بیاورید و گواهان خود را - غیر از اللّٰه - فراخوانید، اگر راست می‌گویید».

قرآن بزرگ، تنها معجزه‌ی باقیمانده از معجزات پیامبران (پيشين) تا امروز است و چون اللّٰه ‌متعال دین را برای پیامبر ج کامل نمود و ایشان دین را به بهترین نحو ابلاغ کرد، رسول ‌اللّٰه ج در سن شصت و سه سالگی از دنیا رفت و در مدینۀ نبوی به خاک سپرده شد.

پیامبرمان محمد ج آخرین انبیا و رسولان است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ٤٠﴾ [الأحزاب: 40]

«محمد (ج) پدر هیچیک از مردان شما نیست، بلکه فرستادۀ اللّٰه و خاتم پیامبران است و اللّٰه از هر چیزی آگاه است».

ابو ‌هریره س روایت كرده که رسول ‌اللّٰه ج فرمودند: «إِنَّ مَثَلِي وَمَثَلَ الأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بَيْتًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ إِلَّا مَوْضِعَ لَبِنَةٍ مِنْ زَاوِيَةٍ فَجَعَلَ النَّاسُ يَطُوفُونَ بِهِ وَيَعْجَبُونَ لَهُ وَيَقُولُونَ هَلَّا وُضِعَتْ هَذِهِ اللَّبِنَةُ؟ قَالَ: فَأَنَا اللَّبِنَةُ وَأَنَا خَاتِمُ النَّبِيِّينَ». «مثال من و پیامبران پیش از من، همانند مردی است که خانه‌ای را ساخته و آن را به خوبی بنا نموده و آراسته است، مگر موضع یک خِشت در زاويه‌اى از آن؛ پس مردم اطراف آن می‌گردند و از (زيبايى) آن شگفت‌زده مى‌شوند و می‌گويند: چه می‌شد اگر این یک خشت را هم می‌گذاشتند؟ رسول خدا فرمودند: من آن یک خِشتم هستم و من خاتم پیامبرانم». [صحیح بخاری (3535)].

و در انجیل آمده است که مسیح ÷ به قدوم محمد ج بشارت داده و فرمود: «سنگی را که بنّاها رد کردند، اکنون در سر زاویه است، آیا هرگز در کتاب‌ها نخوانده‌اید که: یسوع از جانب پروردگار به آنان گفت: این بود و او در چشمان ما شگفت‌آور بود. و در سِفر توراتى که تاکنون موجود است این سخن اللّٰه ‌متعال خطاب به موسی ÷ آمده است که: برایشان پیامبری همانند تو از میان برادران‌شان برانگیخته می‌كنيم و سخن خود را در دهان او می‌گذارم، پس هر آنچه را كه به او توصیه کرده‌ام، به آنان می‌گوید".

و اللّٰه ‌متعال، پیامبرمان محمد ج را با هدایت و دین حق فرستاده و گواهی داده که او بر حق است و او را با اجازه‌ی خود به عنوان دعوتگری فرستاده تا به سوی حق دعوت كند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿لَّٰكِنِ ٱللَّهُ يَشۡهَدُ بِمَآ أَنزَلَ إِلَيۡكَۖ أَنزَلَهُۥ بِعِلۡمِهِۦۖ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَشۡهَدُونَۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدًا١٦٦﴾ [النساء: 166]

«(ای پیامبر، کافران حقيقت نزول قرآن را بر تو انکار می‌کنند) ولی اللّٰه به (درستی) آنچه كه بر تو نازل کرده، گواهی می‌دهد، آن را با علم خویش نازل کرده و فرشتگان نیز گواهی می‌دهند، و (اگر چه) گواهی اللّٰه کافی است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدٗا ٢٨﴾ [الفتح: 28]

«او كسى است كه پیامبرش را با هدایت و دين حق فرستاد تا آن را بر همه‌ی ادیان پیروز گرداند و کافی است که اللّٰه گواه باشد».

اللّٰه ‌متعال پيامبر را با (نور) هدایت مبعوث گرداند تا مردم را از تاریکی‌های بت‌پرستی، کفر و جهالت به سوى نور توحید و ایمان هدايت كند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَهۡدِي بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضۡوَٰنَهُۥ سُبُلَ ٱلسَّلَٰمِ وَيُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِهِۦ وَيَهۡدِيهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ١٦﴾[المائدة: 16]

«اللّٰه از طريق قرآن کسانی را که به دنبال خشنودى او هستند، به راه‌‏های سلامت هدایت می‌کند و به فرمان خویش آنان را از تاریکی‌‏ها به سوی روشنایی می‌رساند و آنان را به راه راست هدایت می‌کند».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿الٓرۚ كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ لِتُخۡرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ١﴾[إبراهيم: 1]

«الف. لام. را، این (قرآن) کتابی است که بر تو (اى پيامبر) نازل کردیم تا مردم را به فرمان پروردگارشان، از تاریکی‌‏های (شرک و جهالت) به روشنایی (ایمان و دانش) بیرون آوری (و آنان را) به (سوى) راه (پروردگار) شکست‌ناپذیر ستوده (برسانى)».

26- شریعت اسلام که پیامبرمان محمد ج آن را آورده، خاتمۀ پیام‌ها و رسالت‌های الهی و شریعت‌های ربانی است؛ و شریعتی کامل مى‌باشد؛ و در آن صلاح دین و دنیاى مردم نهفته است؛ و در درجۀ نخست به حفظ دین، خون، مال، عقل و نسل مردم اهميت مى‌دهد؛ شريعت اسلامى ناسخ همۀ شریعت‎های پیشین است، چنانکه شريعت‌هاى پیشین نسخ‌کننده‌ی هم بوده‌اند.

شریعت اسلام که پیامبرمان محمد ج آن را آورده، خاتمۀ پیام‌ها و رسالت‌های الهی و شریعت‌های ربانی است و اللّٰه ‌متعال به واسطۀ این پیام، دین را کامل ساخت؛ و با بعثت محمد ج نعمت را بر مردم كامل نمود؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿...ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗاۚ ...﴾ [المائدة: 3]

«امروز دین‌تان را برای‌تان کامل ساختم و نعمتم را بر شما به کمال رساندم و برای شما اسلام را (به عنوان دین) پسندیدم».

شریعت اسلام، شریعت کمال است و صلاح دین و دنیای مردم را در خود دارد؛ زیرا همۀ شرایع پیشین را در خود گنجانده و آن‌ها را کامل ساخته است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ وَيُبَشِّرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَبِيرٗا ٩﴾[الإسراء: 9]

«همانا این قرآن به راهى كه استوارترین راه‌هاست هدایت می‌کند و به مؤمنانى كه كارهاى شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد كه براى آنان پاداشى بزرگ (در پیش) است».

شریعت اسلام، قید و بندهایی را که بر امت‌های پیشین وجود داشت، از مردم برداشته است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٥٧﴾[الأعراف: 157]

«کسانی که از (اين) فرستاده و پیامبر درس ناخوانده‌ى (اللّٰه) پیروی می‌کنند، (پیامبرى) که (همانا) نام (و نشانه‌های) نوشته شدۀ او را نزد خود در تورات و انجیل می‌یابند، (كسى كه) آنان را به نیکی‏ها فرمان می‌دهد و از پليدى‏ها باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برای‌شان حلال می‌گرداند و پلیدی‏ها را بر آنان حرام می‌کند و بار گران (تکالیف شرعی) را كه بر آنان (واجب) بوده، از (عهدۀ) آنان بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و به او یاری رساندند و از نوری که بر او نازل شده، پیروی نمودند، آنانند که رستگارند».

شریعت اسلام، ناسخ همه‌ى شریعت‎‌های پیشین است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَمُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِۖ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ لِكُلّٖ جَعَلۡنَا مِنكُمۡ شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗاۚ وَلَوۡ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَلَٰكِن لِّيَبۡلُوَكُمۡ فِي مَآ ءَاتَىٰكُمۡۖ فَٱسۡتَبِقُواْ ٱلۡخَيۡرَٰتِۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرۡجِعُكُمۡ جَمِيعٗا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ٤٨﴾[المائدة: 48]

«و قرآن را به حق بر تو نازل کردیم، درحالی‌که تصدیق‌کنندۀ کتاب‌هاى پیش از آن و بر آن‌ها شاهد و نگاهبان است؛ پس به آنچه اللّٰه نازل نموده، در میان آنان حکم کن و از هوا و هوس‎‌های آنان به جای آنچه از حق به تو رسيده، پیروی نکن؛ ما برای هر کدام از شما، شريعت و طریقۀ روشنی قرار دادیم؛ و اگر اللّٰه می‌خواست همۀ شما را یک امت قرار می‌داد، اما (می‌خواهد) شما را با آنچه كه به خودتان بخشيده است، بیازماید؛ پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت بگيريد، بازگشت همۀ شما به سوی اللّٰه است، آنگاه شما را از آنچه در آن اختلاف می‌ورزيديد، با خبر می‌كند».

قرآن کریم که شریعت را در خود گنجانيده است، مؤید کتاب‌های الهی پیش از خود، شاهد و گواه بر آن‌ها و نسخ‌كننده‌ی آن‌هاست.

27- اللّٰه سبحانه وتعالی دینی به جز دين اسلام را نمی‌پذیرد، دينى که بواسطه‌ی پیامبرمان محمد ج آمده است و هرکس جز اسلام دين دیگرى را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد.

اللّٰه سبحانه وتعالی بعد از بعثت محمد ج دینی جز اسلام که توسط پیامبرخدا محمد ج آمده است، نخواهد پذیرفت و هرکس جز اسلام دين دیگرى را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٨٥﴾[آل عمران: 85]

«و هرکس دینی غیر از اسلام را برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است». و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُۗ وَمَا ٱخۡتَلَفَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعۡدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلۡعِلۡمُ بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ فَإِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ١٩﴾[آل عمران: 19]

«همانا دین (حق) نزد اللّٰه اسلام است و كسانى كه كتاب (آسمانى) به آنان داده شد، با یكدیگر اختلاف نکردند، مگر پس از آنكه علم و آگاهى حاصل كردند (و حجت بر آنان تمام شد) و آن (اختلاف و تفرقه‌اى كه در ميان‌شان بود)، نتيجه‌ی سرکشی و حسادتى بود كه در بين آنان وجود داشت؛ و هركسى كه به آیات اللّٰه کفر ورزد، (آگاه باشد که) اللّٰه در حسابرسی سریع است».

و این اسلام همان دین ابراهیم خلیل ÷ است؛ اللّٰه ‌متعال مى‌فرماید:

﴿وَمَن يَرۡغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبۡرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفۡسَهُۥۚ وَلَقَدِ ٱصۡطَفَيۡنَٰهُ فِي ٱلدُّنۡيَاۖ وَإِنَّهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ١٣٠﴾[البقرة: 130]

«چه کسی از آیین ابراهیم روی گردان خواهد شد جز کسی که خود را به نادانی و سبکسری افکند؛ و همانا ما او را در دنیا برگزیدیم و قطعاً او در آخرت از شایستگان خواهد بود».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۗ وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ إِبۡرَٰهِيمَ خَلِيلٗا١٢٥﴾[النساء: 125]

«و چه کسی نیک آیین‌تر از کسی است که خود را تسلیم اللّٰه كرده و نیكوكار باشد و از آیین راستين، (پاک و مخلصانه) ابراهیم پیروى نمايد؟ و اللّٰه ابراهیم را به دوستى خود برگزيد».

اللّٰه ‌متعال نیز به پیامبرش محمد ج امر نمود که بگوید:

﴿قُلۡ إِنَّنِي هَدَىٰنِي رَبِّيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ دِينٗا قِيَمٗا مِّلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۚ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ١٦١﴾[الأنعام: 161]

«(اى پيامبر) بگو: بی‌تردید، پروردگارم مرا به راه راست رهنمود کرده است و آن دین راست، پایدار و آیین ابراهیم است که حقگرا بود و هرگز در زمرۀ مشرکان نبود».

28- قرآن کریم، کتابی است که اللّٰه ‌متعال آن را به پیامبرش محمد ج وحی کرده و کلام پروردگار جهانیان است، کتابی که اللّٰه به واسطۀ آن انسان‌ها و جنیان را به مبارزه طلبیده تا همانند آن یا سوره‌ای مانند یکی از سوره‌هایش بیاورند؛ و هنوز این مبارزه‌طلبی تاکنون ادامه دارد. قرآن کریم به پرسش‌های مهمی پاسخ می‌دهد که میلیون‌ها انسان را به حیرت واداشته است؛ قرآن عظیم تاکنون به همان شکلی که به زبان عربی نازل شده باقیمانده و حرفی از آن کم نشده است و چاپ شده و (در جهان) منتشر مى‌باشد. این کتاب بزرگ یا ترجمۀ معانی آن شایستۀ مطالعه است، چنانكه سنت پیامبرمان محمد ج و آموزه‌ها و زندگى‌نامه‌ى ایشان محفوظ است و توسط سلسله‌ای از راویان مورد اعتماد نقل شده و به زبان عربی که زبان پیامبر بود، چاپ شده و در دسترس مى‌باشد؛ و به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده است. قرآن کریم و سنت پیامبر ج تنها منابع احکام اسلام و تشریعات آن است؛ چراکه اسلام از رفتار افراد منتسب به آن گرفته نمى‌شود، بلکه از وحی الهی كه شامل قرآن عظیم و سنت نبوی گرفته می‌شود.

قرآن کریم کتابی است که اللّٰه ‌متعال آن را به رسول عربى (از قبيله قريش)، محمد ج و به زبان عربی وحى کرده و کلام پروردگار جهانیان است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ١٩٢ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ١٩٣ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ١٩٤ بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ١٩٥﴾[الشعراء: 192-195]

«و همانا (این) قرآن فروفرستادۀ پروردگار جهانیان است (192) (جبرئیل) روح الامین آن را فرود آورده است (193) بر قلب تو (نازل شده) تا بیم‌دهنده باشی (194) (و) به زبان عربی روشن و واضح (نازل شده است)».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلۡقُرۡءَانَ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ عَلِيمٍ٦﴾[النمل: 6]

«و تو (ای پیامبر) همانا قرآن را از پیشگاه (پروردگار) حکیم دانا دریافت می‌دارى».

این قرآن نازل شده از سوی اللّٰه ‌متعال و تصدیق‌کنندۀ کتاب‌های الهى پیش از خود است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانُ أَن يُفۡتَرَىٰ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلَٰكِن تَصۡدِيقَ ٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ وَتَفۡصِيلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٣٧﴾[يونس: 37]

«و (سزاوار) نیست این قرآن، به دروغ به اللّٰه نسبت داده شود؛ بلکه تصدیق کننده‌ی كتاب‌هاى آسمانى است که پیش از آن (نازل شده) است و بیانگر (آن) کتاب‌هاست و شکی در آن نیست؛ و از (جانب) پروردگار جهانیان فرستاده شده است».

قرآن کریم حقيقت بسیاری از مسائلی را بيان کرده که یهود و نصاری در دین خود درباره آن‌ها دچار اختلاف شده‌اند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَكۡثَرَ ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ٧٦﴾ [النمل: 76]

«بی‌گمان، این قرآن (حقيقت) بیشتر آنچه را كه بنی‌اسرائیل درباره‌اش اختلاف دارند، برای‌شان بیان می‌دارد».

قرآن کریم دربردارنده‌ی ادله و براهینی است که حجت را در رابطه با حقایق مربوط به شناخت اللّٰه، دین و جزایش، بر همۀ مردم تمام نموده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ٢٧﴾ [الزمر: 27]

«همانا ما در این قرآن، هرگونه مَثلى را براى مردم آورده‏‌ایم تا اينكه پند و اندرز گيرند».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿… وَنَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ تِبۡيَٰنٗا لِّكُلِّ شَيۡءٖ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ وَبُشۡرَىٰ لِلۡمُسۡلِمِينَ﴾ [النحل: 89]

«و ما (اين) کتاب را بر تو نازل كرديم که بيان کنندۀ همه چیز و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است».

و قرآن کریم به بسيارى از پرسش‌های مهم پاسخ می‌گوید که باعث شگفتی میلیون‌ها انسان شده‌اند؛ چنانکه قرآن کریم بیان می‌دارد که چگونه اللّٰه آسمان‌ها و زمین را آفریده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَوَلَمۡ يَرَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَنَّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ كَانَتَا رَتۡقٗا فَفَتَقۡنَٰهُمَاۖ وَجَعَلۡنَا مِنَ ٱلۡمَآءِ كُلَّ شَيۡءٍ حَيٍّۚ أَفَلَا يُؤۡمِنُونَ٣٠﴾ [الأنبياء: 30]

«آیا کسانی که کافر شدند، ندیدند که (در ابتداى خلقت،) آسمان‌ها و زمین، به همديگر پیوسته بودند، سپس آن‌ها را از یکدیگر جدا ساختيم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آورده‌ایم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟!».

و چگونه اللّٰه ‌متعال انسان را آفريده است؛ اللّٰه ‌متعال مى‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِن كُنتُمۡ فِي رَيۡبٖ مِّنَ ٱلۡبَعۡثِ فَإِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ ثُمَّ مِن مُّضۡغَةٖ مُّخَلَّقَةٖ وَغَيۡرِ مُخَلَّقَةٖ لِّنُبَيِّنَ لَكُمۡۚ وَنُقِرُّ فِي ٱلۡأَرۡحَامِ مَا نَشَآءُ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى ثُمَّ نُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡۖ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰٓ أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ لِكَيۡلَا يَعۡلَمَ مِنۢ بَعۡدِ عِلۡمٖ شَيۡـٔٗاۚ وَتَرَى ٱلۡأَرۡضَ هَامِدَةٗ فَإِذَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهَا ٱلۡمَآءَ ٱهۡتَزَّتۡ وَرَبَتۡ وَأَنۢبَتَتۡ مِن كُلِّ زَوۡجِۭ بَهِيجٖ ٥﴾[الحج: 5]

«ای مردم! اگر درباره‌ی برانگیخته شدن (دوباره مردگان) در شک هستید، پس (به این نکته دقت کنید: ‌) همانا ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه و سپس از خون بسته شده، سپس از پاره گوشتی شکل یافته و شکل نيافته، تا (قدرت و حکمت خود را) برای شما آشکار سازیم؛ و هر چه را که بخواهیم تا زمانی معین در رحم (مادران) نگه می‌داریم، آنگاه شما را به صورت طفل بیرون می‌آوریم، تا اينكه به حد رشد (و بلوغ) خود برسید و برخى از شما می‌ميرند و برخى ديگر از شما (آنقدر عمر می‌کند که) به نهایت پیری و فرتوتى می‌رسند، تا آنکه پس از علم و دانش، چیزی از آن به ياد نداشته باشند؛ و (به مثال دیگر توجه کنید: ‌) زمین را خشکیده می‌بینی، پس هنگامی که آب (باران) بر آن فرو مى‌فرستیم، به حرکت در مى‌آید و رشد مى‌کند و از هر نوع گیاه زیبا (و خرم) رويش مى‌كند».

براستی فرجام انسان چیست؟ و پاداش نیکوکار و بدکار پس از این دنیا چه خواهد شد؟ ادلۀ این مسئله را در بخش شمارۀ (20) بیان کردیم؛ و اينكه آیا این جهان تصادفى به وجود آمده یا برای یک هدف ارزشمند پديد آمده است؟. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَوَلَمۡ يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ وَأَنۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقۡتَرَبَ أَجَلُهُمۡۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ١٨٥﴾[الأعراف: 185]

«آیا در مُلک (گسترده، عظيم و شگفت انگيز) آسمان‏ها‏ و زمین و آنچه را كه اللّٰه آفریده، نمی‌نگرند؟ و (آیا فکر نمی‌کنند) شاید اجل‌شان نزدیک شده باشد؟ پس بعد از این (قرآن) به کدام سخن ایمان می‌آورند؟».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَفَحَسِبۡتُمۡ أَنَّمَا خَلَقۡنَٰكُمۡ عَبَثٗا وَأَنَّكُمۡ إِلَيۡنَا لَا تُرۡجَعُونَ ١١٥﴾[المؤمنون: 115]

«آیا پنداشته‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و همانا شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟».

قرآن بزرگ، تا امروز به همان زبانی که با آن نازل شد محفوظ است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩﴾[الحجر: 9]

«همانا ما قرآن را نازل کردیم و همانا ما پاسدار آن هستیم».

حرفی از آن کم نشده و محال است که در آن تناقض یا نقص یا تبدیلی رخ دهد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلۡقُرۡءَانَۚ وَلَوۡ كَانَ مِنۡ عِندِ غَيۡرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ ٱخۡتِلَٰفٗا كَثِيرٗا٨٢﴾[النساء: 82]

«آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ و اگر از سوی غیر اللّٰه بود، قطعاً اختلاف (و تناقض) بسیاری در آن می‌یافتند».

قرآن چاپ شده و منتشر مى‌باشد و کتابی عظیم و معجزه‌ای‌ست که شایسته‌ى خواندن یا گوش سپردن به آن یا خواندن ترجمۀ معانی آن است؛ همچنین سنت پیامبرمان محمد ج و تعالیم و سیرت ایشان محفوظ و توسط سلسله‌ای از راویان مورد اعتماد نقل شده است؛ و سنت ايشان به زبان عربى چاپ شده، زبانى كه رسول ‌اللّٰه ج با آن سخن گفته است. و به بسيارى از زبان‌هاى جهان ترجمه شده است.

قرآن کریم و سنت رسول ‌اللّٰه ج تنها منابع احکام اسلام و تشريعات آن است. اسلام از رفتارهای منتسبان به این دین گرفته نمی‌شود بلکه از وحی معصوم الهی یعنی قرآن عظیم و سنت نبوی دریافت می‌گردد، چنانكه اللّٰه ‌متعال دربارۀ قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِٱلذِّكۡرِ لَمَّا جَآءَهُمۡۖ وَإِنَّهُۥ لَكِتَٰبٌ عَزِيزٞ٤١ لَّا يَأۡتِيهِ ٱلۡبَٰطِلُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَلَا مِنۡ خَلۡفِهِۦۖ تَنزِيلٞ مِّنۡ حَكِيمٍ حَمِيدٖ٤٢﴾[فصلت: 41-42]

«بى‌گمان کسانی که به قرآن در هنگام رسيدن (و ابلاغ) به آنان كفر ورزيدند، (بر ما پوشیده نیستند) و همانا آن کتابی ارجمند است (41) و هیچگونه باطلى (از هيچ جهت و نظرى) نه از پیش رو آن و نه از پشت سر آن، بدو راه نمى‌يابد، (چون) از سوی (اللّٰه) حکیم ستوده نازل شده است».

و اللّٰه ‌متعال دربارۀ سنت نبوی و اينكه وحی الهى است، می‌فرماید:

﴿… وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ٧﴾[الحشر: 7]

«و هرآنچه که پیامبر (از احكام و تشريعات) براى شما آورده است، بگیرید (و اجرا كنيد) و از هرآنچه شما را بازداشته است، دست بکشید (و ترک كنيد) و از اللّٰه بترسید که همانا اللّٰه عقوبت سختى دارد».

29- و اسلام به نیکی کردن به پدر و مادر دستور مى‌دهد، حتی اگر مسلمان هم نباشند و به نيكى كردن به فرزندان نيز توصیه می‌کند.

اسلام به نیکی در حق والدین دستور مى‌دهد؛ اللّٰه ‌متعال مى‌فرمايد:

﴿۞ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ إِمَّا يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلٗا كَرِيمٗا٢٣﴾[الإسراء: 23]

«و پروردگارت چنین فرمان داده است که: جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنان نزد تو به سن پیری رسیدند، حتی کمترین اهانتی كه (كلمه) اف است به ایشان نگو و بر سرشان فریاد نزن؛ و با آنان با نيكى (و محترمانه) سخن بگو».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ١٤﴾[لقمان: 14]

«ما انسان را (براى نیکوكارى) به پدر و مادرش سفارش کرده‌ایم (زيرا) مادرش او را با ناتوانی پى در پى (دوران باردارى) حمل كرده است و (دوران شیرخوارگی و) بازگرفتن او دو سال مى‌باشد، (و به او سفارش كرديم) که: شکرگزار من و پدر و مادرت باش (و بدان که) بازگشت (همگان) به سوی من است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ إِحۡسَٰنًاۖ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ كُرۡهٗا وَوَضَعَتۡهُ كُرۡهٗاۖ وَحَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُۥ ثَلَٰثُونَ شَهۡرًاۚ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَبَلَغَ أَرۡبَعِينَ سَنَةٗ قَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ١٥﴾[الأحقاف: 15]

«ما به انسان سفارش كردیم كه به پدر و مادرش نیكى كند، (به ویژه) مادرش كه او را با دشوارى (در دوران باردارى) حمل مى‌كند و او را با دشوارى (در وقت زايمان) وضع حمل می‌كند و (دوران) باردارى و شیرخوارگی او سى ماه طول مى‌كشد، (آنگاه دوران پرورش كودكانه و جوانانه او به پايان مى‌رسد) تا (اينكه) به حد (كمال جسدى و) رشد (عقلانى) مى‌رسد (و زمانى كه) به سن چهل سالگى رسيد، می‌گوید: پروردگارا، به من توفیق عطا فرما تا شکر نعمتی را كه به من و پدر و مادرم ارزانى داشته‌اى، به جای آورم و كار شایسته‌اى انجام دهم كه آن را مى‌پسندى و فرزندان من را نيكوكار گردان، همانا توبه كرده‌ام و به سوى تو بازگشته‌ام و همانا من از زمره مسلمانان هستم».

و ابوهریره س روایت كرده است که مردی نزد رسول ‌اللّٰه ج آمد و گفت: ای رسول ‌اللّٰه، چه کسی اولاتر به نيک‌رفتارى و همصحبتى من است؟ فرمود: "مادرت"، گفت: سپس چه كسى؟ فرمود: "سپس مادرت"، گفت: سپس چه كسى؟ فرمود: "سپس مادرت"، گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: "سپس پدرت". [صحيح مسلم].

و این توصیه براى همۀ پدر و مادرهاست، خواه مسلمان باشند یا نباشند. از اسماء دختر ابوبکر ب روایت است که گفت: در مدتی که میان پیامبر ج و قريش عهد و پیمان صلح بود، مادرم که هنوز مشرک بود به همراه فرزندش (به مدینه) آمد، پس از پیامبر ج پرسیدم: مادرم آمده و اشتیاق (ديدن من را) دارد، آيا صله رحم را با او بجاى آورم؟ فرمود: «بله، صله رحم را با او بجاى بياور». [صحیح بخاری].

اما اگر پدر و مادر تلاش کنند تا فرزندشان را از اسلام به کفر برگردانند، در این صورت، اسلام به فرزند دستور می‌دهد که از آنان اطاعت نکند و مؤمن باقى بماند، و در حق‌شان نیکی کند و با آنان به خوبی رفتار كند؛ اللّٰه ‌تعالی می‌فرماید:

﴿وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا مَعۡرُوفٗاۖ وَٱتَّبِعۡ سَبِيلَ مَنۡ أَنَابَ إِلَيَّۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ١٥﴾ [لقمان: 15]

«و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند چیزی را شریک و انباز من قرار دهی که در مورد آن دانشی نداری، پس از آن دو اطاعت نکن و در دنیا با آنان به شایستگی و نیکویی رفتار کن و از راه کسی پیروی کن که (توبه كنان) به سوی من بازگشته است، آنگاه بازگشت‌تان به سوی من است و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازم».

اسلام، مسلمان را از نیکی کردن به خویشاوندان یا غیر خویشاوندان مشرک باز نمی‌دارد، مادامی که آنان با اسلام در ستیز نيستند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ٨﴾ [الممتحنة: 8]

«اللّٰه شما را از نیکی كردن و رعایت نمودن عدالت نسبت به کسانی که در (امر) دین، با شما نجنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، نهی نمی‌کند؛ بی‌گمان اللّٰه عدالت پیشگان را دوست دارد».

اسلام دستور داده که به فرزندان سفارش كنيم و مهمترین چیزی که اسلام دربارۀ فرزند به پدر توصیه می‌کند، آموزش حقوق پروردگارشان بر آنان است؛ چنانكه پیامبر ج به پسرعمویش عبداللّٰه بن عباس ب فرمود: «يَا غُلامُ أَوْ يَا غُلَيِّمُ أَلا أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ يَنْفَعُكَ اللهُ بِهِنَّ؟ فَقُلْتُ: بَلَى. فَقَالَ: "احْفَظِ اللهَ يَحْفَظْكَ احْفَظِ اللهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ تَعَرَّفْ إِلَيْهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفْكَ فِي الشِّدَّةِ وَإِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللهِ».

«ای پسر، آیا سخنانی را به تو آموزش دهم که اللّٰه به وسيله آن‌ها به تو سود رساند؟ گفتم: آری؛ فرمود: (اوامر و نواهى) اللّٰه را حفظ کن تا تو را محفوظ بدارد، (اوامر و نواهى) اللّٰه را حفظ کن، او را در جلوى خود خواهی یافت، در هنگام خوشى‌ها او را يادكن تا در وقت سختی‌ها تو را ياد كند، و اگر خواسته‌ای دارى، از اللّٰه درخواست كن؛ و اگر یاری جستى از اللّٰه یاری بخواه». [امام احمد آن را روايت كرده است (4/287)].

و اللّٰه ‌متعال والدین را امر نموده تا آنچه از امور دین و دنیا به سود فرزندان‌شان باشد، به آنان آموزش دهند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ٦﴾ [التحريم: 6]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که ماده‌ى شعله‌وركننده آن مردم و سنگ‏هاست، محفوظ دارید، (آتشی که) فرشتگان خشن و سخت‌گیر بر آن (گمارده شده‌اند) که هرگز از اللّٰه در (مورد) آنچه به آنان فرمان داده است، نافرمانی نمی‌کنند و هرچه فرمان می‌یابند، انجام می‌دهند».

علی س دربارۀ این سخن اللّٰه ‌متعال:

﴿.. قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا .....﴾ [التحريم: 6]

«ای ‌کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده‌ی‌تان را از آتش محفوظ دارید». می‌گوید: «آنان ‌را ادب کنید و آموزش دهید».

و پیامبر ج به پدران دستور داده که نماز را به فرزندان‌شان آموزش دهند تا فرزندان همراه با نماز بزرگ شوند، پیامبر ج می‌فرماید: «‌مُرُوا ‌أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ». «فرزندان‌تان را درحالی‌که هفت سال دارند به نمازخواندن امر کنید». [ابوداوود آن را روايت كرده است].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْؤولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ الإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْؤولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْؤولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْؤولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا والخادمُ راعٍ في مالِ سيِّدِه ومسؤولٌ عن رعيَّتِه وكلُّكم راعٍ ومسؤولٌ عن رعيَّتِه». «همه‌ی شما مسئول هستيد و همه‌ی شما مسئول رعیت خود (زیردستان‌تان) هستيد، حاكم مسئول است و در مورد رعیت خود بازخواست می‌شود؛ و مرد نسبت به خانوادۀ خود مسئول است و از زیردستان خود سوال می‌شود؛ و زن در خانۀ شوهرش مسئول است و مسئول زیردستان خود است؛ و خدمتکار در مال صاحب‌کارش مسئول است و مسئول زیردستان خود است؛ و همۀ شما مسئوليت داريد و مسئول زیردستان خود هستید». [صحیح ابن حبان (4490)].

و اسلام به پدر دستور داده تا برای فرزندان و خانواده‌اش هزینه کند؛ پیش‌تر در بخش شمارۀ (18) اندکی به اين موضوع پرداختیم.

پیامبر ج فضیلت انفاق كردن بر فرزندان و پرداخت هزینه‌های آن‌ها را بیان نموده و فرموده است: «أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ: دِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ عَلَى دَابَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللهِ». «بهترين ديناری كه مرد آن را انفاق می‌کند، ديناری است که براى افراد تحت سرپرستيش انفاق می‌نمايد و همچنين ديناری است که براى وسيله‌ى نقليه خود جهت جهاد در راه اللّٰه انفاق می‌نمايد؛ و همچنين ديناری است که براى دوستانش در راه اللّٰه هزینه می‌کند». ابو قلابه (که يکی از راويان است) می‌گويد: "رسول ‌اللّٰه ج افراد تحت سرپرستي فرد را در اولويت قرار دادند؛ سپس ابوقلابه گفت: اجر و پاداش چه کسی بزرگ‌تر از پاداش کسی است که بر فرزندان کوچکش انفاق کند و اينگونه آنان را پاکدامن تربيت نمايد يا اللّٰه به وسيله‌ی او به آنان نفع برساند و بی‌نيازشان گرداند". [صحیح مسلم (994)].

30- اسلام به رعایت كردن عدالت در گفتار و کردار -حتی با دشمنان- دستور مى‌دهد.

اللّٰه سبحانه و تعالی در تمام اعمال و تدبیر خود میان بندگانش عادل و منصف است؛ و در آنچه امر و نهی کرده و در آنچه آفریده و مقدر فرموده بر راه راست است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُٱلۡحَكِيمُ١٨﴾[آل عمران: 18]

«اللّٰه گواهی داده که معبودی (بحق) جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (نیز) گواهی می‌دهند که (اللّٰه در جهان هستی) عدالت را برپا كرده است، معبودی (بحق) جز او نیست، او توانمند حکیم است». و اللّٰه ‌متعال دستور به عدالت مى‌دهد:

﴿قُلۡ أَمَرَ رَبِّي بِٱلۡقِسۡطِۖ...٢٩﴾[الأعراف: 29]

«بگو: پروردگارم به دادگری دستور داده است». و همۀ انبیا و رسولان ﻹ براى عدالت و دادگرى آمده‌اند؛

اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ...٢٥﴾ [الحديد: 25]

«به راستى که پیامبران خود را با دلایل آشکار و روشنى فرستاده‌ایم و همراه با آنان کتاب و ميزان (تعيين) عدالت و دادپرورى را نازل کردیم تا مردم (در بين خود) به عدالت برخیزند». ميزان به معنای عدالت در گفتار و کردار است.

و اسلام به عدالت در گفتار و کردار - حتی با دشمنان - دستور داده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِٱلۡقِسۡطِ شُهَدَآءَ لِلَّهِ وَلَوۡ عَلَىٰٓ أَنفُسِكُمۡ أَوِ ٱلۡوَٰلِدَيۡنِ وَٱلۡأَقۡرَبِينَۚ إِن يَكُنۡ غَنِيًّا أَوۡ فَقِيرٗا فَٱللَّهُ أَوۡلَىٰ بِهِمَاۖ فَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلۡهَوَىٰٓ أَن تَعۡدِلُواْۚ وَإِن تَلۡوُۥٓاْ أَوۡ تُعۡرِضُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا١٣٥﴾[النساء: 135]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برپادارندۀ عدالت باشید (و) برای اللّٰه شهادت دهید، هرچند به زیان خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان (شما) باشد، اگر (یكى از دو طرف دعوا) توانگر یا نیازمند باشد، اللّٰه از آنان سزاوارتر است؛ پس از هوا و هوس خود پیروی نکنید که (از حق) منحرف می‌شوید؛ و اگر زبان را از اداى حق بپيچانيد ([و حق را تحریف کنید) یا (از اظهار آن) خودداری نمایید، مسلّماً اللّٰه به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿... وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ أَن صَدُّوكُمۡ عَنِ ٱلۡمَسۡجِدِٱلۡحَرَامِ أَن تَعۡتَدُواْۘ وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِۚ وَٱتَّقُواْٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ٢﴾[المائدة: 2]

«و دشمنی گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، نباید شما را به تعدی و تجاوز وادارد؛ و در راه نیکوکاری و پرهیزگاری با همدیگر همکاری کنید و (هرگز) در راه گناه و تجاوزگرى همکاری نکنید؛ و از اللّٰه بترسید، بی‌گمان اللّٰه سخت‌کیفر است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ لِلَّهِ شُهَدَآءَ بِٱلۡقِسۡطِۖ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ عَلَىٰٓ أَلَّا تَعۡدِلُواْۚ ٱعۡدِلُواْ هُوَ أَقۡرَبُ لِلتَّقۡوَىٰۖ وَٱتَّقُواْٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا تَعۡمَلُونَ٨﴾ [المائدة: 8]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای (انجام واجبات) اللّٰه قیام کنید و عادلانه گواهی دهید، دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت‌گر نباشيد، عدالتگر باشيد که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است».

آیا در قوانین یا ادیان ملت‌های امروزی چنین دستورى وجود دارد كه فرد به حق و حقیقت شهادت دهد و سخن راست بگوید، هرچند علیه خود یا والدین یا نزدیکانش باشد؟ و دستور دهد تا نسبت به دوست و دشمن عادل باشد.

و پیامبر ج به برقرارى عدالت در میان فرزندان امر نموده است. از عامر روايت شده كه می‌گوید: "شنيدم درحالى‌كه نُعمان بن بشیر ب بر روی منبر بود، می‌گفت: پدرم چيزى را به من بخشيد؛ پس عَمرَه دختر رَواحَه گفت: راضی نمی‌شوم تا آنکه رسول ‌اللّٰه ج به آن گواهى دهد؛ پس نزد رسول ‌اللّٰه ج رفت و گفت: من به این فرزندم (كه) از (فرزندان) عَمرَه دختر رواحه است، چیزی بخشيده‌ام؛ ای رسول خدا، او از من خواسته است که شما را گواه آن بگردانم؛ پس ايشان فرمودند: «آیا به دیگر فرزندانت مانند آن را بخشيده‌اى؟». گفت: خير، فرمود: «پس تقوای اللّٰه را پیشه کنید و میان فرزندان خود عدالت را برقرار كنيد». (راوی) می‌گوید: پس برگشت و بخشش را پس داد". [صحيح بخاری (2587)].

زيرا امور مردم و دولت‌ها سر و سامان نمی‌گيرد، مگر با دادگرى؛ و امنيت دینی، جانی، نسلی، ناموسی، مالی و سرزمینی مردم برقرار نمی‌شود، مگر با دادگرى؛ از همین رو می‌بینیم که هنگامی که کافران مکه عرصه را بر مسلمانان تنگ کردند، پیامبر ج به مسلمانان دستور می‌دهد تا به حبشه مهاجرت کنند؛ و علت آن را چنين بيان نمودند كه در آنجا پادشاهی دادگر وجود دارد که نزد وی به کسی ستم نمی‌شود.

31- اسلام به نیکی كردن در حق همۀ مردم دستور داده است و به سوی مکارم اخلاقی و رفتار پسنديده دعوت می‎‌كند.

اسلام به نیکی كردن در حق همۀ خلق دستور داده است، اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ...٩٠﴾ [النحل: 90]

«همانا اللّٰه به عدالت، نیکوکاری و بخشش به نزدیکان دستور می‌دهد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ١٣٤﴾ [آل عمران: 134]

«آن کسانی که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند؛ و اللّٰه نیکوکاران را دوست می‌دارد».

و پیامبرمان محمد ج می‌فرماید: «إنَّ اللَّهَ كَتَبَ الإحْسَانَ علَى كُلِّ شيءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فأحْسِنُوا القِتْلَةَ، وإذَا ذَبَحْتُمْ فأحْسِنُوا الذَّبْحَ، وَلْيُحِدَّ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ، فَلْيُرِحْ ذَبِيحَتَهُ». «اللّٰه ‌متعال نيكى كردن در هر موردی را واجب كرده است، پس اگر (به حق كسى را) به قتل رسانديد، به روشی نیکو (او را) بكشيد و اگر (حيوانى را) سر بريديد به خوبی آن را سر ببريد و باید هریک از شما چاقوى خود را تيز كند، تا حيوان را به راحتى سر ببرد». [صحیح مسلم (1955)].

و اسلام به مکارم اخلاقی و رفتار پسنديده فرامی‌خواند، اللّٰه ‌متعال در وصف پیامبرمان محمد ج در کتاب‌های آسمانى پیشین می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ مَعَهُۥٓ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ١٥٧﴾ [الأعراف: 157]

«کسانی که از (اين) فرستاده و پیامبر درس نخوانده‌ى (اللّٰه) پیروی می‌کنند، (پیامبرى) که (همانا) نام (و نشانه‌های) نوشته شدۀ او را نزد خود در تورات و انجیل می‌یابند، (كسى كه) آنان را به ‌نیکی‏‌ها فرمان می‌دهد و از پليدى‏‌ها باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برای‌شان حلال می‌گرداند و پلیدی‏‌ها را بر آنان حرام می‌کند و بار گران (تکالیف شرعی) را كه بر آنان (واجب) بوده، از (عهدۀ) آنان بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و به او یاری رساندند و از نوری که بر او نازل شده، پیروی نمودند، آنانند که رستگارند».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «يَا عَائِشَةُ! إِنَّ اللهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرِّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ وَمَا لَا يُعْطِي عَلَى مَا سِوَاهُ». «ای عایشه، همانا اللّٰه مهربان است و نرمی و مهربانى را دوست دارد؛ و در مقابل مهربانى پاداش یا نتایجی مى‌بخشد که در مقابل خشونت و چيزهاى ديگر نمى‌بخشد». [صحیح مسلم (2593)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ: عُقُوقَ الأُمَّهَاتِ وَوَأْدَ البَنَاتِ وَمَنَعَ وَهَاتِ وَكَرِهَ لَكُمْ قِيلَ وَقَالَ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةَ المَالِ». «همانا اللّٰه بدرفتاری با مادران، زنده به گور کردن دختران و خودداری از اداى حقوق واجب و درخواست ناحق را حرام کرده است؛ و برای شما قیل و قال، سوال‌هاى زياد (و درخواست‌های بی‌مورد فراوان) و هدر دادن و ضایع کردن مال را حرام كرده است». [صحیح بخاری (2408)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَوَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ». «به بهشت وارد نمی‌شوید تا آنكه ایمان بياوريد و ایمان نمی‌آورید تا آنكه یکدیگر را دوست داشته باشید؛ آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر آن را انجام دهید، همدیگر را دوست خواهيد داشت؟ سلام كردن را میان خود منتشر کنید». [صحیح مسلم (54)].

32- اسلام به اخلاق شايسته مانند: راستی، امانتداری، پاكدامنى، حیا، شجاعت، بخشش، سخاوتمندى، یاریِ نیازمند، كمک به ستمدیده، غذا دادن به گرسنه، نیکی به همسایه، بجا آوردن صلۀ رَحِم و مهربانی با حیوانات فرامی‌خواند.

اسلام به اخلاق پسندیده دستور می‌دهد؛ رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ». «همانا مبعوث شده‌ام تا اخلاق شایسته را تكميل نمايم». ["صحیح الأدب المفرد" (207)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «نَّ من أحبِّكم إليَّ ، وأقربِكم مني مجلسًا يومَ القيامةِ أحاسِنُكم أخلاقًا، وإنَّ أبغضَكم إليَّ وأبعدَكم مني مجلسًا يومَ القيامةِ الثَّرثارونَ، والمُتشدِّقونَ، والمُتفيهقونَ»، قالوا: قد علِمْنا الثرثارونَ و المتشدِّقونَ، فما المتفيهقونَ؟ قال: «المُتكبِّرونَ». «همانا محبوب‌ترین شما نزد من و نزديک‌ترين شما به من در روز قیامت، خوش‌اخلاق‌ترین شماست؛ و همانا مبغوض‌ترين شما نزد من و دورترين شما از همنشینی من در روز قيامت، افراد بيهوده گو و گزافه گو و "مُتَفَيهقون" هستند»؛ گفتند: ای رسول خدا، افراد بيهوده‌گو و گزافه‌گو را می‌شناسيم، اما "مُتَفَيهقون" چه کسانی هستند؟ فرمود: «متكبران». ["السلسلة الصحیحة"، (791)].

و از عبداللّٰه بن عمرو بن العاص ب روايت است كه می‌گوید: به هیچ وجه رسول ‌اللّٰه ج بدگفتار و بدکردار نبود و مى‌فرمود: «إِنَّ مِنْ خِيَارِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلاَقًا». «همانا بهترين شما نيک‌رفتارترين‌تان است». [صحیح بخاری (3559)].

و دیگر آیات و احادیثی که نشان می‌دهد اسلام به مکارم اخلاقی و رفتار پسنديده تشویق مى‌نمايد.

از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور مى‌دهد، راستى و صداقت است؛ رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللهِ صِدِّيقًا». «راستگو باشيد، همانا راستگويى به سوى نیکوکاری فرامی‌خواند و نیکوکاری به سوى بهشت فرامی‌خواند و فردى پيوسته راست می‌گوید و در پی راستگويى می‌باشد تا اينكه نزد اللّٰه به عنوان فرد بسيار راستگو نوشته می‌شود». [صحیح مسلم، (2607)].

از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور می‌دهد: ادای امانت است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُكُمۡ أَن تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهۡلِهَا ...٥٨﴾ [النساء: 58]

«همانا اللّٰه به شما دستور مى‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازگردانید».

و از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور می‌دهد، پاکدامنی است؛ رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: ‌‌«‌ثَلَاثَةٌ ‌حَقٌّ ‌عَلَى ‌اللَّهِ عَوْنُهُمُ». «سه تن این حق را نزد خداوند دارند كه آنان را يارى رساند»؛ و یکی از مواردی که رسول ‌اللّٰه ج ذکر نمود: «النَّاكِحُ الَّذِي يُرِيدُ الْعَفَافَ» «کسی است که براى پاکدامنی ازدواج می‌کند». [سنن ترمذی (1655)].

و از دعاهاى پیامبر ج این بود که می‌فرمود: «اللهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى». «الهى من از تو هدایت، تقوا، پاکدامنی و بی‌نیازی را خواهانم». [صحیح مسلم (2721)].

و از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور می‌دهد، حیا است؛ رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «الْحَيَاءُ لَا يَأْتِي إِلَّا بِخَيْرٍ» «حیا جز خیر و خوبی به همراه نمی‌آورد». [صحیح بخاری (6117)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «لِكُلِّ دِينٍ خُلُقٌ وَخُلُقُ الْإِسْلَامِ الْحَيَاءُ». «در هر دینی اخلاق (ویژه‌ای) وجود دارد و اخلاق اسلام، حیا است». [امام بیهقی آن را در شعب الایمان روايت كرده است، (6 / 2619)].

و از دیگر اموری که اسلام به آن دستور می‌دهد، شجاعت است؛ از انس س روایت است که می‌گوید: "پیامبر ج بهترین، شجاع‌ترین و بخشنده‌ترین مردم بود؛ يكبار اهل مدینه (به سبب صدایی بلند) دچار وحشت شدند، پس پیامبر ج زودتر از آنان سوار بر اسب (به سوی آن صدا) شتافت". [صحیح بخاری (2820)].

و رسول ‌اللّٰه ج از بزدلی به اللّٰه پناه می‌برد و می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الجُبْنِ». «الهى من از ترس و بزدلی به تو پناه می‌آورم». [صحیح بخاری (6374)].

از دیگر مواردی که اسلام به آن دستور می‌دهد، بذل و بخشش و بزرگواری است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مَّثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمۡوَٰلَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنۢبَتَتۡ سَبۡعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنۢبُلَةٖ مِّاْئَةُ حَبَّةٖۗ وَٱللَّهُ يُضَٰعِفُ لِمَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ٢٦١﴾[البقرة: 261]

«مثل کسانی که اموال خود را در راه اللّٰه انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه یکصد دانه باشد و اللّٰه برای هر كسى که بخواهد چند برابر می‌کند و اللّٰه گشایشگر داناست».

و از جمله اخلاق رسول ‌اللّٰه ج بخشندگى بود؛ از ابن عباس ب روایت است که می‌گوید: «پیامبر ج بخشنده‌ترین مردم در خیرخواهی بود؛ و در رمضان بخشندگی او بيشتر بود؛ هنگامى كه جبرئیل به دیدارش می‌آمد؛ و جبرئیل ÷ هر شب در رمضان تا پایان آن به دیدارش می‌آمد؛ و پیامبر ج قرآن را بر وی عرضه می‌داشت، پس هرگاه جبرئیل به دیدار ایشان می‌آمد، در خیررسانی، بخشنده‌تر از باد وزان بود». [صحیح بخاری (1902)].

و از جمله اموری که اسلام به آن دستور مى‌دهد، یاری رساندن به نیازمند، فریادرسی ستمدیده، غذا دادن به گرسنه، حسن همجواری، اداى صلۀ رحم و مهربانى با حیوانات است.

چنانکه از عبداللّٰه بن عَمرو ب روایت است که مردی از پیامبر ج پرسید: "کدام (بخش از) اسلام بهتر است؟ فرمود: «تُطْعِمُ الطَّعَامَ وَتَقْرَأُ السَّلاَمَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ». «غذا دادن و سلام كردن بر كسى که می‌شناسی و كسى كه نمی‌شناسى». [صحیح بخاری (12)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «مردی درحالى‌كه بسيار تشنه بود پیاده راهی را می‌پیمود که چاه آبی یافت و از آن پايين رفت و آب نوشید؛ سپس بیرون آمد و سگی را دید که لَه لَه می‌زند و از شدت تشنگی خاک می‌خورد؛ پس آن مرد با خود گفت: این سگ از شدت تشنگی به همان وضعیتی رسیده که من به آن رسيده بودم؛ پس از چاه پايين رفت و پاپوش خود را پر از آب کرد و به دهان گرفت (و بالا آمد) و به آن سگ آب داد، پس اللّٰه از او تشكر كرد و او را آمرزید». گفتند: ای رسول خدا، آیا در خوشرفتاری با حیوانات هم برای ما اجر و پاداش است؟ فرمود: «آری، در (غذا دادن يا آب دادن) به هر (مخلوقى كه) داراى جگر خیس است (هر زنده جانی)، پاداش وجود دارد». [صحیح ابن حبان (544)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «السَّاعِي عَلَى الأَرْمَلَةِ وَالمِسْكِينِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ القَائِمِ اللَّيْلَ الصَّائِمِ النَّهَارَ». «کسی که به بیوه‌زن و بینوا کمک می‌کند مانند مجاهد در راه اللّٰه است یا کسی که شب نماز مى‌خواند و روز را روزه می‌گیرد». [صحیح بخاری (5353)].

و اسلام بر حقوق خویشاوندان تأکید می‌کند و صله‌ی‌رحم با خویشاوندان را واجب می‌داند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡۗ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِكُم مَّعۡرُوفٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ٦﴾[الأحزاب: 6]

«پیامبر نسبت به مؤمنان، از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران مؤمنان هستند؛ و در کتاب اللّٰه، خویشاوندان نسبت به همديگر از مؤمنان و مهاجران سزاوارترند، مگر اینکه به دوستان‌تان نیکی کنید (و سهمى از اموال‌تان را به آنان ببخشيد) این (حکم) در آن کتاب (لوح محفوظ) نوشته شده است».

و نسبت به قطع پیوند خویشاوندی هشدار داده است و آن را مقرون به فساد در زمین آورده است؛، اللّٰه ‌متعال مى‎فرمايد:

﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ٢٢ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ٢٣﴾[محمد: 22-23]

«آیا هنگامى كه زمام امور را در دست بگيريد (و بر ضد مردم دسيسه‌چينى نموده و از دستورات الهى سرپيچى كنيد و) در زمین تباهى ورزید و پيوند خویشاوندی‌تان را قطع كنيد (22) آنان کسانی هستند که اللّٰه نفرين‌شان کرده، پس گوش‌هاي‌شان را (از شنيدن حق) کَر كرده و چشم‌های‌شان را (ديدن حقيقت) کور ساخته است (23)».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعُ رَحِمٍ». «قطع كننده پیوند خویشاوندی وارد بهشت نمى‌شود». [صحیح مسلم (2556)].

و خویشاوندانی که حفظ پیوند خويشاوندى با آنان واجب است، عبارتند از: پدر و مادر، خواهران و برادران، عموها، عمه‌ها، دایی‌ها و خاله‌ها.

و اسلام بر حق همسایه تاکید دارد، حتی اگر کافر باشد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ وَٱعۡبُدُواْٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِٱلۡجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ وَٱبۡنِٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخۡتَالٗا فَخُورًا٣٦﴾[النساء: 36]

«و اللّٰه را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر نیکی کنید و (همچنين) به خویشاوندان، یتیمان، بينوايان، همسایۀ خویشاوند و همسایۀ غیرخویشاوند، همنشین و (مسافران) درمانده و بردگانی که مالک آنان هستید (نیکی کنید و بدانید که) یقیناً اللّٰه کسی را که متکبر و فخرفروش باشد، دوست ندارد».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ». «همواره جبريل در مورد همسايه مرا توصيه مى‌كرد تا جایی که گمان بردم همسايه از همسايه ارث خواهد برد». [صحیح ابوداود (5152)].

33- اسلام خوردنى‌ها و نوشیدنی‌های پاكيزه‌ را حلال كرده است و به پاکیزگی قلب و پاکیزگی بدن و منزل دستور داده و به همین خاطر ازدواج را حلال نموده است؛ چنانکه به پیامبرانش چنین دستور داده است؛ و آنان به (استفاده كردن از) هر چیز پاكيزه‌اى دستور می‌دهند.

و اسلام خوردنى‌ها و نوشیدنی‌های پاكيزه را حلال كرده است؛ رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلاَّ الطَّيِّبَ وإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ.

قَالَ تعالى:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ٥١﴾ [المؤمنون: 51]

وَقَالَ تعالى:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لِلَّهِ إِن كُنتُمۡ إِيَّاهُ تَعۡبُدُونَ١٧٢﴾ [البقرة: 172]

قَالَ: ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَب يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَغُذِّيَ بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟!». «ای مردم، همانا اللّٰه پاک است و جز پاكى را نمی‌پذیرد و همانا اللّٰه مؤمنان را به همان چیزی امر نموده که پیامبران را نيز به آن امر نموده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید: «ای پیامبران از پاكيزه‌ها بخورید و اعمال نیک انجام دهید، من به آنچه انجام می‌دهید، آگاهم». و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که روزی شما قرار داده‌ایم بخورید و شکرِ اللّٰه را به جای آورید، اگر تنها او را عبادت می‌کنید».» راوی می‌گوید: «سپس مردی را ذکر نمود که سفرش طولانى بوده، (به همين خاطر) موهايش ژولیده و غبارآلود شده، (با اين حالت) دستانش را (براى دعا) به سوى آسمان بلند می‌کند (و مى‌گويد): یا الهى یا الهى! درحالى‌كه غذایش حرام است و لباسش حرام است و نوشیدنی‌اش حرام و (بدنش) با حرام تغذیه شده است، پس چگونه دعايش مستجاب مى‌شود؟». [صحیح مسلم، (1015)].

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ٣٢﴾ [الأعراف: 32]

«بگو: چه کسی لباس (و زينت‌هايى) را که اللّٰه برای بندگانش پديد آورده و روزی‌های پاکيزه را حرام کرده است؟! بگو: اين (نعمت‌هاى پاکيزه) در زندگی دنيا برای کسانی است که ايمان آورده‌اند، (اگر چه کافران نيز در اين دنيا از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند، اما) روز قيامت خاص (برای مومنان) خواهد بود، اينچنين آيات (خود) را برای گروهی که می‌دانند بيان می‌کنيم».

همچنین اسلام به پاکی قلب و پاکیزگی بدن و منزل دستور داده است؛ و به همین خاطر ازدواج را حلال نموده است؛ چنانکه به انبیا و رسولان چنین دستور داده است؛ و آنان به همه‌ی پاكيزه‌ها دستور می‌دهند؛ اللّٰه ‌متعال مى‌فرمايد:

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةٗ وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ هُمۡ يَكۡفُرُونَ ٧٢﴾ [النحل: 72]

«و اللّٰه برای شما از (جنس) خودتان همسرانی قرار داد و از همسران‌تان برای شما فرزندان و نوادگان پدید آورد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد، آیا به باطل ایمان می‌آورند و آنان به نعمت اللّٰه کفر می‌ورزند؟!».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ ٤ وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ٥﴾ [المدثر: 4-5]

«و لباس‌هايت را پاکیزه بدار (4) و از پلیدی دوری کن (5)».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبْرٍ». قَالَ رَجُلٌ: إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا وَنَعْلُهُ حَسَنَةً قَالَ: «إِنَّ اللهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبْرُ بَطَرُ الْحَقِّ وَغَمْطُ النَّاسِ». «کسی که در دلش به اندازه‌ی ذره‌ای تکبر وجود داشته باشد، وارد بهشت نمی‌شود». مردی (از ايشان) پرسید: شخصى دوست دارد لباس و کفشش خوب و زیبا باشد (آيا اين مصداق تکبر است)؟ فرمود: «اللّٰه زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ تکبر، زیر پا نهادن حق و تحقیرِ مردم است». [صحیح مسلم (91)].

34- و اسلام اصول و پايه‌هاى محرمات، مانند شرک ورزيدن به اللّٰه، کفر، بت‌پرستی، نسبت دادن سخنی به اللّٰه بدون علم و دانش، کشتن فرزندان، کشتن جانی که حرمت دارد، تباهی در زمین، سحر و جادوگری، زشتی‌های آشکار و پنهان، زنا، لواط و همجنس‌گرايى، ربا خوارى، خوردن گوشت مردار، خوردن آنچه برای بت‌ها قربانی شده، گوشت خوک و دیگر نجاست‌ها و ناپاکی‌ها، خوردن مال یتیم، كم كردن پيمانه يا وزن و قطع پیوند خویشاوندی را حرام كرده است؛ و (تشريعات) همۀ پیامبران ﻹ بر تحریم این موارد اتفاق دارد.

اسلام اصول و پايه‌هاى محرمات، مانند شرک ورزيدن به اللّٰه، کفر، بت‌پرستی، نسبت دادن سخنی به اللّٰه بدون علم و دانش و کشتن فرزندان را حرام كرده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ قُلۡ تَعَالَوۡاْ أَتۡلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمۡ عَلَيۡكُمۡۖ أَلَّا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗاۖ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَوۡلَٰدَكُم مِّنۡ إِمۡلَٰقٖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكُمۡ وَإِيَّاهُمۡۖ وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَۖ وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ ١٥١ وَلَا تَقۡرَبُواْ مَالَ ٱلۡيَتِيمِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥۚ وَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ بِٱلۡقِسۡطِۖ لَا نُكَلِّفُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۖ وَإِذَا قُلۡتُمۡ فَٱعۡدِلُواْ وَلَوۡ كَانَ ذَا قُرۡبَىٰۖ وَبِعَهۡدِ ٱللَّهِ أَوۡفُواْۚ ذَٰلِكُمۡ وَصَّىٰكُم بِهِۦ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ١٥٢﴾ [الأنعام: 151-152]

«بگو: بیایید آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام كرده است، برای‌تان بخوانم: اينكه چیزى را با او شریک قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی كنید و فرزندان خود را از (ترس) تنگدستى نكشید، ما به شما و آنان روزى مى‌دهيم و به (کارهای) زشت و ناشايست آنچه آشکار باشد يا پنهان، نزديک نشويد و کسی که اللّٰه (کشتن) او را حرام کرده است، جز به حق نکشيد، اين چيزی است که اللّٰه شما را به آن سفارش نموده است، شايد که خرد ورزيد (151) و به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر به بهترین صورتى (که در راستاى منفعت او باشد) تا به سن (بلوغ و) رشد (عقلى) خود برسد؛ و (سنجش) پیمانه و (وزن) ترازو را به عدالت رعايت کنید، ما هیچکس را جز به اندازۀ توانش تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخن می‌گویید (یا گواهی می‌دهید) عدالت را رعایت کنید، هرچند (دربارۀ) خویشاوند باشد و به عهد و پیمان اللّٰه وفا کنید، این است (آنچه اللّٰه) شما را به (پیروی از) آن سفارش كرده است، شايد که پند گیرید».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ ٱلۡفَوَٰحِشَ مَا ظَهَرَ مِنۡهَا وَمَا بَطَنَ وَٱلۡإِثۡمَ وَٱلۡبَغۡيَ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَأَن تُشۡرِكُواْ بِٱللَّهِ مَا لَمۡ يُنَزِّلۡ بِهِۦ سُلۡطَٰنٗا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ٣٣﴾[الأعراف: 33]

«بگو: همانا (اللّٰه) کارهای زشت را، چه آشکارا باشد و چه پنهان و (نیز) گناه و سرکشی به ناحق را حرام کرده است؛ و اينكه چیزی را شریک اللّٰه قرار دهید که اللّٰه دلیلی بر (حقانیت) آن نازل نکرده است و چیزی را که نمی‌دانید به اللّٰه نسبت دهید (حرام نموده است)».

و اسلام کشتن جان محترم را حرام دانسته است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقۡتُلُواْ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّۗ وَمَن قُتِلَ مَظۡلُومٗا فَقَدۡ جَعَلۡنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلۡطَٰنٗا فَلَا يُسۡرِف فِّي ٱلۡقَتۡلِۖ إِنَّهُۥ كَانَ مَنصُورٗا٣٣﴾[الإسراء: 33]

«و كسى كه اللّٰه (به قتل رساندن آن را) حرام كرده است جز به‏ حق نكشید؛ و هرکس به ستم كشته شود، به قیّم او قدرت (و حق قصاص) داده‌ایم، او نیز نباید در (کیفر) قتل زیاده‌روى كند، بی‌تردید او (ولیّ دَم) تحت حمایت (اللّٰه و شريعت او) قرار دارد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامٗا٦٨﴾[الفرقان: 68]

«و کسانی که معبود دیگری با اللّٰه نمی‌خوانند و کسی که اللّٰه [کشتن او را) حرام کرده است، جز به‏ حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند؛ و هرکس این (گناهان) را مرتکب شود، کیفر گناه (خویش) را می‌بیند».

و همچنین اسلام، فساد و تبهكارى در زمین را حرام دانسته است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَا ...َ٥٦﴾[الأعراف: 56]

«و در زمین پس از اصلاح آن تباهى نكنيد».

اللّٰه ‌متعال از پیامبرش شعیب ÷ خبر می‌دهد که ایشان خطاب به قومش فرمود:

﴿وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ قَدۡ جَآءَتۡكُم بَيِّنَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡۖ فَأَوۡفُواْ ٱلۡكَيۡلَ وَٱلۡمِيزَانَ وَلَا تَبۡخَسُواْ ٱلنَّاسَ أَشۡيَآءَهُمۡ وَلَا تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ بَعۡدَ إِصۡلَٰحِهَاۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ٨٥﴾[الأعراف: 85]

«ای قوم من، اللّٰه را عبادت کنید که جز او معبودی (بحق) ندارید، یقیناً از (سوی) پروردگارتان برای شما دلیلی روشن آمده است، پس (حق) پیمانه و ترازو را کامل (و صحيح) ادا کنید و از (ارزش) كالاى مردم نکاهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، اگر ایمان دارید؛ این برای شما بهتر است».

اسلام سحر و جادوگری را حرام كرده است؛ اللّٰه سبحانه وتعالی می‌فرماید:

﴿وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ٦٩﴾ [طه: 69]

«و آنچه در دست راست خود داری، بیفکن تا [تمام] آنچه ساخته‌اند ببلعد؛ بی‌تردید، آنچه آنان ساخته‌اند، فقط نیرنگ جادوگر است و جادوگر هر جا که باشد (و هرچه انجام دهد)، رستگار نمی‌گردد».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ المُوبِقَاتِ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشِّرْكُ بِاللَّهِ وَالسِّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ مَالِ اليَتِيمِ وَالتَّوَلِّي يَوْمَ الزَّحْفِ وَقَذْفُ المُحْصَنَاتِ المُؤْمِنَاتِ الغَافِلاَتِ». «از هفت گناه هلاک‌كننده دورى كنيد». گفتند: يا رسول ‌اللّٰه، آن‌ها چه هستند؟ فرمودند: «شرک ورزيدن به اللّٰه ‌متعال، سحر، کشتن کسی كه اللّٰه ‌متعال (کشتن) او را حرام كرده است مگر به حق؛ رباخوارى، خوردن مال يتيم، فرار كردن هنگام نبرد و تهمت زدن به زنان مؤمن پاكدامن بى‌گناه». [صحیح بخاری (6857)].

اسلام زشتی‌های آشکار و پنهان و زنا و عمل قوم لوط را حرام دانسته است؛ در آغاز این بخش آیات مربوط به تحریم این موارد ذکر گردید؛ همچنین اسلام رباخوارى را حرام كرده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْٱللَّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓاْ إِن كُنتُم مُّؤۡمِنِينَ٢٧٨ فَإِن لَّمۡ تَفۡعَلُواْ فَأۡذَنُواْ بِحَرۡبٖ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَإِن تُبۡتُمۡ فَلَكُمۡ رُءُوسُ أَمۡوَٰلِكُمۡ لَا تَظۡلِمُونَ وَلَا تُظۡلَمُونَ٢٧٩﴾ [البقرة: 278-279]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از اللّٰه بترسيد اگر مؤمن هستید و آنچه را که از (مطالبات) ربا باقیمانده است، رها کنید (278) پس اگر (چنین) نکردید، بدانید که اللّٰه و رسولش با شما خواهند جنگید و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های‌تان از آن شماست، (بنابراين) نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود».

اللّٰه ‌متعال هیچ گناهکاری را همچون رباخواران تهدید به جنگ نکرده است؛ زیرا رباخوارى به تباهی دین، وطن، مال و جان می‌انجامد.

اسلام مردارخواری و خوردن آنچه برای بت‌ها ذبح شده و گوشت خوک را حرام كرده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿حُرِّمَتۡ عَلَيۡكُمُ ٱلۡمَيۡتَةُ وَٱلدَّمُ وَلَحۡمُ ٱلۡخِنزِيرِ وَمَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ وَٱلۡمُنۡخَنِقَةُ وَٱلۡمَوۡقُوذَةُ وَٱلۡمُتَرَدِّيَةُ وَٱلنَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ ٱلسَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيۡتُمۡ وَمَا ذُبِحَ عَلَى ٱلنُّصُبِ وَأَن تَسۡتَقۡسِمُواْ بِٱلۡأَزۡلَٰمِۚ ذَٰلِكُمۡ فِسۡقٌۗ ...٣﴾ [المائدة: 3]

«(گوشت) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه (هنگام ذبح) نام غیر اللّٰه بر آن برده شود و (حیوانی که) خفه شده و با ضربه مرده باشد و از بلندی افتاده و به ضربه‌ی شاخ (حیوان دیگری) مرده باشد و آنچه درندگان خورده باشند، - مگر آنکه ذبح (شرعی) کرده باشید - و آنچه برای بت‌ها ذبح شده و آنکه با تیرهای فال بخت و قسمت طلب کنید (همه) بر شما حرام شده و (روی آوردن به تمام) این‌ها فسق و نافرمانی است».

اسلام نوشیدن مست كننده‌ها و دیگر انواع نجاست‌ها و ناپاکی‌ها را حرام كرده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٩٠ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ٩١﴾[المائدة: 90-91]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌تردید شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه‌کشی (فالگیری) پلید (و) از عمل شیطان هستند، پس از آن‌ها دوری کنید، شايد که رستگار شوید (90) همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، در میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد اللّٰه و از نماز بازدارد، پس آیا از آن‌ها دست برمی‌دارید؟». پیش‌تر در بخش شماره (31) بیان شد که اللّٰه ‌متعال یکی از صفات رسول ‌اللّٰه ج در تورات را چنین ذکر نموده که ناپاکی‌ها را بر آنان حرام می‌گرداند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ ٱلرَّسُولَ ٱلنَّبِيَّ ٱلۡأُمِّيَّ ٱلَّذِي يَجِدُونَهُۥ مَكۡتُوبًا عِندَهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ يَأۡمُرُهُم بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَىٰهُمۡ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنۡهُمۡ إِصۡرَهُمۡ وَٱلۡأَغۡلَٰلَ ٱلَّتِي كَانَتۡ عَلَيۡهِمۡۚ ...١٥٧﴾ [الأعراف: 157]

«کسانی که از (اين) فرستاده و پیامبر درس نخوانده‌ى (اللّٰه) پیروی می‌کنند، (پیامبرى) که (همانا) نام (و نشانه‌های) نوشته شدۀ او را نزد خود در تورات و انجیل می‌یابند، (كسى كه) آنان را به نیکی‏‌ها فرمان می‌دهد و از پليدى‏‌ها باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برای‌شان حلال می‌گرداند و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند و اعمال مشقت‌بار و قید و بندهایی را که بدان مکلف شده بودند از [عهدۀ] آنان برمى‌دارد».

اسلام، خوردن مال یتیم را حرام كرده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَءَاتُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰٓ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَتَبَدَّلُواْ ٱلۡخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِۖ وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَهُمۡ إِلَىٰٓ أَمۡوَٰلِكُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حُوبٗا كَبِيرٗا ٢﴾ [النساء: 2]

«و به یتیمان اموال‌شان را تحويل دهيد و (اموال) ناپاک (خود) را با (اموال) پاک (یتیمان) عوض نکنید و اموال آنان را (با مخلوط كردن در) اموال خودتان نخورید، به راستی که این گناه بزرگی است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلۡيَتَٰمَىٰ ظُلۡمًا إِنَّمَا يَأۡكُلُونَ فِي بُطُونِهِمۡ نَارٗاۖ وَسَيَصۡلَوۡنَ سَعِيرٗا١٠﴾ [النساء: 10]

«در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتش در شکم خویش فرو می‌برند و به زودی به آتشی برافروخته درمی‌آیند».

اسلام کم‌فروشی از طریق دستکاری پیمانه و ترازو را حرام نموده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَيۡلٞ لِّلۡمُطَفِّفِينَ١ٱلَّذِينَ إِذَا ٱكۡتَالُواْ عَلَى ٱلنَّاسِ يَسۡتَوۡفُونَ ٢ وَإِذَا كَالُوهُمۡ أَو وَّزَنُوهُمۡ يُخۡسِرُونَ٣ أَلَا يَظُنُّ أُوْلَٰٓئِكَ أَنَّهُم مَّبۡعُوثُونَ ٤﴾[المطففين: 1-4]

«واى به حال کم‌فروشان (در پيمانه‌ها و وزن‌ها) (1) کسانی که چون (برای خود) از مردم پیمانه می‌کنند، حق خود را کامل می‌گیرند (2) و هنگامی که (می‌خواهند) برای آنان پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند (3) آیا آنان گمان نمی‌کنند که (روز قیامت فرا می‌رسد و آنان از قبرها) برانگیخته می‏‌شوند؟ (4)».

اسلام قطع پیوند خویشاوندی را حرام كرده است؛ در بخش شمارۀ (31) به ذکر آیات و احادیث دال بر آن پرداختیم؛ و (شريعت) همه اين انبیا و رسولان ﻹ بر تحریم این محرمات اتفاق دارد.

35- اسلام از اخلاق نکوهیده و ناپسندی مانند: دروغ، کلاهبرداری، خیانت، فريبكارى، حسادت، نیرنگ زشت، دزدی، تجاوزگری و ستمگری نهی کرده و از هرگونه اخلاق ناپسنديده‌اى نهى كرده است.

اسلام به طور کلی از اخلاق ناپسند نهى می‌كند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ مَرَحًاۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ١٨﴾ [لقمان: 18]

«و (با بی‌اعتنایی) از مردم روی مگردان و مغرورانه روى زمین راه نرو؛ همانا اللّٰه هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد».

رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «إنَّ من أحبِّكم إليَّ وأقربكم منِّي مَجْلِسًا يومَ القيامةِ أحاسنَكُم أخلاقًا وإنَّ أبغضَكم إليَّ وأبعدَكم منِّي مجلسًا يومَ القيامةِ الثَّرثارونَ والمتشدِّقونَ والمتفَيهِقون». قالوا: يا رسولَ اللَّهِ قد علِمنا الثَّرثارونَ والمتشدِّقونَ فما المتفَيهِقونَ؟ قالَ: «المتكبِّرونَ». «همانا محبوب‌ترین شما نزد من و نزديک‌ترين شما به همنشینی من در روز قیامت، خوش‌اخلاق‌ترین شماست؛ و همانا مبغوض‌ترين شما نزد من و دورترين شما از همنشینی من در روز قيامت، افراد بيهوده‌گو و گزافه‌گو و "مُتَفَيهقون" هستند». گفتند: ای رسول ‌اللّٰه، افراد بيهوده‌گو و گزافه‌كو را می‌شناسيم، اما "مُتَفَيهقون" چه کسانی هستند؟ فرمود: «متكبران». [السلسة الصحيحة (791)].

اسلام از دروغ گفتن نهی می‌کند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿… إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ٢٨﴾[غافر: 28]

«همانا اللّٰه كسى را که اسرافکار دروغگو باشد، هدایت نمی‌کند».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللهِ كَذَّابًا». «از دروغگويى برحذر باشید؛ زیرا دروغگويى (انسان را) به سوی گناهان هدایت می‌کند و گناهان (انسان را) به سوی دوزخ هدایت می‌کند؛ و شخص پيوسته دروغ می‌گوید و در پی دروغگويى می‌باشد تا اينكه به عنوان دروغگو نزد اللّٰه نوشته می‌شود». [صحیح مسلم (2607)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «آيَةُ المُنَافِقِ ثَلاَثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ». «نشانۀ منافق سه چیز است: هرگاه سخن گوید، دروغ مى‌گوید و هرگاه وعده دهد خلاف وعده می‌کند و هرگاه امانتى به او سپرده شود، در آن خیانت می‌کند». [صحیح بخاری (6095)].

اسلام از کلاهبرداری نهی می‌کند. در حديثى آمده که رسول ‌اللّٰه ج (در بازار مدينه) از کنار کیسه‌ای غذا (غلات و حبوبات) مى‌گذشت، پس دستش را درون آن فرو برد که انگشتانش خیس شد، پس فرمود: «این چیست ای صاحب غذا؟» گفت: ای رسول خدا، باران خورده است؛ فرمود: «چرا (قسمت خيس شده‌ى) آن را بالا قرار نداده‌اى تا مردم آن را ببیند؟ کسی که تقلب و کلاهبرداری کند از (پیروان واقعی) من نیست». [صحیح مسلم (102)].

اسلام از خیانت و فریب نهی کرده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَخُونُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ وَتَخُونُوٓاْ أَمَٰنَٰتِكُمۡ وَأَنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ٢٧﴾[الأنفال: 27]

«ای ‌کسانی که ایمان آورده‌اید، به اللّٰه و پیامبر خیانت نکنید و (همچنین) در امانت‏های‌تان خیانت نکنید، درحالی‌که آگاهى داريد». و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱلَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهۡدِ ٱللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ ٱلۡمِيثَٰقَ٢٠﴾[الرعد: 20]

«(همان) کسانی که به پیمان اللّٰه وفادار هستند و عهدشكنى نمى‌كنند».

و رسول ‌اللّٰه ج هنگام فرستادن لشکرى برای جهاد، خطاب به آنان می‌فرمود: «اغْزُوا وَلَا تَغُلُّوا وَلَا تَغْدِرُوا وَلَا تَمْثُلُوا وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا». «جهاد كنيد و در غنایم خیانت نکنید و عهدشکنی نكنيد و مثله نکنید و کودکان را نکشید». [صحیح مسلم (1731)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَعَهَا: إِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ». «چهار (خصلت) وجود دارد که اگر در کسی وجود داشته باشند، منافقی خالص است؛ و هركس در وی یک خصلت از آن‌ها وجود داشته باشد، خصلتی از نفاق در او وجود دارد تا اينكه آن را رها کند: هرگاه او را امانتدار چيزى قرار دهند خیانت كند و هرگاه سخن گوید دروغ گوید و هرگاه عهد و پیمان بندد عهدشکنی كند و هرگاه با كسى خصومت ورزد حق‌کشی كند». [صحیح بخاری (34)].

اسلام از حسادت نهی می‌کند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَمۡ يَحۡسُدُونَ ٱلنَّاسَ عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۖ فَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ ءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ وَءَاتَيۡنَٰهُم مُّلۡكًا عَظِيمٗا ٥٤﴾[النساء: 54]

«آیا به مردم به خاطر آنچه اللّٰه از فضل خویش به آنان بخشیده، حسادت می‌ورزند؟ يقيناً ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت عطا كرديم و به آنان فرمانروایی بزرگی بخشیدیم».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَدَّ كَثِيرٞ مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ لَوۡ يَرُدُّونَكُم مِّنۢ بَعۡدِ إِيمَٰنِكُمۡ كُفَّارًا حَسَدٗا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم مِّنۢ بَعۡدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ ٱلۡحَقُّۖ فَٱعۡفُواْ وَٱصۡفَحُواْ حَتَّىٰ يَأۡتِيَ ٱللَّهُ بِأَمۡرِهِۦٓۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ١٠٩﴾ [البقرة: 109]

«بسيارى از اهل کتاب، از روی حسدی که در وجودشان است، آرزو دارند که شما را بعد از ایمان‌تان به حال کفر باز گردانند، پس از اینکه حق برای آنان روشن شده است؛ پس شما عفو کنید و در گذرید، تا اللّٰه فرمان خویش را (برای جهاد با آنان) صادر نماید، همانا اللّٰه بر هر چیزی تواناست».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الأُمَمِ قَبْلَكُمْ: الحَسَدُ وَالبَغْضَاءُ هِيَ الحَالِقَةُ لَا أَقُولُ تَحْلِقُ الشَّعَرَ وَلَكِنْ تَحْلِقُ الدِّينَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَفَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِمَا يُثَبِّتُ ذَلِكَ لَكُمْ؟ أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ». «بيمارى‌هاى (درونى) امت‌های پيش از شما كه حسادت و کینه‌توزی است، در میان شما هم پدیدار شده‌اند و آن‌ها تراشنده هستند، نمی‌گویم: موها را مى‌تراشند، بلکه دین را مى‌تراشند (و از بين مى‌برند)، قسم به آنكه جانم در دست اوست، وارد بهشت نمی‌شوید تا آنكه ایمان بياوريد، و ایمان نمی‌آورید تا اينكه یکدیگر را دوست بدارید؛ آیا شما را از چیزی آگاه نسازم که این دوستی و محبت را برای شما پایدار می‌کند؟ سلام كردن را در بين یکديگر منتشر كنيد». [سنن ترمذی (2510)].

اسلام از نیرنگ‌های بد نهی می‌کند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَا فِي كُلِّ قَرۡيَةٍ أَكَٰبِرَ مُجۡرِمِيهَا لِيَمۡكُرُواْ فِيهَاۖ وَمَا يَمۡكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمۡ وَمَا يَشۡعُرُونَ١٢٣﴾[الأنعام: 123]

«و اينگونه در هر شهرى بزرگان آن را بزهكاران قرار داديم تا در آن به نیرنگ بپردازند و آنان جز به خود نیرنگ نمی‌زنند، ولى خودشان درک نمی‌كنند».

اللّٰه ‌متعال ما را آگاه نموده که یهودیان تلاش کردند مسیح ÷ را بکشند، اما اللّٰه نیرنگ‌شان را به آنان بازگرداند و بیان داشت که نیرنگ بد تنها گریبان نیرنگ‌کنندگان را خواهد گرفت؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ فَلَمَّآ أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنۡهُمُ ٱلۡكُفۡرَ قَالَ مَنۡ أَنصَارِيٓ إِلَى ٱللَّهِۖ قَالَ ٱلۡحَوَارِيُّونَ نَحۡنُ أَنصَارُ ٱللَّهِ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَٱشۡهَدۡ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ ٥٢ رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ٥٣ وَمَكَرُواْ وَمَكَرَ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ٥٤ إِذۡ قَالَ ٱللَّهُ يَٰعِيسَىٰٓ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَجَاعِلُ ٱلَّذِينَٱتَّبَعُوكَ فَوۡقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأَحۡكُمُ بَيۡنَكُمۡ فِيمَا كُنتُمۡ فِيهِ تَخۡتَلِفُونَ٥٥﴾[آل عمران: 52-55]

«پس هنگامى كه عیسی از ايشان احساس کفر (و نافرمانى) كرد، گفت: چه کسانی یاوران من (در راه دعوت) به سوی اللّٰه هستند؟ حواریون گفتند: ما یاوران (دین) اللّٰه هستیم، به اللّٰه ایمان آورده‌ایم و (تو نیز) گواه باش که ما تسلیم (او) هستیم (52) پروردگارا، به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آوردیم و از فرستادۀ (تو) پیروی نمودیم، پس ما را در زمرۀ گواهان بنویس (53) پس (يهوديان و دشمنان عيسى براى كشتن او) مکر ورزیدند و اللّٰه (نیز در مقابل‌شان) مکر نمود و اللّٰه بهترین مکرکنندگان است (54) (به یاد آوريد) هنگامی که اللّٰه به عیسی فرمود: ای عیسی، من تو را (هم اكنون) به سوی خویش بالا می‌برم و (بعد از آنكه تو را به زمين فروفرستادم) مى‌ميرانم و تو را از (تهمت‌هاى) کسانی که کفر ورزیده‌اند، پاک می‌گردانم (و رها مى‌سازم) و تا روز رستاخیز کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، برتر از کسانی قرار می‌دهم که کفر ورزیده‌اند، سپس بازگشت‌تان به سوی من است، آنگاه در (مورد) آنچه اختلاف داشتيد، در میان‌تان داوری می‌کنم». و اللّٰه ‌متعال خبر داده که قوم پیامبرش صالح ÷ نیز قصد کشتن او را داشتند و تدبیر و نیرنگ بخرج دادند که اللّٰه نیرنگ‌شان را به خودشان باز گرداند و خودشان و قوم‌شان را نابود ساخت. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قَالُواْ تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ مَا شَهِدۡنَا مَهۡلِكَ أَهۡلِهِۦ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ٤٩ وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا وَمَكَرۡنَا مَكۡرٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ٥٠ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ مَكۡرِهِمۡ أَنَّا دَمَّرۡنَٰهُمۡ وَقَوۡمَهُمۡ أَجۡمَعِينَ٥١﴾[النمل: 49-51]

«گفتند: به اللّٰه سوگند یاد کنید که بر صالح و خانواده‌اش شبیخون مى‌زنيم (و آنان را به قتل مى‌رسانيم)، سپس به ولى دم او مى‌گوییم: ما هنگام نابودى خانواده‌اش حاضر نبودیم و قطعاً راست می‌گوییم (49) و آنان (برای قتل صالح و پیروانش) نیرنگی انديشيدند و ما (نیز برای نابودی کافران) چاره‌ای اندیشیدیم، درحالی‌که آنان نمی‌دانستند (50) پس بنگر عاقبت نیرنگ‌شان چه شد كه ما همۀ آنان و قوم‌شان را نابود کردیم».

اسلام از دزدی نهی می‌کند؛ رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «لاَ يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلاَ يَسْرِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلاَ يَشْرَبُ حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَالتَّوْبَةُ مَعْرُوضَةٌ بَعْدُ». «زناکار در حین زنا مؤمن نیست و سارق حین سرقت مؤمن نیست و شرابخوار در حین شراب نوشيدن مؤمن نیست و هنوز (درگاه) توبه كردن باز است». [صحیح بخاری (6810)].

اسلام از تجاوزگرى نهی می‌کند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿۞ إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٩٠﴾[النحل: 90]

«همانا اللّٰه به عدالت، نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان دستور می‌دهد و از فحشا، منكر و تجاوزگرى نهى می‌كند، اللّٰه شما را نصحيت می‌كند، شايد پند گیرید».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «إنَّ اللهَ أوحى إليَّ أن تَواضَعُوا حتى لا يَبغِي أحدٌ على أحدٍ ولا يفخَرَ أحدٌ على أحدٍ». «همانا اللّٰه به من وحی کرده که تواضع پیشه باشيد تا اينكه کسی بر کسی (ظلم و) تجاوزگرى نكند و کسی بر کسى فخرفروشى ننماید». [صحیح ابوداود (4895)].

اسلام از ستمگری نهی کرده است؛ اللّٰه ‌متعال مى‌فرمايد:

﴿... وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ٥٧﴾[آل عمران: 57]

«و اللّٰه ستمکاران را دوست ندارد». و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿... إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ٢١﴾[الأنعام: 21]

«همانا او ستمگران را رستگار نمى‌كند». و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿... وَٱلظَّٰلِمِينَ أَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابًا أَلِيمَۢا٣١﴾[الإنسان: 31]

«و برای ستمگران، عذابی دردناک تدارک دیده است». .و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُمْ: الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَالصَّائِمُ حَتَّى يُفْطِرَ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ تُحْمَلُ عَلَى الْغَمَامِ وَتُفْتَحُ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاوَاتِ وَيَقُولُ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتِي لَأَنْصُرَنَّكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ». «سه نفر دعای‌شان رد نمی‌شود: حاکم عادل و روزه‌دار تا آنكه افطار کند و دعای مظلوم که بر روی ابرها حمل می‌شود و درهای آسمان‌ها برایش گشوده می‌شود و پروردگار ﻷ می‌فرماید: قسم به عزتم، تو را یاری خواهم داد، اگرچه پس از مدتی باشد». [امام مسلم آن را مختصرا روايت كرده است، (2749) و امام ترمذی با شماره (2526) با اندكى اختلاف و امام احمد با شماره (8043) آن را روايت كرده است؛ واین لفظ، روايت امام احمد است].

و هنگامی که پیامبرمان محمد ج، معاذ بن جبل را به یمن فرستاد، از جمله توصیه‌هایی كه به ایشان داشت این بود که فرمود: «وَاتَّقِ دَعْوَةَ المَظْلُومِ فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ». «و از دعای مظلوم بترس که میان آن و اللّٰه پرده و حجابى نیست». [صحیح بخاری (1496)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «أَلَا مَن ظَلم مُعاهِداً أو انتَقصَهُ أو كلَّفَهُ فوقَ طاقَتِه أو أخَذ منهُ شيئاً بِغيرِ طِيبِ نَفسِ فأنا حَجِيجُهُ يوم القيامةِ». «آگاه باشید که هرکس به اهل عهد و پيمان (از جمله كافرانى كه با اجازه‌ی رسمى وارد دولت اسلامى شده‌اند) ستم ورزد یا از حق او چیزی کم کند (یا از او عیبجویی و خرده‌گیری کند) یا بیش از توانش او را مکلف نماید و بدون رضایتش چیزی از وی بگیرد، من در روز قیامت از او دفاع خواهم كرد». [سنن ابو ‌داود (3052)].

پس -چنانكه می‌بینید- اسلام از هرگونه اخلاق زشت و ناروا یا رفتار ستمگرانه یا ظالمانه نهی می‌کند.

36- اسلام از هر معامله مالی که در بر دارندۀ ربا یا زیان یا ابهام یا ظلم یا تقلب باشند یا به فاجعه‌ها و زیان عمومى به جوامع، ملت‌ها و افراد منجر مى‌شود، نهی کرده است.

اسلام از هر معامله مالی که در بر دارندۀ ربا یا زیان یا ابهام یا ظلم یا تقلب باشد یا به فاجعه‌ها و زیان عمومى به جوامع، ملت‌ها و افراد منجر مى‌شود، نهی کرده است. در آغاز این بخش، آیات و احادیث دال بر تحریم ربا یا ظلم و تقلب و تباهى در زمین را ذکر کردیم؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ٥٨﴾ [الأحزاب: 58]

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون اينكه مرتكب (عمل زشتى) شده باشند، آزار مى‌دهند، قطعاً بهتان و گناه آشکارى را به دوش كشيده‌اند».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مَّنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَنۡ أَسَآءَ فَعَلَيۡهَاۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّٰمٖ لِّلۡعَبِيدِ ٤٦﴾[فصلت: 46[

«هرکس عمل شايسته‌اى انجام دهد، پس به سود خودش است و هرکس عمل بدى انجام دهد، پس به زیان خودش است؛ و پروردگار تو هرگز به بندگان (خويش) ستم نمی‌کند».

و در سنت آمده است که: رسول ‌اللّٰه ج حکم نمودند که نباید زيان رساند و زيان ديد. ابو داود آن را در سنن روايت كرده است.

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «مَن كانَ يُؤْمِنُ باللَّهِ والْيَومِ الآخِرِ فلا يُؤْذِي جارَهُ، ومَن كانَ يُؤْمِنُ باللَّهِ والْيَومِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ، ومَن كانَ يُؤْمِنُ باللَّهِ والْيَومِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا، أوْ لِيسْكُتْ». وفي روايةٍ: «فَلْيُحْسِنْ إلى جارِهِ». «هرکس به اللّٰه و روز قيامت ایمان دارد، به همسایه‌اش آزار نرساند و کسی که به اللّٰه و روز قيامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی دارد؛ و هرکس به اللّٰه و روز قيامت ایمان دارد، یا باید سخنی نیک بگوید و یا ساکت باشد». و در روایت دیگرى آمده است: «پس باید به همسایه‌اش نیکی ورزد». [صحیح مسلم (47)].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «عُذِّبَتِ امْرَأَةٌ فِي هِرَّةٍ سَجَنَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ فَدَخَلَتْ فِيهَا النَّارَ لَا هِيَ أَطْعَمَتْهَا وَسَقَتْهَا إِذْ هِيَ حَبَسَتْهَا وَلَا هِيَ تَرَكَتْهَا تَأْكُلُ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ». «زنی به سبب گربه‌ای که آن را حبس کرده بود تا اينكه آن گربه مُرد، وارد جهنم شد، زيرا (اين زن) نه به آن گربه آب و غذا داده بود و نه اينكه آن را رها كرده بود تا از خس و خاشاک زمین بخورد، بلكه آن را حبس كرده بود». [صحیح بخاری (3482)].

این دربارۀ کسی است که به گربه‌ای آزار رسانده است، در این صورت وضعيت کسی که آزارش به مردم رسيده، چگونه خواهد بود؟

از ابن عمر روایت است که می‌گوید: رسول ‌اللّٰه ج به بالاى منبر رفت و با صدایی بلند ندا داد و فرمود: «يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُفْضِ الإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لاَ تُؤْذُوا الْمُسْلِمِينَ وَلاَ تُعَيِّرُوهُمْ وَلاَ تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَبَّعَ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ رَحْلِهِ». قَالَ: وَنَظَرَ ابْنُ عُمَرَ يَوْمًا إِلَى البَيْتِ أَوْ إِلَى الكَعْبَةِ فَقَالَ: مَا أَعْظَمَكِ وَأَعْظَمَ حُرْمَتَكِ وَالمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً عِنْدَ اللهِ مِنْكِ. «ای دسته‌ای که با زبان ایمان آورده‌اید و ایمان به قلب‌تان نرسیده، مسلمانان را آزار نرسانید و از آنان عیبجویی نکنید و دنبال امور پوشیده و اسرار آنان نباشید که هرکس پیگیر امور پنهان و اسرار برادر مسلمانش باشد، اللّٰه نيز پیگیر امور پنهان او خواهد بود و کسی که اللّٰه پیگیر امور پنهان او باشد، رسوايش خواهد کرد حتی اگر در درون خانه‌اش باشد». راوی می‌گوید: روزی ابن عمر به کعبه نگاه کرد و گفت: چه بزرگ هستى و چه حرمت تو بزرگ است، اما مؤمن حرمت بیشتری نزد اللّٰه از تو دارد. [امام ترمذی با شماره (2032) و ابن حبان با شماره (5763) آن را روايت كرده‌اند].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الآخِرِ فَلاَ يُؤْذِ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَاليَوْمِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ». «هرکس به اللّٰه و روز قيامت ایمان دارد، نباید به همسایه‌اش آزار برساند و هرکس به اللّٰه و روز قيامت ایمان دارد، باید مهمانش را گرامی دارد و هرکس به اللّٰه و روز قيامت ایمان دارد یا باید سخن نیک بگوید و یا ساکت باشد». [صحیح بخاری (6018)].

و از ابوهریره س روایت است که پیامبر ج فرمود: «هَلْ تَدْرُونَ مَنِ الْمُفْلِسُ؟» «آیا می‌دانید مفلس و ورشکسته کیست؟». گفتند: مفلس و ورشکسته نزد ما کسی است که نه درهمی دارد و نه کالایی؛ فرمود: «إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصِيَامٍ وَصَلَاةٍ وَزَكَاةٍ وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ عِرْضَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا وَأَكَلَ مَالَ هَذَا فَيُقْعَدُ فَيَقُصُّ هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يَقْضِيَ مَا عَلَيْهِ مِنَ الْخَطَايَا أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ)». «مفلس و ورشکسته در امت من کسی است که در روز قیامت با (توشه‌ى) روزه و نماز و زکات می‌آید درحالی‌که به ناموس این دشنام داده و به دیگری تهمت زده و مال این را خورده است، پس در جايش نشانده می‌شود و این از نیکی‌هایش بر می‌دارد و آن يكى از نیکی‌هایش بر می‌دارد، پس هرگاه نیکی‌هایش پیش از اتمام پرداخت بدهی‌هایش به سبب گناهانش به پایان برسد، از گناهان آنان برداشته می‌شود و بر (گردن) او انداخته می‌شود، سپس در آتش افکنده می‌شود». [امام مسلم با شماره (2581) و امام ترمذی با شماره (2418) و امام احمد با شماره (8029) آن را روايت كرده‌اند؛ و این لفظ امام احمد است].

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «كَانَ عَلَى الطَّرِيقِ غُصْنُ شَجَرَةٍ يُؤْذِي النَّاسَ فَأَمَاطَهَا رَجُلٌ فَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ». «شاخه‌ى درختی در مسیرى قرار داشت كه مردم را اذیت می‌کرد، پس مردی آن را از سر راه برداشت و (به همين سبب) وارد بهشت شد». [امام بخاری با شماره (652) به همین معنا و امام مسلم با شماره (1914) همانند آن و امام ابن ماجه با شماره (3682) و امام احمد با شماره (10432) آن را روايت كرده‌اند و لفظ حدیث مذکور از روایت ابن ماجه و امام احمد است].

برداشتن اسباب آزار و اذيت مردم از مسیر راه باعث وارد شدن به بهشت می‌شود، نظرتان در مورد کسی چیست که به مردم آزار می‌رساند و زندگی‌شان را تباه نموده و مختل می‌کند؟

37- اسلام آمده تا عقل را حفظ کند و هر آنچه به تباهی عقل می‌انجامد، مانند: نوشیدن مست‌كننده‌ها، حرام کرده است؛ و منزلت عقل را بزرگ‌داشته است و آن را ملاک تكاليف شرعى قرار داده است؛ و آن را از زنجیرهاى خرافات و بت‌پرستی رهانیده است؛ در اسلام هیچ اسرار یا احکامی نیست که مخصوص یک طبقۀ خاص باشد و همۀ احکام و قوانین آن موافق عقل صحیح و بر مبنای عدالت و حکمت است.

اسلام آمده تا عقل را حفظ نماید و منزلت آن را بالا ببرد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿... إِنَّ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡبَصَرَ وَٱلۡفُؤَادَ كُلُّ أُوْلَٰٓئِكَ كَانَ عَنۡهُ مَسۡـُٔولٗا ٣٦﴾[الإسراء: 36]

«همانا شنوایی، بینایی و قلب، همه آن‌ها مورد پرسش واقع خواهند شد».

بنابراین بر انسان واجب است که از عقل خود محافظت کند، از همین روی اسلام مست‌كننده‌ها و مواد مخدر را حرام دانسته است؛ در بخش شمارۀ (34) دلایل تحریم مست‌كننده‌ها ذکر شد و آیات بسیاری از قرآن کریم با این سخن اللّٰه ‌متعال به پایان می‌رسد:

﴿... لَعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ٢٤٢﴾[البقرة: 242]

«شايد شما خرد ورزید».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَعِبٞ وَلَهۡوٞۖ وَلَلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٣٢﴾ [الأنعام: 32]

«و زندگی دنیا چیزی جز بازیچه و سرگرمی نیست و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهيزگارند بهتر است، آیا نمی‌اندیشید؟».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا لَّعَلَّكُمۡ تَعۡقِلُونَ٢﴾[يوسف: 2]

«همانا ما قرآن را (به زبان) عربی نازل کردیم، شايد شما بیندیشید».

اللّٰه ‌متعال بیان نموده که تنها خردمندان و صاحبان عقل از هدایت و حکمت بهره می‌برند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يُؤۡتِي ٱلۡحِكۡمَةَ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُؤۡتَ ٱلۡحِكۡمَةَ فَقَدۡ أُوتِيَ خَيۡرٗا كَثِيرٗاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ٢٦٩﴾[البقرة: 269]

«(اللّٰه) به هر كسى كه بخواهد حکمت می‌دهد و بی‌تردید، به هر كسى كه حکمت داده باشد، خیر فراوانی بخشيده است؛ و جز خردمندان پند نمی‌گیرند».

از همین‌رو اسلام عقل را معیار تکلیف قرار داده است؛ رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ». «تكاليف شرعى از سه کس برداشته شده‌اند: از آنکه خوابیده تا بیدار شود و از کودک تا آنكه به بلوغ برسد و از دیوانه تا آنكه عاقل شود». [امام بخاری آن را به صورت معلق اما با صیغه‌ی جزم قبل از ذكر حدیث (5269) آورده است؛ و امام ابوداود آن را با شماره (4402) به صورت متصل روایت کرده و لفظ مذکور روایت اوست؛ و امام ترمذی با شماره (1432) و نسائی در سنن کبری با شماره (7346) و امام احمد با شماره (956) با اختلافی اندک و ابن ماجه با شماره (2042) و به صورت مختصر آن را روايت كرده‌اند].

و او را از زنجیرهاى خرافات و بت‌پرستی آزاد کرده است؛ اللّٰه ‌متعال دربارۀ حال امت‌هايى که به خرافات خود چنگ می‌زنند و حقی را که از سوی اللّٰه آمده رد می‌کنند، می‌فرماید:

﴿وَكَذَٰلِكَ مَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ فِي قَرۡيَةٖ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا عَلَىٰٓ أُمَّةٖ وَإِنَّا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم مُّقۡتَدُونَ ٢٣﴾[الزخرف: 23]

«و اينگونه در هیچ (شهر و) روستايى پیش از تو هشدار دهنده‌ای نفرستادیم، مگر اینکه مفسدان خوشگزارن آن‌ها گفتند: ما نیاکان خود را بر آیینی یافته‌ايم و بی‌گمان ما به ميراث (بجامانده) آنان پايبند هستيم».

و اللّٰه ‌تعالی در بیان حال ابراهیم خلیل ÷ آورده که ایشان خطاب به قومش فرمود:

﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَا هَٰذِهِ ٱلتَّمَاثِيلُ ٱلَّتِيٓ أَنتُمۡ لَهَا عَٰكِفُونَ٥٢ قَالُواْ وَجَدۡنَآ ءَابَآءَنَا لَهَا عَٰبِدِينَ٥٣﴾[الأنبياء: 52-53]

«این مجسمه‌ها چه هستند که شما براى (عبادت) آن‌ها (در كنارشان) اعتكاف كرده‌ايد؟! (52) گفتند: ما پدران خود را عبادت‌کنندگان آن‌ها یافته‌ایم». پس اسلام آمد و مردم را به ترک عبادت بت‌ها و رها کردن خرافات موروثی از پدران و اجداد فراخواند و به پیروی از راه پیامبران ﻹ دعوت نمود.

و در اسلام اسرار یا احکامی نیست که مخصوص طبقه‌ای خاص باشد. از علی بن ابی طالب س که پسر عموی پیامبر ج و داماد ایشان بود، پرسیدند: آیا رسول ‌اللّٰه ج چیزی را مخصوص شما قرار داده است؟ فرمود: رسول ‌اللّٰه ج چیزی را مخصوص ما قرار ندادند که آن را به همۀ مردم نگفته باشند، مگر آنچه در غلاف این شمشیرم است؛ سپس صحیفه‌ای را بیرون آورد که در آن نوشته بود: اللّٰه لعنت کند كسى كه برای غیر اللّٰه قربانی کند و اللّٰه لعنت كند کسی که نشانه‌ها (و حد و مرزهاى) زمین را بدزدد (و تغيير دهد تا زمین مردم را تصاحب کند) و اللّٰه لعنت کند کسی که پدرش را لعن کند و اللّٰه لعنت کسی که جنایتکاری را پناه دهد». [صحیح مسلم (1978)].

همۀ احکام اسلام و تشريعات آن موافق با عقل سالم هستند و به مقتضای عدل و حکمت.

38- و در همۀ ادیان باطل، وقتی پیروان‌شان نتوانند تناقض موجود در این ادیان را درک کنند و از فهم امور خلاف عقل موجود در تعالیم آن ادیان ناتوان بمانند، مراجع دینی‌شان این توهم را در بین آنان ايجاد كرده‌اند که دین فراتر از عقل است و عقل نمی‌تواند دین را درک كند، درحالی‌که اسلام، دین را همانند نورى می‌داند که راه را برای عقل روشن می‌سازد، اما پیروان ادیان باطل از انسان می‌خواهند که عقل خود را کنار گذاشته و پیرویِ آنان شوند، درحالی‌که اسلام از انسان می‌خواهد که عقل خود را بیدار کند و به کار اندازد تا حقیقت امور را چنانکه هستند بشناسد.

و در همۀ ادیان باطل، وقتی پیروان‌شان نتوانند تناقض موجود در این ادیان را درک کنند و از فهم امور خلاف عقل موجود در تعالیم آن ادیان ناتوان بمانند، مراجع دینی‌شان این توهم را در بین آنان ايجاد كرده‌اند که دین فراتر از عقل است و عقل نمی‌تواند دین را درک كند، درحالی‌که اسلام، دین را همانند نورى می‌داند که راه را برای عقل روشن می‌سازد، اما پیروان ادیان باطل از انسان می‌خواهند که عقل خود را کنار گذاشته و پیرویِ آنان شوند، درحالی‌که اسلام از انسان می‎‌خواهد که عقل خود را بیدار کند و به کار اندازد تا حقیقت امور را چنانکه هستند بشناسد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَكَذَٰلِكَ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ رُوحٗا مِّنۡ أَمۡرِنَاۚ مَا كُنتَ تَدۡرِي مَا ٱلۡكِتَٰبُ وَلَا ٱلۡإِيمَٰنُ وَلَٰكِن جَعَلۡنَٰهُ نُورٗا نَّهۡدِي بِهِۦ مَن نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَاۚ وَإِنَّكَ لَتَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ٥٢﴾ [الشورى: 52]

«و اينگونه بر تو (ای پیامبر) روحی را (كه قرآن کریم است) به فرمان خود وحی کردیم، تو (پیش از این) نمی‌دانستی كه کتاب و ایمان چیست، ولی ما آن را نوری قرار دادیم، (تا) با آن هرکس از بندگان‌مان را که بخواهیم، هدایت کنیم؛ و همانا تو (ای پیامبر انسان‌ها را) به سوى راه راست هدایت می‌کنی».

وحی الهی شامل دلایل و براهین کافی مى‌باشد که عقل‌های سالم را به سوی دلایلی راهنمایی می‌کند که شوق شناخت و ایمان به آن را دارد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَكُم بُرۡهَٰنٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَأَنزَلۡنَآ إِلَيۡكُمۡ نُورٗا مُّبِينٗا ١٧٤﴾ [النساء: 174]

«ای مردم! همانا دلیل و برهانى از جانب پروردگارتان برای شما آمده و نوری آشکار را به سوی شما نازل کردیم».

خواسته‌ی اللّٰه سبحانه و تعالی برای انسان‌ این است که در نور هدایت و علم و حقیقت زندگی کنند، اما خواسته‌ی شیاطین و طواغیت این است که انسان در تاریکی‌های کفر و جهل و گمراهی باقی بماند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَوۡلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخۡرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِۗ...٢٥٧﴾ [البقرة: 257]

«اللّٰه دوستدار کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‏‌هاى (كفر و شرک) بيرون مى‌آورد و به سوی نور (ايمان) هدايت مى‌كند و کسانی که کافر شده‌اند، دوستداران‌شان طاغوت هستند (که) آنان را از نور (ایمان) به سوی تاریکی‏‌های (کفر و شرک) بیرون می‌برند».

39- اسلام، علم صحیح را گرامی می‌دارد و به پژوهش علمی خالى از هرگونه هوای نفس تشویق می‌کند؛ و به ديدن و انديشيدن در درون خود و جهان پیرامون‌مان فرا می‌خواند؛ و نتایج علمی صحیح با اسلام تعارضی ندارند.

اسلام، علم صحیح را پاس می‌دارد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿… يَرۡفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ دَرَجَٰتٖۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ١١﴾ [المجادلة: 11]

«اللّٰه (مقام و منزلت) کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی که به آنان علم ارزانى شده است (بر حسب) درجات بالا مى‌برد و اللّٰه به آنچه انجام مى‌دهيد، آگاه است».

اللّٰه ‌متعال شهادت علما را در کنار شهادت خود و شهادت ملائکه‌اش برای بزرگ‌ترین شهادت قرارداده است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿شَهِدَ ٱللَّهُ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَأُوْلُواْ ٱلۡعِلۡمِ قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡعَزِيزُٱلۡحَكِيمُ١٨﴾[آل عمران: 18]

«اللّٰه گواهی داده که معبودی (بحق) جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش، (نیز بر این مطلب گواهی می‌دهند)، درحالی‌که (اللّٰه در جهان هستی) قیام به عدالت دارد، معبودی (بحق) جز او نیست (و او) توانمند حکیم است».

و این بیانگر جایگاه والای علما و دانشمندان در اسلام است؛ و اللّٰه ‌متعال پیامبرش را به افزون‌طلبی در هیچ موردی امر نکرده، مگر در باب علم؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿... وَقُل رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا١١٤﴾ [طه: 114]

«و (اى پيامبر) بگو پروردگارا! به علم من بیفزا».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ حَتَّى الْحِيتَانِ فِي الْمَاءِ وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ». «هرکس راهى را در جستجوی علم و دانش دنبال كند، اللّٰه راهی به سوی بهشت برایش هموار می‌سازد و ملائکه از باب رضایت از طالب علم، بال‌های‌شان را برای او می‌گشایند؛ و برای طالب علم همۀ کسانی که در آسمان و زمین هستند، حتی ماهى‌ها در آب، آمرزش می‌طلبند؛ و همانا برتری عالم بر عابد، مانند برتری ماه بر ساير ستارگان است، علما وارثان پیامبرانند و پیامبران دینار و درهمى به ارث نگذاشته‌اند؛ بلکه علم را به ارث گذاشته‌اند، پس هركسى آن را فراگیرد سهم زیاد و فراوانی را دریافت کرده است». [ابوداود آن را با شماره (3641) وترمذی با شماره (2682) و ابن ماجه با شماره (223) و امام احمد با شماره (21715) روايت كرده‌اند؛ و لفظ مذکور، روايت ابن ماجه است].

همچنین اسلام به پژوهش علمی به دور از هوای نفس تشویق می‌کند و به بررسى و اندیشه در خود و در جهان پیرامون فرا می‌خواند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿سَنُرِيهِمۡ ءَايَٰتِنَا فِي ٱلۡأٓفَاقِ وَفِيٓ أَنفُسِهِمۡ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمۡ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّۗ أَوَلَمۡ يَكۡفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدٌ٥٣﴾[فصلت: 53]

«به زودی نشانه‏‌هاى خود را در آفاق (هستى) و در (وجود) خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برای‌شان روشن شود كه قرآن حق است، آیا كافى نیست كه پروردگارت بر هر چیزی گواه است؟».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَوَلَمۡ يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ وَأَنۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقۡتَرَبَ أَجَلُهُمۡۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ١٨٥﴾ [الأعراف: 185]

«آیا در مُلک (گسترده، عظيم و شگفت انگيز) آسمان‏‌ها‏ و زمین و آنچه را كه اللّٰه آفریده، نمی‌نگرند؟ و (آیا فکر نمی‌کنند) شاید اجل‌شان نزدیک شده باشد؟ پس بعد از این (قرآن) به کدام سخن ایمان می‌آورند؟».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَأَثَارُواْ ٱلۡأَرۡضَ وَعَمَرُوهَآ أَكۡثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ٩﴾ [الروم: 9]

«آیا در زمین گردش نکردند، تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟! (آنان) نیرومندتر از اینان بودند و در زمین دگرگونی به وجود آوردند و آن را بیشتر از آنچه (اینان) آبادش کرده‌اند، آباد کردند؛ و پیامبران‌شان با دلایل روشن به سوی آن‌ها آمدند، پس اللّٰه بر آن نبود که بر آنان ستم کند و لیکن (آنان) به خودشان ستم می‌کردند».

نتایج تحقيقات علمی صحیح در علوم تجريبی، با اسلام تعارضی ندارد؛ در اينجا تنها یک مثال ذكر مى‌كنيم که قرآن دربارۀ آن بیش از هزار و چهار صد سال پیش جزئیات دقيقى را ارائه داده است؛ چیزی که علم نوین اخیراً به آن پی برده است؛ و آن آفرینش جنین در شکم مادر است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن طِينٖ١٢ ثُمَّ جَعَلۡنَٰهُ نُطۡفَةٗ فِي قَرَارٖ مَّكِينٖ١٣ ثُمَّ خَلَقۡنَا ٱلنُّطۡفَةَ عَلَقَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡعَلَقَةَ مُضۡغَةٗ فَخَلَقۡنَا ٱلۡمُضۡغَةَ عِظَٰمٗا فَكَسَوۡنَا ٱلۡعِظَٰمَ لَحۡمٗا ثُمَّ أَنشَأۡنَٰهُ خَلۡقًا ءَاخَرَۚ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحۡسَنُ ٱلۡخَٰلِقِينَ١٤﴾[المؤمنون: 12-14]

«و قطعاً، انسان را از چکیده‌ای از گِل آفریدیم (12) سپس او را بصورت نطفه‌ای در قرارگاهی استوار (رحِم) قرار داديم (13) سپس نطفه را (بصورت) خون بسته درآورديم و آنگاه خونِ بسته را (بصورت) پاره گوشتی درآورديم، سپس پاره گوشت را (بصورت) استخوان درآوردیم و آنگاه بر استخوان‏‌ها گوشت پوشاندیم، سپس آن (جنین) را آفرینش دیگرى بخشیدیم، (پر برکت و) بزرگوار است پروردگارى که نیکوترین آفریننده است (14)».

40- اللّٰه عملى را نمی‌پذیرد و در آخرت پاداشی برای آن نمی‌دهد مگر از کسی که به اللّٰه ایمان آورد و از او اطاعت کند و همۀ پیامبرانش -علیهم الصلاة والسلام- را تصدیق کند؛ و اللّٰه هیچ عبادتی را نمی‌پذیرد مگر عبادتی که خود آن را مشروع كرده است، با این همه چگونه انسان می‌تواند به اللّٰه کفر ورزد، اما از او انتظار پاداش داشته باشد؟ اللّٰه ایمان هیچیک از مردم را نمی‌پذیرد مگر آنکه به همۀ پیامبران ایمان آورند و به رسالت محمد ج ايمان آورند.

اللّٰه ‌متعال عمل انسان را نمی‌پذیرد و در آخرت برای آن پاداشى نمی‌دهد مگر از کسی که به اللّٰه ایمان آورد و از او اطاعت کند و پیامبرانش ﻹ را تصديق كند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا مَّدۡحُورٗا١٨ وَمَنۡ أَرَادَ ٱلۡأٓخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعۡيَهَا وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ كَانَ سَعۡيُهُم مَّشۡكُورٗا١٩﴾ [الإسراء: 18-19]

«هرکس خواهان (دنیاى) زودگذر است، آنچه بخواهيم براى كسى كه بخواهیم در اين دنيا فراهم مى‌آوريم، سپس (در روز قيامت) دوزخ را نصیبش می‌کنیم كه در آنجا خوار و رانده شده، وارد می‌گردد (18) و هرکس (زندگی) آخرت را بخواهد و برای (رسیدن به) آن با جدیّت بکوشد و مؤمن باشد، اینان کسانی هستند که از تلاش‌شان قدردانی خواهد شد».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿فَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا كُفۡرَانَ لِسَعۡيِهِۦ وَإِنَّا لَهُۥ كَٰتِبُونَ٩٤﴾ [الأنبياء: 94]

«هرکس کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، در برابر کوشش او ناسپاسی نخواهد شد و ما (اعمالش) را برای او می‌نویسیم».

و اللّٰه ‌متعال عبادتی را نمی‌پذیرد مگر آنچه خود آن را مشروع كرده باشد؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿... فَمَن كَانَ يَرۡجُواْ لِقَآءَ رَبِّهِۦ فَلۡيَعۡمَلۡ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَلَا يُشۡرِكۡ بِعِبَادَةِ رَبِّهِۦٓ أَحَدَۢا١١٠﴾ [الكهف: 110]

«پس هركس که امید دیدار پروردگارش دارد، باید عمل صالح انجام دهد و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نسازد».

به این ترتیب اللّٰه ‌متعال بیان نموده که عمل صالح نمى‌باشند مگر آنكه اللّٰه آن را مشروع كرده باشد و انجام‌دهنده‌ی آن در عملش برای اللّٰه مخلص بوده و به او ایمان داشته باشد و پیامبرانش را تصديق كند، اما کسی که عملش جز این باشد، اللّٰه ‌متعال درباره او می‌فرماید:

﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا٢٣﴾[الفرقان: 23]

«و ما به هر عملی که انجام داده، می‌پردازیم، پس آن را (چون) غبار پراکنده (در هوا) قرار می‌دهیم».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ٢ عَامِلَةٞ نَّاصِبَةٞ٣ تَصۡلَىٰ نَارًا حَامِيَةٗ٤﴾ [الغاشية: 2-4]

«در آن روز، چهره‌هایی خوار و ذلیل خواهند بود (2) [در دنیا] پیوسته تلاش کرده [و] خسته شده [و چون در راه حق نبوده، نتیجه‌ای ندیده‌اند] (3) به آتشی بسیار داغ داخل خواهند شد (4)».

این چهره‌ها از سختی تلاش و زحمت خسته‌اند، اما چون بر مبنای هدایت الهی عمل نکردند، اللّٰه ‌متعال عاقبت آنان را آتش دوزخ نموده است؛ زیرا تلاش آنان در جز روشی بوده که اللّٰه مشروع نموده است، بلکه با عبادات باطل به عبادت پرداختند و از سران گمراهی که برای‌شان ادیانی باطل را ساخته و پرداخته‌اند، پیروی کرده‌اند؛ زیرا کار نیکی که نزد اللّٰه پذیرفته می‌شود همان است که موافق روش و رهنمون پیامبر ج باشد؛ حال چگونه ممکن است انسان به اللّٰه کفر ورزد، سپس از او انتظار پاداش داشته باشد؟!

اللّٰه ‌متعال ایمان هیچکسی را نمی‌پذیرد مگر آنكه به همۀ پیامبران ﻹ ایمان آورده باشد؛ و به پیامبری محمد ج نيز ايمان آورده باشد؛ پیش‌تر در بخش شمارۀ (20) به برخی از این دلایل اشاره کردیم؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿ءَامَنَ ٱلرَّسُولُ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ مِن رَّبِّهِۦ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ لَا نُفَرِّقُ بَيۡنَ أَحَدٖ مِّن رُّسُلِهِۦۚ وَقَالُواْ سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ٢٨٥﴾[البقرة: 285]

«پیامبر به آنچه از (سوی) پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان؛ همگی به اللّٰه و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، (و سخن‌شان این است که): میان هیچیک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم) و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت (تمام امور) به سوی توست».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ ءَامِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِۦ وَٱلۡكِتَٰبِ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِن قَبۡلُۚ وَمَن يَكۡفُرۡ بِٱللَّهِ وَمَلَٰٓئِكَتِهِۦ وَكُتُبِهِۦ وَرُسُلِهِۦ وَٱلۡيَوۡمِٱلۡأٓخِرِ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلَۢا بَعِيدًا١٣٦﴾ [النساء: 136]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به اللّٰه و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده است و (به هر) کتابی که پیش از این فرستاده است ایمان بیاورید (و بر آن پایدار باشید) و هرکس به اللّٰه و فرشتگان او و کتاب‏‌ها و پیامبرانش و روز قیامت کفر ورزد، بی‌تردید در گمراهی دور و درازی افتاده است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذۡ أَخَذَ ٱللَّهُ مِيثَٰقَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ لَمَآ ءَاتَيۡتُكُم مِّن كِتَٰبٖ وَحِكۡمَةٖ ثُمَّ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مُّصَدِّقٞ لِّمَا مَعَكُمۡ لَتُؤۡمِنُنَّ بِهِۦ وَلَتَنصُرُنَّهُۥۚ قَالَ ءَأَقۡرَرۡتُمۡ وَأَخَذۡتُمۡ عَلَىٰ ذَٰلِكُمۡ إِصۡرِيۖ قَالُوٓاْ أَقۡرَرۡنَاۚ قَالَ فَٱشۡهَدُواْ وَأَنَا۠ مَعَكُم مِّنَ ٱلشَّٰهِدِينَ٨١﴾ [آل عمران: 81]

«و (به یاد بیاورید) هنگامی را که اللّٰه از پیامبران عهد و پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمت دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه (از كتاب‌هاى آسمانى) همراه شماست تصدیق کند، باید به او ایمان بیاورید و او را یاری رسانيد، (آنگاه) فرمود: آیا اقرار کردید و بر این امر عهد و پیمانم را پذیرفتید؟ گفتند: اقرار کردیم، فرمود: پس گواه باشید و من (نیز) با شما از جمله‌ى گواهان هستم».

41- هدف همۀ پیام‌های الهی این است که انسان را با پيوستن به دين حق به مقام و جایگاه والايى برساند و بندۀ مخلص پروردگار جهانیان شود؛ و او را از بندگی انسان‌ها یا بندگی ماده یا خرافات برهاند؛ بنابراین - چنانکه می‌بینید - اسلام به ‌اشخاص قدسیت نمی‌دهد و آنان را بالاتر از جایگاه‌شان قرار نمی‌دهد و از آنان معبود و اله نمی‌سازد.

هدف همۀ پیام‌های الهی این است که انسان را با پيوستن به دين حق، به مقام و جایگاه والايى برساند و بندۀ مخلص پروردگار جهانیان شود و او را از بندگی انسان‌ها یا بندگی ماده یا خرافات برهاند؛ رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «تَعِسَ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالدِّرْهَمِ وَالقَطِيفَةِ وَالخَمِيصَةِ إِنْ أُعْطِيَ رَضِيَ وَإِنْ لَمْ يُعْطَ لَمْ يَرْضَ». «بنده‌ی دينار و درهم و بنده‌ی پارچه‌های نفيس و لباس‌های زيبا نابود باد. اگر از اموال دنيا برخوردار شود، خشنود می‌گردد و اگر برخوردار نشود، خرسند نمی‌گردد». [صحیح بخاری (6435)].

انسان متعادل تنها در برابر اللّٰه سر فرو می‌آورد و مال و ثروت یا جاه و منصب و قبیله او را به بردگی خود نمی‌کشاند؛ این داستان برای خواننده آشکار خواهد کرد که مردم پیش از پیامبری محمد ج چگونه بودند و پس از آن چه شدند:

هنگامی که مسلمانان برای بار نخست به حبشه هجرت کردند و پادشاه وقت حبشه - نجاشی - به آنان گفت: "این چه دینی است که بخاطرآن قوم خود را رها کردید و وارد دین من و ملت‌هاى دیگر نشدید؟". جعفر بن ابی طالب س در پاسخش گفت: "ای پادشاه، ما قومی بوديم از اهل جاهلیت که بت‌ها را عبادت می‌کردیم و مردار می‌خوردیم و مرتکب فحشا می‌شدیم و پیوند خویشاوندی را قطع مى‌كرديم و در حق همسایه بدرفتاری می‌نمودیم و قوی ما حق ضعیف را می‌خورد، ما در همین وضعیت بودیم تا آنكه اللّٰه پیامبری را به سوی ما فرستاد که نَسَب و راستگويى و امانتداری و پاکدامنی او را می‌شناسيم، پس ما را به سوى اللّٰه فراخواند که او را یکتا و یگانه بدانیم و تنها او را عبادت کنیم و آنچه را ما و پدران‌مان از سنگ و بت به جای اللّٰه عبادت می‌کردیم، رها کنیم و ما را به راستگویی و ادای امانت و صلۀ رحم و نيكى با همسایگان و دست کشیدن از حرام و خونريزى دستور داد؛ و از فحشا و سخن و گواهی ناحق و خوردن مال یتیم و تهمت زدن به زنان پاکدامن نهی کرد؛ و دستور داد که تنها اللّٰه را عبادت کنیم و چیزی را با او شریک نسازیم و دستور داد تا نماز، زکات و روزه را ادا كنيم". راوی می‌گوید: سپس امور اسلام را برشمرد، "پس او را راستگو شمردیم و به او ایمان آوردیم و پیرویِ پیامی شدیم که با خود آورد؛ پس اللّٰه را به تنهایی عبادت کردیم و چیزی را با او شریک نساختیم و آنچه را بر ما حرام نمود حرام دانستیم و آنچه را حلال کرده بود، حلال شمردیم...". [امام احمد آن را با شماره (1740) با اندکی اختلاف روايت كرده و ابونعیم نيز در "حلية الأولياء" 1/ 115 به صورت مختصر آورده است].

بنابراین، چنانكه می‌بینید اسلام اشخاص را مقدس نمی‌شمارد و آنان را از منزلت‌شان بالاتر نبرده و از آن‌ها معبود و اله نمی‌سازد. اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ ٱشۡهَدُواْ بِأَنَّا مُسۡلِمُونَ٦٤﴾ [آل عمران: 64]

«بگو: ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، اینکه جز اللّٰه را عبادت نکنیم و چیزی را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای اللّٰه به معبودى نگیرد، پس اگر (از این دعوت) روی گرداندند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم».

و اللّٰه ‌متعال می‎فرماید:

﴿وَلَا يَأۡمُرَكُمۡ أَن تَتَّخِذُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ أَرۡبَابًاۚ أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ بَعۡدَ إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ٨٠﴾ [آل عمران: 80]

«و (اللّٰه) به شما دستور نمى‌دهد که فرشتگان و پیامبران را به معبودى بگيريد، آیا پس از آنکه مسلمان شدید، شما را به کفر ورزيدن دستور می‌دهد؟!».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «لاَ تُطْرُونِي كَمَا أَطْرَتْ النَّصَارَى ابْنَ مَرْيَمَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُهُ فَقُولُوا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ». «در ستودن من مبالغه نكنيد همانطور كه نصارا در ستودن پسر مريم مبالغه كردند، من فقط بندۀ اللّٰه هستم، پس به من بگوييد: بنده‌ی اللّٰه و فرستاده‌اش». [صحیح بخاری (3445)].

42- اللّٰه ‌متعال توبه را در اسلام مشروعیت بخشیده است و توبه كردن یعنی: بازگشت انسان به سوی پروردگارش و ترک گناه؛ و اسلام آوردن باعث پاک شدن همۀ گناهان گذشته می‌شود و توبه همه‌ی گناهان پیش از خود را پاک می‌کند؛ بنابراین نیازی به اعتراف كردن به گناهان در برابر انسان دیگرى نیست.

اللّٰه ‌متعال توبه را در اسلام مشروعیت بخشیده است؛ و توبه كردن یعنی: بازگشت انسان به سوی پروردگارش و ترک گناه؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿...وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١﴾ [النور: 31]

«و ای مؤمنان، همگی به سوی اللّٰه توبه کنید، شايد رستگار شوید».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَأۡخُذُ ٱلصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ١٠٤﴾ [التوبة: 104]

«آیا نمی‌دانند اللّٰه است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و صدقات را می‌ستاند و بی‌تردید اللّٰه است که توبه‌پذیر مهربان است».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ٢٥﴾ [الشورى: 25]

«اوست که توبه‌ را از بندگانش می‌پذیرد و از بدی‏هایشان درمی‌گذرد و آنچه را انجام مى‌دهيد، می‌داند».

و رسول ‌اللّٰه ج می‌فرماید: «لَلَّهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ رَجُلٍ فِي أَرْضٍ دَوِّيَّةٍ مَهْلِكَةٍ مَعَهُ رَاحِلَتُهُ عَلَيْهَا طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَنَامَ فَاسْتَيْقَظَ وَقَدْ ذَهَبَتْ فَطَلَبَهَا حَتَّى أَدْرَكَهُ الْعَطَشُ ثُمَّ قَالَ: أَرْجِعُ إِلَى مَكَانِيَ الَّذِي كُنْتُ فِيهِ فَأَنَامُ حَتَّى أَمُوتَ فَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَى سَاعِدِهِ لِيَمُوتَ فَاسْتَيْقَظَ وَعِنْدَهُ رَاحِلَتُهُ وَعَلَيْهَا زَادُهُ وَطَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَاللهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ مِنْ هَذَا بِرَاحِلَتِهِ وَزَادِهِ». «اللّٰه از توبۀ بندۀ مؤمنش بیشتر از مردی خوشحال می‌شود که تنها در سرزمینی خشک و خطرناک به همراه شترش باشد و بر روى آن آب و غذایش را حمل مى‌كند، پس (از روى خستگى) بخوابد و درحالی بیدار شود که شترش و توشه‌اش رفته باشند، پس به جستجوى آن‌ها بپردازد تا جایی که تشنگی بر او غلبه كند، سپس (با خود) بگوید: به سوى مكان اول برمی‌گردم و (در آنجا) می‌خوابم تا بمیرم، پس (از بازگشتن) سرش را بر روى ساعدش می‌گذارد تا بمیرد، اما پس از بیدار شدن شتر و بارش كه آب و غذايش را بر پشت دارد، نزد خود می‌یابد؛ اللّٰه از توبه‌ی بندۀ مؤمنش، بیشتر از این مرد خوشحال مى‌شود كه شتر و توشه‌اش را يافته است». [صحیح مسلم (2744)].

و اسلام آوردن باعث پاک شدن همۀ گناهان گذشته می‌شود و توبه نيز باعث پاک شدن گناهان گذشته می‌شود؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِن يَنتَهُواْ يُغۡفَرۡ لَهُم مَّا قَدۡ سَلَفَ وَإِن يَعُودُواْ فَقَدۡ مَضَتۡ سُنَّتُ ٱلۡأَوَّلِينَ٣٨﴾[الأنفال: 38]

«(ای پیامبر!) به کسانی که کافر شده‌اند، بگو: اگر (از کفرورزيدن و دشمنی كردن) دست بر دارند، (گناهان) گذشته آنان آمرزیده می‌شود و اگر (به گناهان و دشمنى ورزيدن) بازگردند، پس بی‌گمان سنت (الهى دربارۀ دشمنان) پیشین جارى شده است (و آنان نابود شدند)».

اللّٰه ‌متعال نصرانیان را به توبه فرا خوانده و فرموده است:

﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى ٱللَّهِ وَيَسۡتَغۡفِرُونَهُۥۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٧٤﴾[المائدة: 74]

«آیا به سوی اللّٰه بازنمی‌گردند و از او طلب آمرزش نمی‌کنند؟ حال آنکه اللّٰه آمرزندۀ مهربان است».

همچنین اللّٰه ‌متعال همۀ نافرمانان و گناهکاران را به توبه تشويق کرده و فرموده است:

﴿۞ قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ٥٣﴾ [الزمر: 53]

«(ای پیامبر) بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف (و ستم) کرده‌اید! از رحمت اللّٰه ناامید نشوید، همانا اللّٰه همه گناهان را می‌بخشد، همانا او آمرزنده‌ى بسیار مهربان است».

هنگامی که عمرو بن عاص تصمیم گرفت مسلمان شود، ترسید که مبادا گناهانى كه پیش از اسلام انجام داده، بخشیده نشوند؛ وی این رويداد را اینگونه روایت می‌کند: "هنگامی که اللّٰه ﻷ اسلام را در دلم انداخت، نزد پیامبر ج آمدم تا با او بیعت كنم، ایشان دستش را به سوى من گشود، پس گفتم: ای رسول ‌اللّٰه، با تو بیعت نمی‌کنم تا اينكه گناهان گذشتۀ مرا بیامرزی؛ پس رسول ‌اللّٰه ج به من فرمود: «يَا عَمْرُو، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْهِجْرَةَ تَجُبُّ مَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ. يَا عَمْرُو، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْإِسْلَامَ يَجُبُّ مَا كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الذُّنُوبِ». «ای عمرو، آیا نمى‌دانى که هجرت كردن همه‌ى گناهان قبل از آن را پاک می‌کند؟ ای عمرو، آیا نمى‌دانى که اسلام آوردن همۀ گناهان پیش از خود را پاک می‌کند؟". [مسلم اين حديث را مفصل‌تر و مانند اين روايت به شماره (121) روايت كرده است و امام احمد با شماره (17827) آن را روايت كرده و لفظ مذکور روایت اوست].

43- در اسلام رابطه‌ى بين انسان و اللّٰه ‌متعال بصورت مستقیم است، بنابراین نیازی به این ندارید که کسی میان شما و اللّٰه واسطه شود، پس اسلام از اينكه انسان‌ها را به اله و معبود تبدیل کنیم یا در ربوبيت و الوهيت اللّٰه ‌متعال شریک او قرار دهیم، بازمی‌دارد.

در اسلام نیازی به اعتراف و اقرار به گناهان در برابر بشر نیست؛ چراکه در اسلام رابطه‌ى بين انسان و اللّٰه ‌متعال بصورت مستقیم است، بنابراین نیازی به این ندارید که کسی میان شما و اللّٰه واسطه شود، چنانكه در بخش (36) يادآور شديم، اللّٰه ‌متعال همۀ مردم را به سوی توبه و بازگشتن به سوى خود فراخوانده است و همين طور مردم را از این مهم نهی کرده که پیامبران یا ملائکه را به عنوان واسطه‌ای میان او و بندگانش قرار دهند؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا يَأۡمُرَكُمۡ أَن تَتَّخِذُواْ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ أَرۡبَابًاۚ أَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡكُفۡرِ بَعۡدَ إِذۡ أَنتُم مُّسۡلِمُونَ٨٠﴾ [آل عمران: 80]

«و (اللّٰه) به شما دستور نمى‌دهد که فرشتگان و پیامبران را به معبودى بگيريد، آیا پس از آنکه مسلمان شدید، شما را به کفر ورزيدن دستور می‌دهد؟!».

بنابراین اسلام - چنانكه می‌بینید - از این بازمی‌دارد که بشر را اله و معبود بشماریم یا در ربوبيت و الوهيت، شریک اللّٰه قرار دهیم؛ اللّٰه ‌متعال دربارۀ نصرانیان می‌فرماید:

﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسِيحَٱبۡنَ مَرۡيَمَ وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُوٓاْ إِلَٰهٗا وَٰحِدٗاۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ سُبۡحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٣١﴾ [التوبة: 31]

«(آنان) دانشمندان و راهبان خویش و (همچنین) مسیح پسر مریم را معبودهايى بجای اللّٰه گرفتند، درحالی‌که دستور نداشتند جز اینکه معبود یکتا و یگانه را عبادت كنند که هیچ معبودی (به حق) جز او نیست؛ و از آنچه شریک او قرار می‌دهند پاک و منزه است».

اللّٰه ‌متعال کافرانى را سرزنش می‌کند که میان خود و اللّٰه ‌متعال واسطه‌هایی قرار می‌دهند؛ چنانکه فرموده است:

﴿أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُۚ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ بَيۡنَهُمۡ فِي مَا هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ كَٰذِبٞ كَفَّارٞ٣﴾[الزمر: 3]

«آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آنِ اللّٰه است و افرادى كه غیر اللّٰه را [دوست و] كارساز خود انتخاب كرده‌اند [پندارشان این است كه: ‌] آن‌ها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم كه ما را به اللّٰه نزدیک ‌گردانند [و منزلت‌مان را بیشتر کنند]. اللّٰه در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داورى خواهد كرد. بی‌تردید، اللّٰه كسى را كه دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد كرد».

اللّٰه ‌متعال بیان نموده که بت‌پرستان -اهل جاهلیت- میان خود و اللّٰه واسطه‌هایی را قرار داده بودند و می‌گفتند: این واسطه‌ها آنان را به اللّٰه نزدیک می‌سازند.

وقتی اللّٰه ‌متعال مردم را از واسطه قرار دادن پیامبران یا ملائکه میان او و بندگانش نهی کرده است، در نظر گرفتن واسطه‌های دیگر نیز به طریق اولی شامل این نهی می‌شوند؛ حال آنكه انبیا و رسولان ﻹ خود براى نزدیک شدن به اللّٰه ‌متعال سبقت می‌گيرند؛ اللّٰه ‌متعال در بیان حال انبیا و رسولان می‌فرماید:

﴿... إِنَّهُمۡ كَانُواْ يُسَٰرِعُونَ فِي ٱلۡخَيۡرَٰتِ وَيَدۡعُونَنَا رَغَبٗا وَرَهَبٗاۖ وَكَانُواْ لَنَا خَٰشِعِينَ ٩٠﴾ [الأنبياء: 90]

«آنان در (انجام) نیکی‌ها شتاب می‌ورزیدند و ما را از روی بیم و امید فرامی‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند».

و اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ يَبۡتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ ٱلۡوَسِيلَةَ أَيُّهُمۡ أَقۡرَبُ وَيَرۡجُونَ رَحۡمَتَهُۥ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُۥٓۚ...٥٧﴾[الإسراء: 57]

«کسانی را که آنان [به یاری و دعا] می‌خوانند، خود [با عبادت و عمل صالح] وسیله‌ای [برای تقرّب] به پروردگارشان می‌جویند [و در رقابتند تا بدانند] كدام‌یک از آنان [به عبادت اللّٰه] نزدیک‌ترند و به رحمتش امیدوارند و از عذابش می‌ترسند؛ [چرا که] بی‌تردید، عذاب پروردگارت همواره شایستۀ پرهیز است». یعنی: کسانی که به جای اللّٰه آنان را به فریاد می‌خوانید، از جمله پیامبران و صالحان، خود به اللّٰه نزدیکی می‌جویند و امید به رحمتش دارند و از عذابش بیمناکند، پس چگونه به جای اللّٰه خوانده می‌شوند؟.

44- در پایان این رساله یادآور می‌شویم که مردم با وجود اختلاف زمانی و قومیتی و سرزمینی، بلکه جامعۀ انسانی با وجود تفاوت در افکار و اهداف‌ و محیط و کار، نیازی ضروری به هدایتگری دارد که آنان را راهنمایی کند؛ و به نظامی نیازمندند که آنان را کنار هم جمع كند، و حاکمی که از آنان حمایت کند؛ پیامبران بزرگوار - علیهم الصلاة والسلام - این مهم را با وحی خداوندی بر عهده گرفتند و مردم را به راه خیر و هدایت رهنمون كردند و آنان را بر مبنای شریعت الهی گرد هم جمع نمودند؛ و بر اساس حق میان آنان داوری كردند، درنتیجه امور آنان بر حسب پذیرش دعوت پیامبران و نزدیکی دوران آنان به دوران پیامبران، سرو سامان يافته است؛ و در پایان اللّٰه ‌متعال رسالت‌ها را با پیامبری محمد ج به پایان رسانده و بقا و ماندگاری این رسالت را مقرر و مسلم نموده و آن را هدایت و رحمت و نور و راهنما به سوی راهی قرار داده که به او منتهی می‌شود.

در پایان این رساله یادآور می‌شویم که مردم با وجود اختلاف زمانی و قومیتی و سرزمینی و بلکه جامعۀ انسانی با تفاوت‌هایی که در افکار و اهداف و محیط و کار دارد، نیازی ضروری به هدایتگری دارد که آنان را راهنمایی کند و به نظامی نیازمندند که آنان را در گرد هم جمع كند و حاکمی که از آنان حمایت کند؛ پیامبران بزرگوار -علیهم الصلاة والسلام- این مهم را با وحی الهی بر عهده گرفتند و مردم را به راه خیر و هدایت رهنمون كردند و آنان را بر شریعت الهی گردهم جمع نمودند و بر اساس حق میان آنان داوری كردند، درنتیجه امور آنان بر حسب پذیرش دعوت پیامبران و نزدیکی دوران آنان به دوران پیامبران، سر و سامان يافته است؛ و هنگامی که گمراهی و جهل گسترش یافت و بت‌ها عبادت شدند، اللّٰه ‌متعال پیامبرش محمد ج را با هدایت و دین حق فرستاد تا مردم را از تاریکی‌های کفر و جهل و بت‌پرستی به سوی ایمان و هدایت خارج گرداند.

45- اى انسان، از همين‌روی تو را به این دعوت می‌کنم که صادقانه و به دور از تقلید و عادت برای اللّٰه به پا خیزی و بدانی که پس از مرگ به سوی پروردگارت بر مى‌گردى؛ و توصیه می‌کنم در وجود خود و در جهان پیرامونت بينديشى و اسلام بیاوری تا در دنیا و آخرت سعادتمند شوى؛ و هرگاه قصد مسلمان شدن داشتى، همین کفایت می‌کند كه گواهی دهی معبودی به حق جز اللّٰه نیست و محمد فرستادۀ اوست (و بگویی: أشهد أن لا إله إلا اللّٰه وأشهد أن محمدا رسول ‌اللّٰه) و از هر آنچه جز اللّٰه عبادت می‌شود اعلام برائت و بیزاری کنی؛ و ایمان بیاوری که اللّٰه مردگان را از قبرهای‌شان برانگیخته خواهد كرد و باور داشته باشی که حساب و جزای قیامت حق است؛ پس چون به این موارد شهادت دادی، مسلمان خواهی شد و پس از آن لازم است عبادت اللّٰه را چنانکه خود مشروع كرده، از طریق نماز، زکات، روزه و حج -بشرط توانایی- به جای آوری.

اى انسان، از همين‌روی تو را به این دعوت می‌کنم که صادقانه و به دور از تقلید و عادت برای اللّٰه به پا خیزی؛ چنانکه اللّٰه ‌متعال تو را فرا خوانده است:

﴿۞ قُلۡ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍۖ أَن تَقُومُواْ لِلَّهِ مَثۡنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُواْۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا نَذِيرٞ لَّكُم بَيۡنَ يَدَيۡ عَذَابٖ شَدِيدٖ٤٦﴾ [سبأ: 46]

«ای پیامبر!) بگو: همانا من شما را به یک (خصلت) اندرز می‌دهم که: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای (رضايت) اللّٰه بر خیزید، سپس بیندیشید که این همنشین شما (محمد) هیچگونه دیوانگی ندارد، او برای شما جز هشدار دهنده‌ای قبل از عذاب شدید نیست».

و بدان که پس از مرگت به سوی پروردگارت باز خواهی گشت؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَأَن لَّيۡسَ لِلۡإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ٣٩ وَأَنَّ سَعۡيَهُۥ سَوۡفَ يُرَىٰ ٤٠ ثُمَّ يُجۡزَىٰهُ ٱلۡجَزَآءَٱلۡأَوۡفَىٰ٤١ وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ ٱلۡمُنتَهَىٰ٤٢﴾ [النجم: 39-42]

«و همانا برای انسان تنها ثمرۀ سعى و تلاش خود اوست (39) و همانا ثمرۀ سعى و تلاش او (در روز قیامت) دیده خواهد شد (40) سپس جزای (سعى و تلاش) او کامل و بدون کاستی داده می‌شود (41) و همانا سرانجام (هر كارى) به سوی پروردگار توست(42)».

و اينكه در وجود خود و در هستی پیرامونت بنگری؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿أَوَلَمۡ يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ مِن شَيۡءٖ وَأَنۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقۡتَرَبَ أَجَلُهُمۡۖ فَبِأَيِّ حَدِيثِۭ بَعۡدَهُۥ يُؤۡمِنُونَ١٨٥﴾ [الأعراف: 185]

«آیا در مُلک (گسترده، عظيم و شگفت انگيز) آسمان‏‌ها‏ و زمین و آنچه اللّٰه آفریده، نمی‌نگرند؟ و (آیا فکر نمی‌کنند) شاید اجل‌شان نزدیک شده باشد؟ پس بعد از این (قرآن) به کدام سخن ایمان می‌آورند؟».

پس اسلام بیاور تا در دنیا و آخرت سعادتمند شوی؛ و هرگاه قصد مسلمان شدن نمودى، تنها کافی است که گواهی دهی معبودی به حق جز اللّٰه نیست و اينكه محمد فرستاده اللّٰه مى‌باشد.

و هنگامی که رسول ‌اللّٰه ج، معاذ را برای دعوتِ مردم به اسلام به سوى یمن فرستاد، خطاب به او فرمود: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمْهُمْ أَنَّ اللهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمْهُمْ أَنَّ اللهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيَائِهِمْ فَتُرَدُّ فِي فُقَرَائِهِمْ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ». «تو نزد مردمانى از اهل کتاب می‌روی، پس آنان را به این دعوت کن که گواهی دهند معبودی (به حق) جز اللّٰه نیست و اينكه من فرستادۀ اللّٰه هستم؛ پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند، آنان را آگاه کن که اللّٰه ﻷ پنج نماز را در هر شبانه روز بر آنان فرض كرده است، پس اگر در این مورد از تو اطاعت کردند، آنان را آگاه کن که اللّٰه -عزوجل- زكاتى را در اموال آنان فرض نموده که از ثروتمندان آنان گرفته می‌شود و به فقرای‌شان بازگردانده می‌شود، پس اگر در این باره از تو اطاعت کردند، زنهار که به اموال خوب و نفیس آنان نزدیک شوی». [صحیح مسلم (19)].

و اينكه از هر چیزی که جز اللّٰه عبادت می‌شود، بیزاری جویی و این همان حنيفيت و ملت ابراهیم ÷ است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿قَدۡ كَانَتۡ لَكُمۡ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ فِيٓ إِبۡرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذۡ قَالُواْ لِقَوۡمِهِمۡ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمۡ وَمِمَّا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرۡنَا بِكُمۡ وَبَدَا بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةُ وَٱلۡبَغۡضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥٓ…٤﴾[الممتحنة: 4]

«یقیناً براى شما، ابراهيم و كسانى كه به او گرويده و همراه او بودند، الگوى خوبى است، آنگاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه جز اللّٰه عبادت می‌کنید، بیزاریم و به شما کافر شده‌ایم و میان ما و شما برای همیشه عداوت و دشمنی آشکارى به وجود آمده است، تا اينكه به اللّٰه یگانه ایمان آورید».

و ایمان بیاوری که اللّٰه همۀ کسانی را که در قبرها هستند، برانگیخته می‌سازد؛ اللّٰه ‌متعال مى‌فرمايد:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّهُۥ يُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَأَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ٦ وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡعَثُ مَن فِي ٱلۡقُبُورِ٧﴾[الحج: 6-7]

«این به خاطر آن است که (بدانید) اللّٰه حق است و او مردگان را زنده می‌کند و او بر هر چیز تواناست (6) و همانا قیامت در راه است (و) شکی در آن نیست و اينكه اللّٰه (همه‌ی) کسانی که در قبرها هستند، برانگيخته می‌کند (7)».

و اينكه حساب و جزا حق است؛ اللّٰه ‌متعال می‌فرماید:

﴿وَخَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّ وَلِتُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ ٢٢﴾ [الجاثية: 22]

«و اللّٰه آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است تا هرکس را در برابر آنچه انجام داده است پاداش دهد و به آن‌ها ستمی نخواهد رسيد».

اگر به این امور شهادت دهی، مسلمان شده‌ای و پس از آن، آنچه باید انجام دهی این است که اللّٰه را بر اساس آنچه خود مشروع كرده، عبادت کنی؛ با نماز، زکات، روزه و حج - اگر توانایی حج را داشته باشی - و دیگر عبادت‌هاى مشروع.

تاریخ این نسخه: 19-11-1441 هجرى قمرى.

تأليف: پروفسور محمد بن عبداللّٰه السحیم

استاد سابق عقیده در بخش پژوهش‌های اسلامی

دانشکدۀ تربيت معلم، دانشگاه ملک سعود

ریاض، پادشاهی عربستان سعودی

فهرست مطالب

[فهرست مطالب 136](#_Toc166059095)

[اسلام؛ چكيده‌ى مختصری دربارۀ اسلام، چنانکه در قرآن کریم و سنت ‌نبوی آمده است. 4](#_Toc166059096)

[1- اسلام، پیام پروردگار خطاب به همۀ مردم است؛ رسالت و پیام جاودان الهى و خاتم تمام رسالت‌‌های ربانی است. 4](#_Toc166059097)

[2- دین اسلام مخصوص یک نژاد یا قوم و گروهی نیست، بلکه دین اللّٰه برای همۀ مردم است. 5](#_Toc166059098)

[3- اسلام پیام الهى است که برای تکمیل رسالت پیامبران و فرستادگان پیشینی آمده است که آن‌ها برای امت‌هایشان آورده بودند. 6](#_Toc166059099)

[4- پیامبران ﻹ دین‌شان يكسان است و شریعت‌های‌شان متفاوت مى‌باشد. 7](#_Toc166059100)

[5- اسلام همچون همه‌ی پیامبران از جمله: نوح و ابراهیم و موسی و سلیمان و داوود و عیسی ﻹ به ایمان آوردن به این مهم دعوت می‌کند که رب و پروردگار همان اللّٰه است که آفریدگار، روزی دهنده، زنده کننده، میراننده، مالک و فرمانروا است؛ و اینکه او تدبیر كننده‌‌ی همه کارهاست و او رئوفِ مهربان است. 8](#_Toc166059101)

[6- اللّٰه سبحانه و تعالی آفریدگار است و تنها اوست که شایستۀ عبادت و یگانه‌پرستى است که هیچکس نباید همراهِ او عبادت شود. 13](#_Toc166059102)

[7- اللّٰه ‌متعال، آفرینندۀ تمام موجودات هستی است، هم چیزهایی که در دایره دید ما هستند و هم چیزهایی که از دایره دید ما خارج‌اند؛ و هر چه جز اللّٰه ‌متعال، از آفریده‌های اوست و اللّٰه ‌متعال آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفریده است. 19](#_Toc166059103)

[8- اللّٰه سبحانه و تعالی در مُلک یا آفرینش یا تدبیر یا عبادتش شریکی ندارد. 20](#_Toc166059104)

[9- اللّٰه سبحانه و تعالی نه (فرزندی) زاده و نه از كسى زاده شده است و همتا و مثل و مانندی ندارد. 24](#_Toc166059105)

[10- اللّٰه سبحانه و تعالی در هیچیک از مخلوقاتش حُلول نمی‌کند و در قالب هیچیک از آفریدگانش تجسم نمی‌یابد. 24](#_Toc166059106)

[11- اللّٰه سبحانه و تعالی نسبت به بندگانش مهربان است، از همین روی به ‌سوی آنان پیامبران را فرستاده و کتاب‌هایی نازل کرده است. 27](#_Toc166059107)

[12- اللّٰه ‌متعال همان پروردگار مهربان است و تنها اوست که در روز قیامت بندگانش را مورد محاسبه قرار می‌دهد، هنگامى که همۀ آنان را از قبرهای‌شان برانگیخت؛ پس هرکس را برای کارهایش - چه خیر و چه شر - جزا می‌دهد؛ پس هر آن که اهل ایمان بوده و کارهای نیک انجام داده، در نعمت‌های ماندگار است و آنکه کفر ورزیده و مرتکب کارهای بد شده، برای او در آخرت، عذاب بزرگ خواهد بود. 28](#_Toc166059108)

[13- اللّٰه سبحانه و تعالی آدم را از خاک آفرید و نسل او را چنین قرار داد که پس از او فرزند بیاورند و افزون شوند، بنابراین همۀ انسا‌ن‌ها در اصل برابرند و هیچ نژادی بر نژاد دیگر برتری ندارد و هیچ گروهی بر گروه دیگر فضیلتی ندارد مگر بر مبنای تقوا. 31](#_Toc166059109)

[14- و هر نوزادی بر اصل فطرت به دنیا می‌آید. 32](#_Toc166059110)

[15- و هیچ انسانی، گناهکار یا وارث گناه دیگری به دنیا نمی‌آید. 34](#_Toc166059111)

[16- و هدف از آفرینش مردم، عبادت كردن اللّٰه به يگانگی است. 36](#_Toc166059112)

[17- اسلام، انسان را - چه مرد باشد و چه زن - گرامی داشته و همۀ حقوقش را برای او تضمين نموده و او را در برابر انتخاب‌ها و اعمال و تصرفاتش مسئول دانسته و مسئولیت هر کاری را که به او و دیگری زیان برساند، بر عهدۀ خودش قرار داده است. 36](#_Toc166059113)

[18- اسلام مرد و زن را از نظر عمل، مسئولیت و جزا و پاداش برابر دانسته است. 40](#_Toc166059114)

[19- اسلام، زن را گرامی داشته و زنان را همسان مردان دانسته و مرد را ملزم نموده که در صورت توانایی، نفقۀ زن را بپردازد، بنابراین نفقۀ دختر بر عهدۀ پدر است و نفقۀ مادر بر عهدۀ فرزند او واجب است در صورتی که بالغ و توانا باشند و نفقۀ زن بر عهدۀ همسر اوست. 42](#_Toc166059115)

[20- و مرگ به معنای فنای ابدی نیست، بلکه انتقال از سرای عمل به سرای پاداش است؛ و مرگ هم بدن و هم روح را در بر می‌گیرد و مرگ روح جدا شدنش از بدن است که بعد از رستاخیز در روز قیامت، به بدن باز می‌گردد و روح پس از مرگ به بدنی دیگر منتقل نمی‌شود و در بدنی دیگر تناسخ نمی‌پذیرد. 44](#_Toc166059116)

[21- اسلام به اصول بزرگ ایمان و باور داشتن به آن‌ها فرا می‌خواند، و این اصول عبارتند از: ایمان به اللّٰه و ملائکۀ او، ایمان به کتاب‌های الهی مانند تورات و انجیل و زبور ـ پیش از تحریف آن‌ها ـ و قرآن؛ و ایمان به همۀ پیامبران و فرستادگان ﻹ و ایمان به آخرین پیامبران یعنی محمد رسول ‌اللّٰه، خاتم ‌انبیا و مرسلین؛ و ایمان به آخرت؛ و اینکه بدانیم اگر زندگی دنیا پایان کار بود، زندگی و وجود، بیهودگی محض بود؛ و همچنین ایمان به قضا و قدر. 45](#_Toc166059117)

[22- پیامبران در آنچه از سوی اللّٰه ابلاغ می‌کنند معصومند؛ و از هر آنچه مخالف با عقل یا اخلاق سلیم است معصومند؛ و مکلفند تا اوامر اللّٰه را به بندگانش برسانند؛ و پیامبران از هيچ ویژگی ربوبیت و الوهیت برخوردار نیستند؛ بلکه همانند دیگر انسان‌ها هستند با این تفاوت که خداوند پیامش را به آنان وحی كرده است. 59](#_Toc166059118)

[23- اسلام مردم را به عبادت موحدانه‌ی اللّٰه، از طریق عبادت‌های اصلی فرا می‌خواند که عبارتند از: نماز که شامل قیام، رکوع، سجود، یاد اللّٰه، ثنا و دعای اوست و انسان روزانه پنج بار آن را ادا مى‌كند و در هنگام اداى آن در صف نماز همۀ تفاوت‌ها میان ثروتمند و فقیر و رئیس و زیردست از بین می‌رود؛ و زکات که مقدار کمی از مال است - و بر اساس شروط و مقادیری که اللّٰه آن‌ها را قرار داده - در اموال ثروتمندان واجب است که از آنان گرفته شده به فقيران و دیگر مستحقان داده می‌شود؛ و تنها سالى يک بار پرداخت می‌شود؛ و روزه که به معنای خودداری از باطل کننده‌های روزه در روزهاى ماه رمضان (از طلوع فجر تا غروب خورشید) است؛ و باعث پرورش اراده و صبر در نفس بشری می‌شود؛ و حج که به معنای قصد بیت اللّٰه در مکۀ مکرمه برای یک بار در طول عُمر انسان برای شخصی واجب است که توانایی اداى آن را دارد؛ و در حج، همۀ مردم در روی آوردن به سوی خالق متعال برابرند و همۀ تفاوت‌ها و وابستگى‌ها از بین می‌رود. 65](#_Toc166059119)

[24- از بزرگ‌ترین ویژگی‌های عبادت در اسلام این است که کیفیت و وقت و شروط آن را اللّٰه سبحانه و تعالی مشروع نموده و پیامبر او ج آن را ابلاغ کرده و تا به امروز هیچ بشری چیزی به آن نیفزوده و از آن نکاسته است؛ و همۀ پیامبران ﻹ (ملت‌هاى خود را) به این عبادت‌های بزرگ فراخوانده‌اند. 70](#_Toc166059120)

[25- پیامبر اسلام، محمد بن عبداللّٰه ج از نسل اسماعیل بن ابراهیم -علیهما السلام- است؛ ایشان در سال ۵۷۱ میلادی در مکه دیده به جهان گشود و در همین شهر به پیامبری مبعوث شده و سپس به مدینه مهاجرت کرد؛ و در بت‌پرستى با قوم خود همراه نشد، اما در کارهای ارزشمند با آنان همکاری می‌کرد و پیش از بعثت نیز دارای اخلاقی والا بود و قومش او را «امین» می‌نامیدند؛ با رسیدن وی به چهل سالگی، اللّٰه ‌متعال ایشان را به پیامبری مبعوث نمود و با (معجزات) و نشانه‌هاى بزرگى وى را تأیید کرد که بزرگ‌ترین این معجزات، قرآن کریم است؛ قرآن كريم، بزرگ‌ترین معجزۀ تمام پیامبران و تنها معجزه‌ی باقیمانده از پیامبران (پيشين) تا امروز است؛ پس از آنکه اللّٰه ‌متعال به واسطۀ ایشان دین را کامل نمود و رسول ‌اللّٰه ج دین را به بهترین شکل ابلاغ نمود، در سن شصت و سه سالگی وفات نمود و در مدینه به خاک سپرده شد؛ محمد ج خاتم انبیا و مرسلین است که اللّٰه او را با هدایت و دین حق فرستاد تا مردم را از تاریکی‌های بت‌پرستی و کفر و جهالت به سوى نور توحید و ایمان هدايت کند؛ و اللّٰه گواهی داده که ایشان را با فرمان خود براى دعوت به سوی او فرستاده است. 72](#_Toc166059121)

[26- شریعت اسلام که پیامبرمان محمد ج آن را آورده، خاتمۀ پیام‌ها و رسالت‌های الهی و شریعت‌های ربانی است؛ و شریعتی کامل مى‌باشد؛ و در آن صلاح دین و دنیاى مردم نهفته است؛ و در درجۀ نخست به حفظ دین، خون، مال، عقل و نسل مردم اهميت مى‌دهد؛ شريعت اسلامى ناسخ همۀ شریعت‎های پیشین است، چنانکه شريعت‌هاى پیشین نسخ‌کننده‌ی هم بوده‌اند. 76](#_Toc166059122)

[27- اللّٰه سبحانه وتعالی دینی به جز دين اسلام را نمی‌پذیرد، دينى که بواسطه‌ی پیامبرمان محمد ج آمده است و هرکس جز اسلام دين دیگرى را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد. 78](#_Toc166059123)

[28- قرآن کریم، کتابی است که اللّٰه ‌متعال آن را به پیامبرش محمد ج وحی کرده و کلام پروردگار جهانیان است، کتابی که اللّٰه به واسطۀ آن انسان‌ها و جنیان را به مبارزه طلبیده تا همانند آن یا سوره‌ای مانند یکی از سوره‌هایش بیاورند؛ و هنوز این مبارزه‌طلبی تاکنون ادامه دارد. قرآن کریم به پرسش‌های مهمی پاسخ می‌دهد که میلیون‌ها انسان را به حیرت واداشته است؛ قرآن عظیم تاکنون به همان شکلی که به زبان عربی نازل شده باقیمانده و حرفی از آن کم نشده است و چاپ شده و (در جهان) منتشر مى‌باشد. این کتاب بزرگ یا ترجمۀ معانی آن شایستۀ مطالعه است، چنانكه سنت پیامبرمان محمد ج و آموزه‌ها و زندگى‌نامه‌ى ایشان محفوظ است و توسط سلسله‌ای از راویان مورد اعتماد نقل شده و به زبان عربی که زبان پیامبر بود، چاپ شده و در دسترس مى‌باشد؛ و به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده است. قرآن کریم و سنت پیامبر ج تنها منابع احکام اسلام و تشریعات آن است؛ چراکه اسلام از رفتار افراد منتسب به آن گرفته نمى‌شود، بلکه از وحی الهی كه شامل قرآن عظیم و سنت نبوی گرفته می‌شود. 80](#_Toc166059124)

[29- و اسلام به نیکی کردن به پدر و مادر دستور مى‌دهد، حتی اگر مسلمان هم نباشند و به نيكى كردن به فرزندان نيز توصیه می‌کند. 84](#_Toc166059125)

[30- اسلام به رعایت كردن عدالت در گفتار و کردار -حتی با دشمنان- دستور مى‌دهد. 89](#_Toc166059126)

[31- اسلام به نیکی كردن در حق همۀ مردم دستور داده است و به سوی مکارم اخلاقی و رفتار پسنديده دعوت می‎‌كند. 91](#_Toc166059127)

[32- اسلام به اخلاق شايسته مانند: راستی، امانتداری، پاكدامنى، حیا، شجاعت، بخشش، سخاوتمندى، یاریِ نیازمند، كمک به ستمدیده، غذا دادن به گرسنه، نیکی به همسایه، بجا آوردن صلۀ رَحِم و مهربانی با حیوانات فرامی‌خواند. 93](#_Toc166059128)

[33- اسلام خوردنى‌ها و نوشیدنی‌های پاكيزه‌ را حلال كرده است و به پاکیزگی قلب و پاکیزگی بدن و منزل دستور داده و به همین خاطر ازدواج را حلال نموده است؛ چنانکه به پیامبرانش چنین دستور داده است؛ و آنان به (استفاده كردن از) هر چیز پاكيزه‌اى دستور می‌دهند. 98](#_Toc166059129)

[34- و اسلام اصول و پايه‌هاى محرمات، مانند شرک ورزيدن به اللّٰه، کفر، بت‌پرستی، نسبت دادن سخنی به اللّٰه بدون علم و دانش، کشتن فرزندان، کشتن جانی که حرمت دارد، تباهی در زمین، سحر و جادوگری، زشتی‌های آشکار و پنهان، زنا، لواط و همجنس‌گرايى، ربا خوارى، خوردن گوشت مردار، خوردن آنچه برای بت‌ها قربانی شده، گوشت خوک و دیگر نجاست‌ها و ناپاکی‌ها، خوردن مال یتیم، كم كردن پيمانه يا وزن و قطع پیوند خویشاوندی را حرام كرده است؛ و (تشريعات) همۀ پیامبران ﻹ بر تحریم این موارد اتفاق دارد. 100](#_Toc166059130)

[35- اسلام از اخلاق نکوهیده و ناپسندی مانند: دروغ، کلاهبرداری، خیانت، فريبكارى، حسادت، نیرنگ زشت، دزدی، تجاوزگری و ستمگری نهی کرده و از هرگونه اخلاق ناپسنديده‌اى نهى كرده است. 105](#_Toc166059131)

[36- اسلام از هر معامله مالی که در بر دارندۀ ربا یا زیان یا ابهام یا ظلم یا تقلب باشند یا به فاجعه‌ها و زیان عمومى به جوامع، ملت‌ها و افراد منجر مى‌شود، نهی کرده است. 112](#_Toc166059132)

[37- اسلام آمده تا عقل را حفظ کند و هر آنچه به تباهی عقل می‌انجامد، مانند: نوشیدن مست‌كننده‌ها، حرام کرده است؛ و منزلت عقل را بزرگ‌داشته است و آن را ملاک تكاليف شرعى قرار داده است؛ و آن را از زنجیرهاى خرافات و بت‌پرستی رهانیده است؛ در اسلام هیچ اسرار یا احکامی نیست که مخصوص یک طبقۀ خاص باشد و همۀ احکام و قوانین آن موافق عقل صحیح و بر مبنای عدالت و حکمت است. 115](#_Toc166059133)

[38- و در همۀ ادیان باطل، وقتی پیروان‌شان نتوانند تناقض موجود در این ادیان را درک کنند و از فهم امور خلاف عقل موجود در تعالیم آن ادیان ناتوان بمانند، مراجع دینی‌شان این توهم را در بین آنان ايجاد كرده‌اند که دین فراتر از عقل است و عقل نمی‌تواند دین را درک كند، درحالی‌که اسلام، دین را همانند نورى می‌داند که راه را برای عقل روشن می‌سازد، اما پیروان ادیان باطل از انسان می‌خواهند که عقل خود را کنار گذاشته و پیرویِ آنان شوند، درحالی‌که اسلام از انسان می‌خواهد که عقل خود را بیدار کند و به کار اندازد تا حقیقت امور را چنانکه هستند بشناسد. 117](#_Toc166059134)

[39- اسلام، علم صحیح را گرامی می‌دارد و به پژوهش علمی خالى از هرگونه هوای نفس تشویق می‌کند؛ و به ديدن و انديشيدن در درون خود و جهان پیرامون‌مان فرا می‌خواند؛ و نتایج علمی صحیح با اسلام تعارضی ندارند. 119](#_Toc166059135)

[40- اللّٰه عملى را نمی‌پذیرد و در آخرت پاداشی برای آن نمی‌دهد مگر از کسی که به اللّٰه ایمان آورد و از او اطاعت کند و همۀ پیامبرانش -علیهم الصلاة والسلام- را تصدیق کند؛ و اللّٰه هیچ عبادتی را نمی‌پذیرد مگر عبادتی که خود آن را مشروع كرده است، با این همه چگونه انسان می‌تواند به اللّٰه کفر ورزد، اما از او انتظار پاداش داشته باشد؟ اللّٰه ایمان هیچیک از مردم را نمی‌پذیرد مگر آنکه به همۀ پیامبران ایمان آورند و به رسالت محمد ج ايمان آورند. 122](#_Toc166059136)

[41- هدف همۀ پیام‌های الهی این است که انسان را با پيوستن به دين حق به مقام و جایگاه والايى برساند و بندۀ مخلص پروردگار جهانیان شود؛ و او را از بندگی انسان‌ها یا بندگی ماده یا خرافات برهاند؛ بنابراین - چنانکه می‌بینید - اسلام به ‌اشخاص قدسیت نمی‌دهد و آنان را بالاتر از جایگاه‌شان قرار نمی‌دهد و از آنان معبود و اله نمی‌سازد. 125](#_Toc166059137)

[42- اللّٰه ‌متعال توبه را در اسلام مشروعیت بخشیده است و توبه كردن یعنی: بازگشت انسان به سوی پروردگارش و ترک گناه؛ و اسلام آوردن باعث پاک شدن همۀ گناهان گذشته می‌شود و توبه همه‌ی گناهان پیش از خود را پاک می‌کند؛ بنابراین نیازی به اعتراف كردن به گناهان در برابر انسان دیگرى نیست. 127](#_Toc166059138)

[43- در اسلام رابطه‌ى بين انسان و اللّٰه ‌متعال بصورت مستقیم است، بنابراین نیازی به این ندارید که کسی میان شما و اللّٰه واسطه شود، پس اسلام از اينكه انسان‌ها را به اله و معبود تبدیل کنیم یا در ربوبيت و الوهيت اللّٰه ‌متعال شریک او قرار دهیم، بازمی‌دارد. 129](#_Toc166059139)

[44- در پایان این رساله یادآور می‌شویم که مردم با وجود اختلاف زمانی و قومیتی و سرزمینی، بلکه جامعۀ انسانی با وجود تفاوت در افکار و اهداف‌ و محیط و کار، نیازی ضروری به هدایتگری دارد که آنان را راهنمایی کند؛ و به نظامی نیازمندند که آنان را کنار هم جمع كند، و حاکمی که از آنان حمایت کند؛ پیامبران بزرگوار - علیهم الصلاة والسلام - این مهم را با وحی خداوندی بر عهده گرفتند و مردم را به راه خیر و هدایت رهنمون كردند و آنان را بر مبنای شریعت الهی گرد هم جمع نمودند؛ و بر اساس حق میان آنان داوری كردند، درنتیجه امور آنان بر حسب پذیرش دعوت پیامبران و نزدیکی دوران آنان به دوران پیامبران، سرو سامان يافته است؛ و در پایان اللّٰه ‌متعال رسالت‌ها را با پیامبری محمد ج به پایان رسانده و بقا و ماندگاری این رسالت را مقرر و مسلم نموده و آن را هدایت و رحمت و نور و راهنما به سوی راهی قرار داده که به او منتهی می‌شود. 131](#_Toc166059140)

[45- اى انسان، از همين‌روی تو را به این دعوت می‌کنم که صادقانه و به دور از تقلید و عادت برای اللّٰه به پا خیزی و بدانی که پس از مرگ به سوی پروردگارت بر مى‌گردى؛ و توصیه می‌کنم در وجود خود و در جهان پیرامونت بينديشى و اسلام بیاوری تا در دنیا و آخرت سعادتمند شوى؛ و هرگاه قصد مسلمان شدن داشتى، همین کفایت می‌کند كه گواهی دهی معبودی به حق جز اللّٰه نیست و محمد فرستادۀ اوست (و بگویی: أشهد أن لا إله إلا اللّٰه وأشهد أن محمدا رسول ‌اللّٰه) و از هر آنچه جز اللّٰه عبادت می‌شود اعلام برائت و بیزاری کنی؛ و ایمان بیاوری که اللّٰه مردگان را از قبرهای‌شان برانگیخته خواهد كرد و باور داشته باشی که حساب و جزای قیامت حق است؛ پس چون به این موارد شهادت دادی، مسلمان خواهی شد و پس از آن لازم است عبادت اللّٰه را چنانکه خود مشروع كرده، از طریق نماز، زکات، روزه و حج -بشرط توانایی- به جای آوری. 132](#_Toc166059141)





1. - این نسخه دربردارنده‌ی دلایلی از قرآن کریم و سنت نبوی است. [↑](#footnote-ref-1)